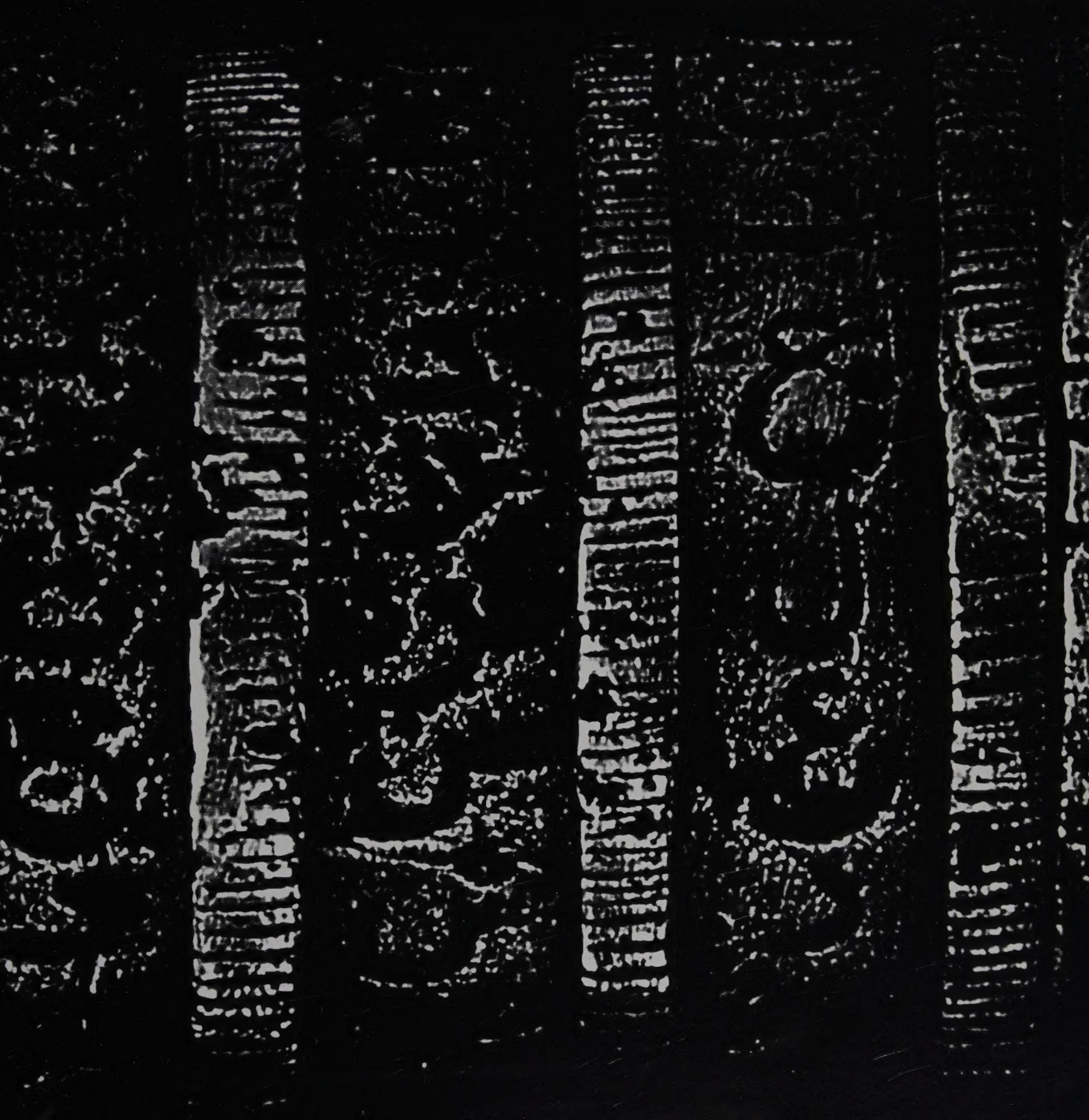
قفل‌های ایران

پرویز تناولی







هنرهای از یاد رفته -۳

قفل‌های ایران

پرویز تناولی





هنرهای از یاد رفته -۳

قفل‌های ایران

نویسنده: پرویز تناولی

کلیه عکس‌ها از پرویز تناولی
به استثنای عکس‌های
۳۸۶، ۵۴۰ و ۶۲۶ از فریدون زرین‌قلم
۶۶۲ و ۶۶۲ الف از هوراد گرجی
۶۵۳ و ۶۵۴ از اکبر ناظمی

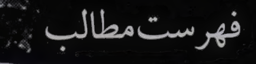
ویراستار: فرشته موسوی
نمونه خوان: فرهاد بابایی

چاپ اول: تهران ۱۳۸۶
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۶۷۸-۱-۷

نشر بن گاه
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۸۵۷۶
www.bon-gah.com



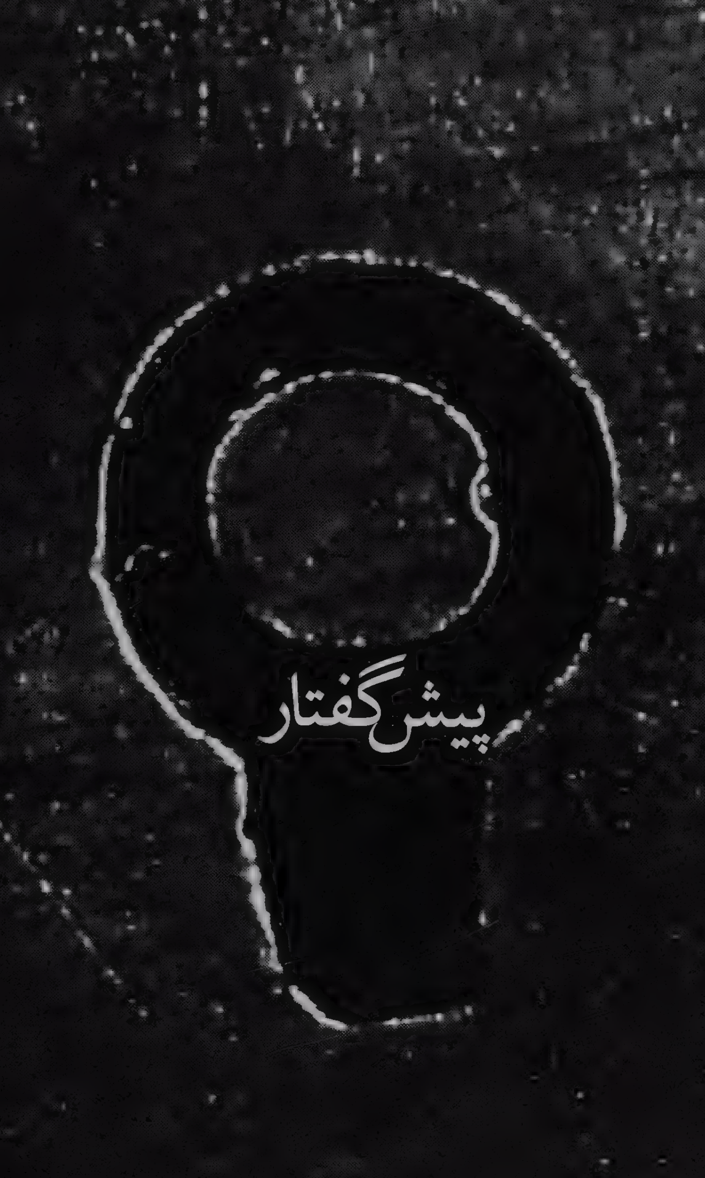
سرشناسنامه: تناولی پرویز ۱۳۱۶
عنوان و نام پدید آور: قفل های ایران/پرویز تناولی.
مشخصات نشر: تهران: بن گاه، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری: ۱۵۶ص .: مصور.
شابک: ۷-۱-۹۱۶۷۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: قفل سازی--ایران.
موضوع: قفل و کلید--ایران.
رده بندی کنگره: ۷ق ۹ت/TS۵۲۰
رده بندی دیویی: ۶۸۳/۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:۱۰۶۹۴۵۹



فهرست مطالب

نوشته روی قفل: «گشاده باد بدولت همیشه این درگاه»

از کودکی علاقه زیادی به قفل داشتم و هرگاه قفل از کارافتاده ای به دستم می‌رسید، برای به کارانداختن آن ساعت‌ها سرگرم می‌شدم. خانه ما دارای یک حمام سرخانه بود که از آن استفاده نمی شد. این حمام به تدریج به صورت انباری برای گردآوری اموال من درآمد که در آن همه نوع سیخ، میخ، تیر و تخته، قفل و کلید و هر چیز دورانداختنی دیگری را جمع می کردم و بیشتر وقتم را در این حمام با اموال و ابزارم می گذراندم.
یکی از حوادثی که می‌توانست مرا از خانه به کوچه بکشاند، صدای قفل‌ساز بود. آن روزها قفل‌سازان دوره گرد در محله‌ها راه می‌افتادند و با صدای قفل‌ساز، کلید ساز مردم را برای تعمیر قفل‌هایشان فرا می‌خواندند. ابزار کار قفل‌سازان از یک چهار پایه بلند که چرخ سنگ سابی را بر آن سوار کرده بودند و چند سوهان تجاوز نمی کرد. اما قسمت مهم وسایل آن‌ها کلیدهایشان بود که چون حلقه گلی به سیم کشیده و برشانه حمل می کردند. در نظر من این کلیدها گنجینه‌ای بی‌قیاس بود. تماشای قفل‌سازان و وسایل کار آن‌ها از لحظات خوب کودکی من بود. اما چرخ گردون سرانجام مرا از آن خانه، آن حمام و آن ابزار دور و راهی خارج کرد و پس از سال‌ها که به وطن بازم گرداند، دیگر نه ازآن خانه خبری بود و نه از آن چه در آن داشتم. اما باز همین چرخ گردون مرا به سوی قفل و قفل‌سازی کشاند، اما این بار به نوع دیگر و در ارتباط با رشته مجسمه‌سازی که درس آن را خوانده بودم. حرفه مجسمه‌سازی در کشوری که قرن‌ها فاقد آن شده بود، مرا تشنه دیگر ساخته‌های سه‌بُعدی گذشتگانم می کرد وجای خالی این رشته را برایم پر می‌ساخت. این آثار اگر چه با هدف مجسمه سازی ساخته نشده بود، اما کیفیت و خلاقیتی که در آن‌ها به کار رفته بود، کم از مجسمه سازی نداشت و تکیه گاهی خودی برایم محسوب می‌شد. در میان انواع ساخته‌های سه‌بُعدی، کار قفل‌سازان و فولادگران بیش از بقیه مفتونم می کرد و سرنوشت هم در قراردادن آن‌ها برسر راهم بر وفق مراد بود.
درسال ۱۳۵۳ با جوانی آمریکایی به نام **جان ورتایم**- John Wertime -که در آن زمان درتهران مشغول تحصیل زبان فارسی و معارف اسلامی بود - آشنا شدم و به اتفاق مصمم به تهیه کاتالوگی از قفل‌ها شدیم. **هوشنگ آذربهی** نیز به ما پیوست و در به تصویر کشیدن دستگاه قفل‌ها همتی کرد. این کاتالوگ به سبب همزمانی نمایشگاه قفل‌ها در امریکا چاپ و به زبان انگلیسی انتشار یافت[۱] و بیش از انتظار مورد توجه مردم آن سرزمین قرارگرفت. از پیامدهای مهم «نمایشگاه قفل‌های ایران» درآمریکا تشکیل سخنرانی‌ها و سمینارهایی درباره این قفل‌ها بود. از جمله دانشگاه ***بوستون تگزاس*** سمیناری درباره تکنولوژی اولیه قفل‌های ایرانی تشکیل داد و کتابی در این زمینه منتشر کرد.[۲] امید است این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شود.
سیزده سال پس از نمایشگاه قفل‌های ایران در آمریکا، موزه ملی هنرهای شرقی ایتالیا نمایشگاهی از قفل‌های شرقی - که بیشتر آن را قفل‌های *ایرانی* تشکیل می‌داد - در رُم برگزار کرد و ضمن درج بسیاری از تصاویر قفل‌های «**مجموعه تناولی**» و تقدیر از نمایشگاه‌های آن در *امریکا*، به شناساندن این رشته ناشناخته همت گماشت.[۳]
کتاب «*قفل‌های ایران*» حاصل تجربیات و اندوخته‌های یک دوران چهل ساله است که تلاش می کند نقشی را که قفل در فرهنگ، هنر و صنعت ما داشته است، تصویر کند. از وجود همین قفل‌هاست که بخشی از خلأ مجسمه‌سازی ما پر شده و نقش مهم قفل در صنایع اولیه آشکار می‌شود. از طرفی درهم تنیدن قفل با باورهای مردمی و نیازهای معنوی آنان، جاذبه‌های بی‌مانندی به این دست ساخته‌ها بخشیده است.


پیش گفتار

قفل و قفل‌سازی درفرهنگ سنتی ایران

تا چندی پیش تقریبا در کلیه بازارهای ایران دکان‌هایی مخصوص قفل‌سازی وجود داشت. نیاز به امنیت در ایران نیز مانند سایر نقاط جهان نقش عمده ای در گسترش حرفه قفل‌سازی داشت با این حال امنیت تنها دلیل ساختن یا داشتن قفل نبود، قفل یکی از عوامل بر آوردن نیازهای معنوی و روانی ایرانیان نیز بود. با آغاز تحولات وسیع اجتماعی و اقتصادی در ایران در طی یک قرن گذشته، صنعت قفل‌سازی دستی تقریبا از بین رفت و جای خود را به قفل‌های ماشینی و وارداتی داد. بیشتر کار قفل‌سازان کنونی محدود به تعمیر قفل و یا ساختن کلید است.

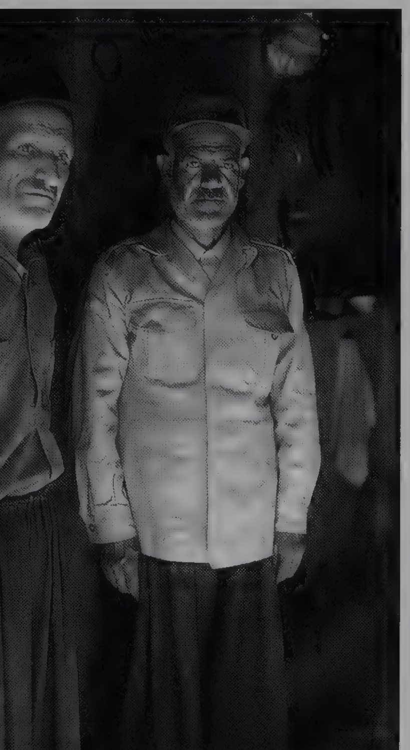
در مورد استفاده از قفل برای مقاصد دیگر نیز وضع به همین منوال است. دیری نخواهد پایید که در ایران نیز مانند کشورهای غربی، قفل فقط جنبه ایمنی خواهد یافت و معانی و مصارف دیگر خود را از دست خواهد داد.

پاره‌ای از اطلاعات من درباره نقش قفل و قفل‌سازی در فرهنگ سنتی ایران، نتیجه سپرده‌های ذهنی و معلومات شفاهی مسن‌ترها و پاره‌ای حاصل بازدید و ملاقات با آخرین قفل‌سازان درسطح کشور است. متاسفانه دانش من در این زمینه در مقابل قفل‌هایی که به جا مانده بسیار ناچیز و به مراتب کمتر از دانش گذشتگان است.

۱- استاد تقی نیکزاد، قفل‌ساز *چالشتری*، ۱۳۵۳ (صفحه روبرو)

۲- استاد تقی و استاد احمد، قفل سازان *چالشتری*، ۱۳۵۳

حرفه قفل‌سازی



۲

یکی از صنایع مهم گذشته حرفه قفل‌سازی بود و دست یافتن به آن نیاز به مهارت و تخصص داشت. تقریبا در همه بازارهای ایران بخشی مختص قفل‌سازان وجود داشت که دکان‌ها و کارگاه‌های آن را در بر می‌گرفت. راسته قفل‌سازان در این بازارها به تدریج از بین رفت و درحال حاضر جز نام و نشانه‌های اندک، چیزی از آن‌ها باقی نمانده است.

آشنایی من با قفل‌سازان در طی سفرهای من پس از سال ۱۳۴۵ پیش آمد. برای این مقصود به مناطق مختلف ایران سفر کردم و موفق شدم با آخرین بازماندگان این صنف در شهرها و روستاهای آن‌ها ملاقات کنم. گزارش زیر حاصل این سفرهاست که دریک دوره هفت ساله، بین ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲ انجام شد. در طی این سفرها بود که متوجه شدم که حرفه قفل‌سازی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت زودتر از شهرهای کوچک و روستاها از میان رفته است. در بازارهای بزرگی چون بازار تبریز، اصفهان، شیراز و تهران که زمانی ده‌ها و صدها قفل‌ساز را در خود جای می‌داد، دیگر کسی در این شغل باقی نمانده است و اگر هم مانده کارش به تعمیر قفل و یا ساختن کلید کشیده است. اما در برخی از روستاها قفل‌سازانی را ملاقات کردم، یکی از این روستاها *چالشتر* بختیاری بود.

چالشتر در ٦ کلیومتری شهرکرد مرکز استان چهار محال و بختیاری قرارگرفته است. این روستا زمانی مرکز فعالی برای قفل‌سازان بود، در حالی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ فقط سه قفل ساز در آن زندگی می‌کردند که سن هر سه بالاتر از ٦۰ سال بود. دو نفر از این سه قفل‌ساز تقریبا از کار افتاده و از حرفه خود دست کشیده بودند، اما یکی از آن‌ها به نام استاد **تقی نیکزاد** کار قفل‌سازی را در کنار دیگر کارها ادامه می‌داد (شماره۱). بنا به گفته قفل‌سازان چالشتر، ۲۰ سال پیش از آن (در دهه ۱۳۳۰) بیش از ۳۰ نفر در چالشتر به این حرفه اشتغال داشتند.

قفل‌سازان *چالشتری* درباره استادشان استاد **حسین** که در اوایل قرن چهاردهم هجری جهان را بدرود گفته است، می‌گویند: استاد **حسین** زمانی خود شاگرد استاد **عبدالله** بود که علاوه بر قفل‌سازی با صنایع دیگری از قبیل تفنگ سازی، معماری و نجاری آشنایی داشت.

شاگردان استاد **عبدالله** می‌گویند که وی و شش تن از دوستانش هنگامی که برای زیارت خانه خدا به مکه رفته بودند پولشان تمام شد. استاد برای امرار معاش خود و یارانش دست به کار قفل‌سازی شد و در کار خود موفقیت زیادی پیدا کرد و قفل‌هایی به سفارش مردم ساخت. وی حتا مفتخر به دریافت سفارش قفلی برای درکعبه شد. به این وسیله استاد **عبدالله** در طول اقامت یکساله اش درمکه هزینه‌های خود، دوستانش و مخارج بازگشت به چالشتر را از قِبَل قفل‌سازی تامین کرد.

قفل شماره ۳۸۸ امضای «حسین» را دارد که سه بار روی کمانه آن مُهر شده است. این **حسین** باید شاگرد همان **عبدالله** باشد. قفل شماره ۳۸٦ که روی آن طلا کوبی شده است به احتمال کار استاد **عبدالله** است. این قفل شباهت زیادی به قفل درب مرقد



قفل‌ها و قفل‌سازان مشهور گذشته، کوچکترین و بزرگترین قفل‌ها

درباره قفل‌سازان مشهور گذشته اطلاعات زیادی دردست نیست و در نوشته‌های مورخین غربی و اسلامی به ندرت از آن‌ها اسمی برده شده است. با توجه به این نکته، بدیهی است که اشاره **یاقوت** به **عبدالله مروزی القفال** به قفل کوچکی که وزن کلید آن کمتر از یک گرم بود[٤] و یا **سام میرزا**، شاهزاده صفوی به **مولانا استاد نوری** قفل‌ساز در اواسط قرن دهم (هـ ق) دارای اهمیت فراوان است. در این کتاب آمده است: «**مولانا استاد نوری** قفلگر از نوادر دوران است. در آن صنعت به مرتبه‌ای ماهر بود که دوازده قفل از فولاد ساخته بود که [هر یک] درون پوست پسته‌ای می گنجید و همه را کلید بود.»[٥] دو قفل شماره ٤٣٨ و ٤٣٩ می‌تواند از قفل‌های استاد **نوری** و یا یادآور آن‌ها باشد.

در مقابل قفل‌های کوچک استاد **حسن نوری**، **مقدسی** (فوت ٣٧٥ یا ٣٨١هـ) شرحی از یک قفل فلزی را که درسرزمین دیلم دیده بود، آورده است که طول آن حدود ٣/٥ متر و قطرش ١/٧٠ متر بوده است وی هم‌چنین از کلون بزرگی که به دروازه همین محل بوده یاد کرده است، که اشاره به آن خالی از لطف نیست :

«بر روی در یک قفل استوانه شکل هست که هفت ذراع* درازا و یک باع** قطر آنست. این قفل در بیست و پنج ذراعی زمین آویخته شده است. پنج ذراع بالای قفل یک کلون درازتر از آن هست. درازای هر یک از دو گیره آن دو ذراع است. روی این کلون یک کلید به درازای یک ذراع و نیم آویخته که دوازده دندانه دارد. هر دندانه آن مانند دسته بزرگترین هاون‌هاست و به زنجیری آویخته شده که درازایش هشت ذراع و محیط کلفتی آن چهار وجب و حلقه‌ای که زنجیر بدان آویخته شده درازیش هشت ذراع ...»[٦] نظیر این مطلب را **ابن‌خردادبه** (فوت ٣٠٠هـ) آورده و نوشته است: «قفل بالا را دو مرد نمی‌توانستند برگیرند.»[٧]



٤

حرفه کلیدداری

از جمله حرفه‌های مهم گذشته حرفه کلیدداری بود و کلیددار معتمد مردم، شاهان و سلاطین محسوب می‌شد. کلید خزانه بسیاری از شاهان را کلیددار حمل می‌کرد و هر یک از اماکن مقدسه نیز یک کلیددار داشت. کعبه، خانه خدا نیز کلیددار داشت و کلیدداری خانه کعبه تا پیش از اسلام در دست طایفه **قریش** بود و علت برتری این طایفه بر طوایف دیگر عرب نیز همین کلیدداری آن‌ها بود.[٨] با کلیدهای متعددی که از خانه خدا به‌جا مانده، به نظر می‌رسد که هرخلیفه ای با انتخاب کلیددار مخصوص خود، قفل و کلید جدیدی برای خانه خدا سفارش می‌داده است. بیشتر این کلیدها اکنون در موزه توپکاپی است.[٩]

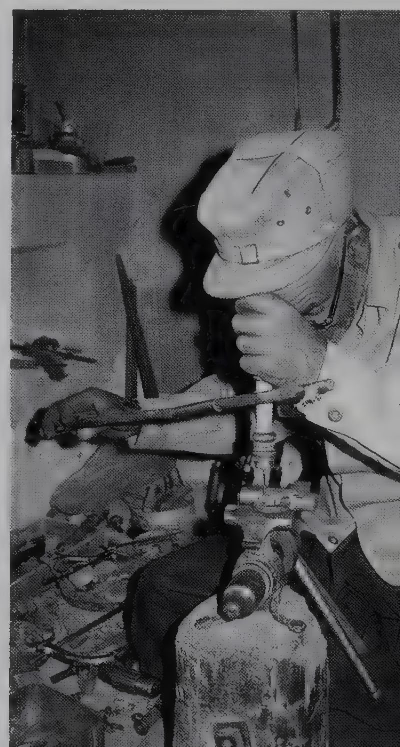
کلیدداری حرم امام رضا (ع) نیز از مشاغل مهم است و هنوز هم کلیددار، حافظ نذورات مردم در داخل ضریح است. بنا به منابع موجود، شاهان صفوی کلید و قفل مخصوص برای ضریح امام رضا می‌فرستاده‌اند. اگر چه قفلی با نام ایشان به جا نمانده، اما یک جعبه کلید فولادی با مشبک ظریف و زیبا که سفارش **شاه سلطان حسین صفوی** (١١٠٥ـ١١٣٥هـ ق) است، نشانه اهمیت کلید و کلیدداری در آن زمان است (عکس ٤).

---

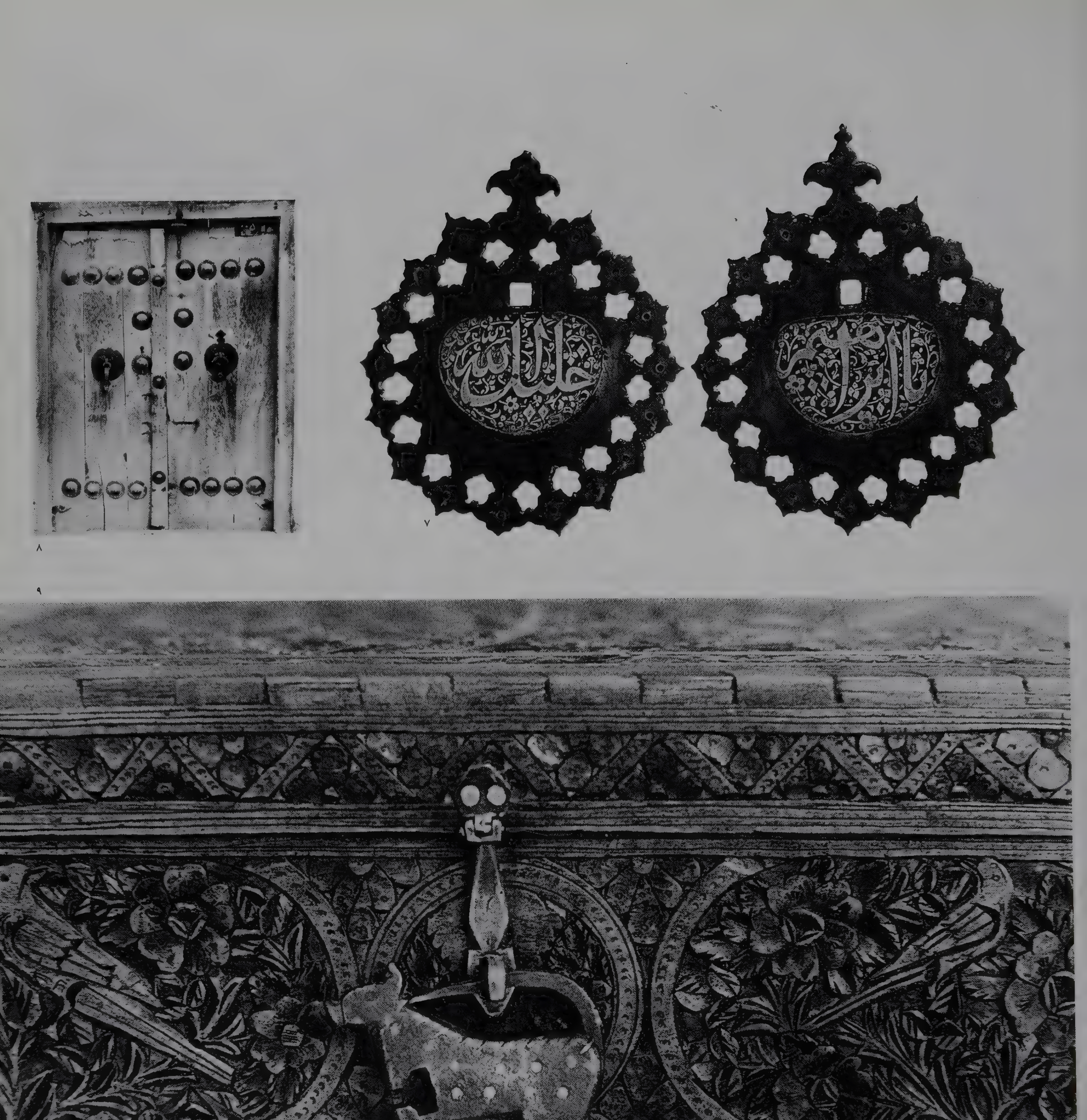
* هر ذراع از نوک انگشت تا آرنج (حدود ٤٥ سانتی متر)

** هر باع از نوک انگشت بلند دست راست تا نوک انگشت بلند دست چپ آن گاه که دستان را افقی باز کنند (حدود ١٧٠ سانتی متر)

حضرت **رضا** (ع) دارد که آن نیز منسوب به همین استاد است.
در شیراز قفل‌سازی را یافتم که با تعمیر قفل و کلید امرار معاش می کرد. وی که در پانزده سالگی به شاگردی یکی از دکان‌های قفل‌سازی جلوی مرقد شاه چراغ درآمده بود، اشاره می کرد که، در آن زمان این میدان مرکز قفل‌سازان بوده اما امروز حتا یکی از آن‌ها نیز باقی نمانده است.
در بازار قفل‌سازهای همدان یک قفل‌ساز باقی مانده بود. به گفته استاد پیر قفل‌ساز، وی پس از جنگ جهانی دوم دیگر قفلی نساخته بود و با تعمیر قفل امرار معاش می کرد.
به روایت قفل‌سازان زنجانی، در اواخر قرن سیزده در این شهر سیصد قفل‌ساز وجود داشته و محصول این قفل‌سازان برای فروش به نقاط دیگر ایران عرضه می‌شده است. اما با رکود کار قفل‌سازی، صاحبان این حرفه به تدریج به رشته‌های دیگر از جمله ساختن کارد، چاقو، قیچی و قندشکن رو آورده بودند.
یکی دیگر از مهمترین و آخرین مراکز قفل‌سازی ایران در روستای کرند در نزدیکی کرمانشاه بود. درگذشته جمعیت بسیاری در این روستا از حرفه قفل‌سازی نان می‌خوردند. این قفل‌سازان به ویژه در ساختن قفل‌های رمزی شهرت داشتند. درسال ۱۳۴۸ من با یکی از آخرین قفل‌سازان کرندی به نام **استاد ابراهیم** آشنا شدم و یک قفل رمزی به وی سفارش دادم (شماره ٦٣٦). چند سال پس از آن که دوباره به کرند رفتم، او در ۹۰ سالگی درگذشته بود و بقیه قفل‌سازان نیز به ساختن اقلام مورد نیاز بازار از جمله انبر و چاقوهای همه کاره (شبیه چاقوهای سویسی) و گاه عجیب و غریبتر از آن‌ها مشغول بودند.
در شرق ایران، تنها ناحیه ای که تا این اواخر قفل‌سازی داشت روستای راینی درحدود ۲۵ کلیومتری کرمان بود که قفل‌های فولادی و اغلب به شکل دل تولید می کرد. (ن. ک به ص ۱۳۵).
دکان قفل‌سازان بیشتر درمحله‌های پر رفت و آمد از جمله در بازارها، بازارچه‌ها و یا در نزدیکی زیارتگاه‌ها بود. در بازارچه‌های اطراف تهران و در اطراف سقاخانه‌ها و امامزاده‌ها نیز حضور داشتند. قفل‌سازان بازار شاه عبدالعظیم که از دوران کودکی‌ام به یاد می‌آورم از آن جمله‌اند. کسانی که در بازار تهران رفت و آمد می کردند ممکن است به خاطر بیاورند که در جلوی مسجد امام (مسجد شاه سابق) نیز قفل‌سازان زیادی بودند که به کلیدساز تبدیل شدند.
قفل‌سازان روستایی دکه‌ای در کنار خانه خود داشتند و با مشتریان خود که ازطبقات مختلف جامعه بودند، تماس مستقیم داشتند و اگر قفل مورد نظر مشتریان در دسترس و آماده نبود، آن را سفارش می گرفتند. بسیاری از قفل‌سازان فقط از راه قفل‌سازی امرار معاش می کردند. ولی قفل‌سازانی هم بودند که حرفه اصلی آن‌ها «چلنگری» بود. آن‌ها به موازات ساختن ابزارهای آهنی، قفل هم درست می کردند. در این میان قفل‌سازان بسیاری نیز بودند که در کوچه‌ها و خیابان‌ها راه می‌افتادند و علاوه بر فروش قفل‌های خود به تعمیر قفل و ساختن کلید می‌پرداختند.
قفل‌سازان، عمده ابزار کارشان را که جنبه تخصصی داشت، خود می‌ساختند و یا آن را از پدران‌شان که قفل‌ساز بودند به ارث می‌بردند. به این جهت شگفت آور نیست که وسایل و ابزارقفل‌سازان و تعمیر کاران کنونی گاه متعلق به چند نسل پیش باشد. یک کوره متوسط با دَم آهنگری برای گرم کردن و شکل دادن قطعات مختلف قفل، یک بوته کوچک برای آب کردن خرده‌های برنج و قلع (مس جوش) و ابزارهای آهنی از قبیل گیره، سندان، چکش، مته و سوهان عمده وسایل کار آن‌ها را تشکیل می‌داد (عکس ۱و۳). به غیر از برخی قفل‌های سفارشی که با همکاری ریخته‌گر و طلاکوب و خوشنویس حاصل می‌شد، بقیه قفل‌ها از ابتدا تا انتها ساخته دست خود قفل‌ساز بود.
با ورود ماشین آلات به ایران در قرن گذشته، بسیاری از قفل‌سازان مصالح قفل‌هایشان را از قسمت‌های مختلف ماشین فراهم می کردند. بهترین قسمت برای کار آن‌ها انواع تخته فنرها و دیرتر لوله‌های مختلف بود. بنابراین از آن پس در ساختن قفل، گاه به‌طور مستقیم از همین مصالح بهره می گرفتند. مصالح ماشینی مورد بحث محدویت‌هایی را درکار قفل‌سازان پدید آورد و از تنوع آن‌ها کاست. از آن پس قفل‌های لوله ای رواج زیادی پیدا کرد و به همه مناطق ایران راه یافت. اما قفل‌های لوله ای نیز دوام زیادی نیافت. و چندی پس از آن، قفل‌های ماشینی غربی وارد شد. قفل‌سازان یک چند با این قفل‌ها به رقابت پرداختند و از آن‌ها تقلید کردند. اما عاقبت در این کار هم شکست خوردند و این رشته را ترک کردند (در بخش «تحولات قفل‌سازی» در این باره صحبت خواهم کرد).


۳

۳-کارگاه قفل سازی استاد نیکزاد در *چالشتر*، ۱۳۵۳
٤- جعبه کلید حرم امام رضا (ع)، فولاد مشبک، *موزه آستان قدس مشهد*



٨

٧

٩

در *عالم‌آرای نادری* در مورد زیارت **نادرشاه** از مرقد **حضرت امام رضا** (ع) سخن از قفل مکلّل به جواهری است که **نادر** وقف حرم آن حضرت کرده است.[۱۰]

استفاده‌های مختلف از قفل

الف. حفاظت - در و صندوق

مهمترین انگیزه به کار بستن قفل، حفاظت و امینت است. هرگاه بشر بنایی ساخته و دربی بر آن نهاده و یا صندوقی درست کرده، درفکر قفل و بست آن نیز بوده و در این زمینه برای انواع درب‌ها، صندوق‌ها و جعبه‌ها قفلی ساخته است. در ایران نیز همین روال وجود داشت و قفل از ضروریات ایمنی زندگی محسوب می‌شد و برای درب ورودی خانه، دکان، کاروانسرا و دروازه شهر قفلی مناسب با آن ساخته می‌شد. طبیعی است کسانی که با قفل سازی ایران آشنا می‌شوند، علاقمند به موارد مصرف آن‌ها نیز باشند. به جز قفل‌های طلسمی و عقیدتی که دیرتر به آن می‌پردازم، بیشتر قفل‌های این کتاب جنبه حفاظتی داشته و برای در خانه، دکان و یا صندوق ساخته شده‌اند. هر خانه سنتی ایران ـ به جز خانه‌های روستایی (که دیرتر به آن خواهم پرداخت) ـ دست‌کم چند در داشت. مهمترین در، در ورودی خانه بود. این در اغلب از چوب کلفت ساخته می‌شد و به قفل کلون‌دار (مانند شکل ۳۶ و ۳۷) مجهز بود. این درها انواع و اقسامی داشت. توانمندترها درهای ورودی‌شان را با انواع گل میخ تزیین می‌کردند (عکس۶و۸) و روکوب‌های پرکاری بر آن کار می‌گذاشتند(عکس ۷) و فقیرترها تنها به دو کوبه ساده قناعت می‌کردند. همه درهای ورودی چه خانه فقیر و چه غنی دارای دو کوبه بود، یکی سبک و اغلب به شکل حلقه برای استفاده زنان و دیگری سنگین و تو پر برای استفاده مردان. اهالی داخل خانه به ویژه زنان از صدای کوبه‌ها به جنسیت مراجعه کننده پی می‌بردند و در صورتی که صدا از کوبه مردانه بود، حجاب بر سر می‌کردند، یک نمونه از این کوبه‌ها شماره ۸ است. روستاییان اغلب در قلعه زندگی می‌کردند. قلعه مجهز به در بزرگ و سنگینی بود که با کلون قفل می‌شد. در داخل قلعه خانه روستاییان واقع بود و هر یک دارای یک در ورودی بود. هر خانواده روستایی یک یا دو اتاق بیشتر نداشت. اتاق‌ها اغلب در نداشتند و با پرده یا گلیم پوشانده می‌شدند، اما برعکس، اتاق‌های خانه‌های شهری اغلب در داشتند و بر بالای هر دری چفت و زنجیری بود که به آن یک قفل آویز، آویخته می‌شد.

کمبود چوب در بیشتر نقاط ایران، تهیه در چوبی را برای همه کس مشکل می‌کرد. ثروت اشخاص با تعداد درهایی که در خانه آن‌ها کار گذاشته شده بود، سنجیده می‌شد، خانه‌های هفت دری و یا پنج دری به معنای خانه‌هایی بود که هفت یا پنج اتاق داشت و همه دارای در بودند و هم‌چنین هر در قفلی داشت.

همه درها چه در ورودی خانه و چه درهای داخلی دو لنگه بود. ساخت در یک لنگه نه به آن جهت که مشکل بود بلکه به دلیل عقاید خاص ایرانیان مطرود بود. ایرانیان به ویژه شیعیان «یک» را عدد خدا می‌دانند. تنها اوست که یکی است. به همین جهت در معماری هیچ‌گاه از یک استفاده نمی‌کنند. مساجد و امامزاده‌هایشان را همه جا با دو منار می‌سازند. اگر قرار باشد ستون‌هایی در داخل یا بیرون خانه کار بگذارند، به حتم آن را جفت و قرینه می‌گیرند. در تزیینات داخلی نیز قرینه‌سازی را به جهت اجتناب از



۵

۵- کوبه در(دق الباب)، مفرغ، قرن ۱۲
۶- گل میخ آهنی، قرن ۱۹ م
۷- روکوب در، قرن ۱۸ - ۱۷ م
۸- در ورودی خانه ای در کرمان



۶



۱۱



۱۲

برای این صندوقچه‌ها نیز اغلب قفلی در نظر گرفته می‌شد. برخی از قفل‌های کوچک و یا حیوانی شکل بر چفت و بست این صندوق‌ها زده می‌شد.
به غیر از کاربردهای ایمنی و حفاظتی قفل در ایران معانی و مصارف دیگری هم داشته است که در زیر به شرح آن‌ها می‌پردازم.

ب. باورهای عامیانه

در فرهنگ باورهای ایران، قفل وسیله‌ای درمقابل حوادث بد و دستیابی به آرزوهاست و در پس هر باور و عقیده، قفل خاصی وجود دارد. یکی از این قفل‌ها «قفل نظر» و یا «قفل نظرقربانی» است. روی این گونه قفل‌ها انواع دعاها و نوشته‌های مذهبی حک می‌شد. قفل به لباس صاحب قفل، سنجاق و یا با بندی روی سینه وی قرار می‌گرفت. این گونه قفل‌ها اغلب از فولاد یا نقره ساخته می‌شد که از نظر عوام دارای اثرات خاصی بود. قدرت نوشته‌های روی قفل برخواص این اثرات می‌افزود، و البته نویسنده دعا نیز عامل مهمی به حساب می‌آمد.[۱۱]
قفل‌های نظر قربانی را مادران به کودکان خود می‌آویختند و هدف ازآن، بستن زبان مردم بد چشمی بود که خواسته و یا ناخواسته با تعریف از کودک ممکن بود به او آسیبی برسانند. بر روی این قفل‌ها به‌طور معمول اسماء مقدس و برخی از دعاها با حروف (اعداد) ابجد حک می‌شد و در کنار تکه تربتی بچه را از چشم بد و گزند شیطان مصون می‌داشت.
بعضی از قفل‌های نظر قربانی مورد استفاده زنان باردار بود تا آن‌ها را از سقط جنین مصون بدارد. این نوع نظر قربانی با بندی به دور کمر زن آبستن بسته می‌شد و قفل دو طرف بند را به هم متصل می‌کرد. هم‌چنین هنگامی که زن باردار دچار خونریزی می‌شد و یا با خطری مواجه می‌شد، زنان دیگر برای بستن قفل نظر قربانی به گرد زن باردار جمع می‌شدند. یکی از زنان شروع به خواندن سوره یاسین می‌کرد و هفت بار این سوره را می‌خواند و هربار که این سوره به آخر می‌رسید گره ای به بند می‌زد. وقتی خواندن دعا به پایان می‌رسید این بند را با قفل کوچکی به دور کمر زن باردار می‌بستند و به خواندن دعا می‌پرداختند، در شروع ماه نهم قفل و بند را از دور کمر وی باز می‌کردند و آن را به زن دیگری به عاریت می‌دادند.[۱۲]
مورد دیگر استفاده از قفل در بین بانوان، به همسران آن‌ها به ویژه مردانی که بیش از یک زن داشتند، مربوط می‌شد. طلاق به جز موارد استثنایی از اختیارات مرد بود. در چنین شرایطی جلب توجه مرد برای زن اهمیت فراوانی داشت. یکی از طرقی



۱۳


۱۰

«یک» مدّ نظر قرار می‌دهند و گلدان‌ها و یا اشیایی که برای روی طاقچه‌ها می‌سازند، جفت انتخاب می کنند. ایرانیان حتا فرش و پرده را جفت می‌بافند. براساس همین مبانی است که درب خانه‌های ایرانی ـ چه ورودی و چه داخلی ـ همیشه دو لنگه است. برای قفل کردن این‌درها که به‌طور عمده داخل خانه کار گذاشته شده، چفت و بستی یا در میانه در و یا بالای آن تعبیه شده است و قفل بر آن زده می‌شود. قفل‌هایی که بر این درها زده می‌شود، به نسبت کوچک هستند.
درب دکان‌ها و بازارها تا حدودی با در خانه‌های مسکونی فرق دارد. هر بازاری دارای سراهای مختلف است و هر سرایی برای خود در بزرگی مانند در قعله‌های روستایی و کاروانسراها دارد. این درها نیز با کلون‌های بزرگ باز و بسته می‌شوند. دکان‌ها درهای مختلفی دارند. درب اغلب دکان‌ها کشویی است که چفت و بست آن در پایین است و بر آن‌ها قفل به نسبت بزرگی زده می‌شود.
از قفل علاوه بر در، برای صندوق هم استفاده می‌شود و صندوق نیز انواع مختلفی دارد. اغلب صندوق‌ها از چوب ساخته شده و روی آن‌ها به گونه‌های مختلف تزیین شده است (عکس شماره ۱۰). در گذشته هر خانه‌ای دارای یک صندوقخانه بود و در هر صندوقخانه چند صندوق نگهداری می‌شد. صندوق‌ها محل نگهداری لباس، پوشاک، پرده، ظروف، خشکبار و غیره بود؛ کسانی که صندوقخانه نداشتند، صندوق خود را کنار اتاق قرار می‌دادند و از آن برای تزیین خانه استفاده می کردند. اغلب صندوق‌ها چفت و بستی فلزی داشت و بر آن‌ها قفل آویز زده می‌شد. وجود چند روکوب فلزی با «جاکلیدی» نشانه آن است که ایرانیان از قفل «توکار» و یا ثابت هم استفاده می کرده‌اند. (عکس شماره ۱۲)
هم‌چنین صندوق های کوچکی وجود داشت که صندوقچه نامیده می‌شد(عکس شماره ۹). این صندوقچه‌ها نیز انواع و اقسامی داشت. زیباترین آن‌ها صندوقچه‌های عروس بود که بهترین تزیینات روی آن‌ها انجام می گرفت. هر عروس پیش از رفتن به خانه داماد صاحب یکی از این صندوقچه‌ها می‌شد و لوازم آرایش خود و جواهراتش را در آن می گذاشت. قفلی که برای این صندوق‌ها انتخاب می‌شد نیز ظریف و پرکار بود وگاه از فلزات گرانبها ساخته می‌شد. (عکس شماره ۱۱)
صندوقچه دخل، جدا از صندوقچه عروس بود. دخل دکان‌داران کاسه‌ای بیش نبود و سکه‌هایی را که در مقابل اجناس می گرفتند در این کاسه‌ها می‌ریختند. البته این مربوط به پیش از آمدن پول کاغذی بود. تجار که با سفته، برات و حواله کار می کردند دارای دخلی چوبی به شکل صندوقچه بودند. روی این صندوقچه‌ها گاه کنده‌کاری‌های زیبایی انجام می گرفت (عکس۹).

۹- صندوقچه چوبی کار *آباده*
۱۰- صندوق چوبی با روکوب فلزی
۱۱- جعبه لوازم آرایش عروس، سوزن دوزی روی چرم، قرن ۱۸ م، ۱۰×۲۱×۳۲ سانتی متر
۱۲- قفل صندوق از کتاب *عجایب المخلوقات*
۱۳- قفل طلسمی برای عشاق

ج. مرقد، مسجد و سقاخانه

در همه مناطق ایران اماکن مذهبی از مرقد امام گرفته تا بقاع متبرکه و مسجد و سقاخانه یافت می‌شود. مهمترین این مرقدها مرقد **حضرت رضا** (ع) در مشهد و خواهر او **حضرت فاطمه** و یا **معصومه** (ع) در قم است. علاوه بر این دو مرقد، زیارتگاه‌های دیگری که مدفن امامزادگان و اعقاب دوازده امام شیعه است، وجود دارد. با روی کار آمدن سلسله صفوی (۹۰۵-۱۱۳۵ هـ ق) این زیارتگاه‌ها اهمیت بیشتری یافت. شاهان صفوی که سیاستشان استوار برگسترش مذهب شیعه بود، در تعمیر و توسعه این اماکن همت گماشتند و آداب و سنن مربوط به آن‌ها را بیش از پیش رواج دادند.

برای بیشتر مردم حضور در زیارتگاه علاوه بر عرض احترام، تقاضا برای برآوردن حاجت‌ها و نیازهایشان است. بر مدفن هر امام و یا امامزاده ضریح و پنجره مشبکی هست که دستیابی به آن اولین قدم برای رفع مشکلات نیازمندان است. زایر آرزومندی که خود را به ضریح می‌رساند، با پنجه انداختن در شبکه‌های ضریح و چسباندن سر و صورتش به آن و تضرع و التماس، آن‌چه را در دل گرفتار ش دارد، به زبان می‌آورد و از صاحب ضریح استدعای مرحمت و کمک می کند. هنگام التماس و دعا، قفلی را که به در ضریح بسته شده است، به دست می گیرد تا هرچه بیشتر به صاحب مقبره نزدیک شود. این قفل‌ها به‌طور معمول از جنس فولاد و یا نقره هستند. برخی عقیده دارند که قفل ضریح اثرات شفا بخش دارد. بیمارانی که نیاز به درمان دارند، مقداری آب روی قفل در ضریح ریخته و آن را می‌نوشند. این آب گاه فرسنگ‌ها برای بیمارانی که امکان زیارت ندارند، حمل می‌شود. هنگامی که زایر به خانه خود مراجعت می کند، از جمله خاطرات شیرین و نماد گونه سفرش «گرفتن قفل» امام است.[۱۶] یکی از عباراتی که برای قسم خوردن در بین مردم زایر معمول است قسم به امامی است که قفلش را گرفته‌اند.

نذر کردن، بخش دیگری از مراسم زیارت است. زایر در مقابل نیازهای خود متعهد نذوراتی می‌شود. ازجمله این نذورات

۱۵-۱۴- جام چهل کلید و کلید های آن

۱۷-۱۶- پنجره فولاد، صحن حرم امام رضا(ع)، ۱۳۵۴

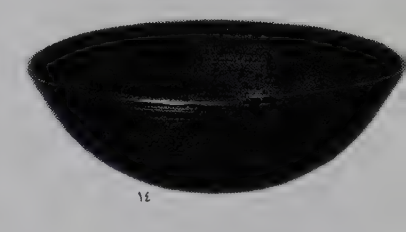


که زن را از توجه دایم مردان به خود مطمئن می‌ساخت، استفاده از طلسم و جادو از جمله قفل بود. در این قبیل موارد به‌طور معمول شکل یک زوج که با شادمانی کنار هم نشسته‌اند بر روی قفلی که اطراف آن دعاهایی نوشته شده بود، حک می‌شد (عکس شماره ۱۳) این قفل‌ها علاوه بر جلب توجه همسران، زبان یاوه‌گویان و غیبت کنندگان را که در این ازدواج‌ها باعث ایجاد مشکلات بیشتری می‌شدند، می بست.

دوشیزگانی که موفق به یافتن همسری برای خود نمی شدند گاه به قفل و قدرت ماورایی آن روی می‌آوردند. این دوشیزگان قفلی را به زنجیر می‌بستند و شب پیش از چهارشنبه سوری به گردنشان می‌آویختند. این قفل باید روی سینه قرار می‌گرفت. با طلوع آفتاب این دوشیزگان به گوشه خیابان رفته و از اولین سیدی که از آن جا می‌گذشت درخواست می‌کردند که قفل را برای آن‌ها بگشاید تا اقبالشان باز شود و به ویژه بتوانند با یک سید ازدواج کنند.[۱۳]

وقتی برای دختری خواستگاری پیدا می‌شد و بر سر قرارداد ازدواج بین خانواده‌های دوطرف توافق می‌شد، قفل نقش مهمی را ایفا می‌کرد. هنگام تشریفات عقد، یک نفر از خانواده عروس قفلی را باز می‌کرد و در پایان مراسم آن را می‌بست تا بین عقد و شب عروسی ـ که به‌طور معمول با فاصله برگزار می‌شد ـ رابطه جنسی بین عروس و داماد و یا داماد و زن دیگری برقرار نشود.[۱۴] اما اگر کسی با ازدواج مخالف بود از جادوی قفل برای «بستن» داماد از نظر جنسی استفاده می‌کرد و به این طریق باعث آبروریزی و برهم خوردن ازدواج می‌شد. در برخی از مناطق، همسر برای نشان دادن اطاعت و تسلیم خود، هنگام ورود به حجله قفل و کلیدی به داماد می‌داد.

کلید نیز در باورهای عامیانه نقش موثری داشت. کلید اغلب ضمیمه جام‌های برنجی بود. به این جام‌ها و کلیدهای آن «جام چهل کلید» می‌گفتند زیرا چهل کلید که روی هر یک از آن‌ها کلمه‌ای قدسی نوشته شده بود،[۱۵] به‌آن متصل بود.(شماره های ۱۴و۱۵)



۱٤



۱۵

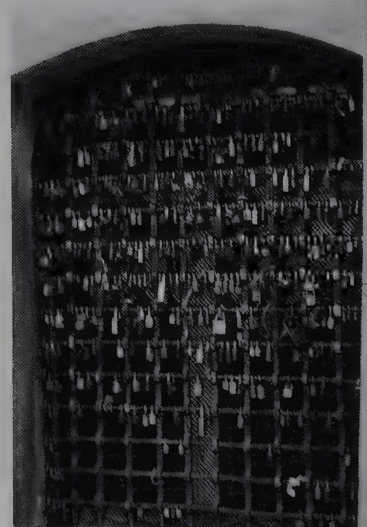
۱٦

۱۸- نقش برجسته هشتی ورودی صحن شاه عبدالعظیم
۱۹- درخت مقدس، چهارمحال بختیاری
۲۰- قفل‌های در ورودی مسجد عمادالدوله، کرمانشاه
۲۱- سقاخانه ای در تهران
۲۲- سقاخانه ای در قزوین



۲۱

۲۲



۲۰

قفل است. متمکنین قفلی از طلا، نقره و یا فولاد به بهترین استادکاران سفارش می‌دهند و آرزوی آن‌ها این است که این قفل روزی به در ضریح بسته شود. (شماره های۶۴۲ و ۶۴۳) چنین قفلی در مخزن و نزد کلیددار و یا متولی می‌ماند تا به موقع از آن استفاده شود. آن‌ها که تمکنی ندارند، قفلی معمولی می‌خرند و به پنجره‌های ضریح می‌بندند. از زمانی که بستن قفل به ضریح **امام رضا**(ع) ممنوع شد، پنجره‌ای در خارج از حرم برای این کار در نظر گرفته شد. این پنجره که در جنب حرم و مشرف به صحن است، به «پنجره فولاد» معروف است. (عکس های ۱۶و۱۷). زایرینی که نذر قفل دارند، قفل‌های خود را به این پنجره می‌بندند. تعداد این قفل‌ها گاه به حدی است که مسولان حرم مجبور به بریدن آن‌ها و بازکردن جا برای قفل‌های زایرین دیگر می‌شوند.

فروش قفل در اطراف امامزاده‌ها از اقلام پر رونق است. علاوه بر دکه‌های قفل‌سازان که درگذشته در اطراف امامزاده‌ها بر پا بود، دستفروش‌ها هم از این راه نان می‌خوردند. نقش برجسته زیبایی که در هشتی ورودی صحن امامزاده **شاه عبدالعظیم** حک شده، نمونه بارزی از این حرفه است (عکس ۱۸).

گذشته از قفل، باریکه‌های پارچه و قیطان‌های نخی هم به ضریح و یا به پنجره اطراف زیارتگاه‌ها گره زده می‌شود. بسیاری از زایران به جای قفل، باریکه ای از لباسشان را می‌برند و به ضریح گره می‌زنند و به اصطلاح دخیل می‌بندند. به همین منظور قیطان‌هایی که اغلب به رنگ سبز است به جای این باریکه‌ها دراطراف صحن‌ها می فروشند.

برای بستن دخیل بسیاری از این قیطان‌ها استفاده می کنند. روستاهای کوچک و مناطق عشایری که فاقد مقابر متبرکه است، تک درختی این کمبود را جبران می کند. این گونه درختان اغلب در دامنه کوه، دشت و یا در میان بیابانی روییده است و با خواب نما شدن شخصی مومن و محترم به جرگه اماکن مقدس می‌پیوندد و مردم از طریق گره زدن باریکه‌های پارچه برشاخه‌های درخت نذر و نیاز می کنند (عکس۱۹).

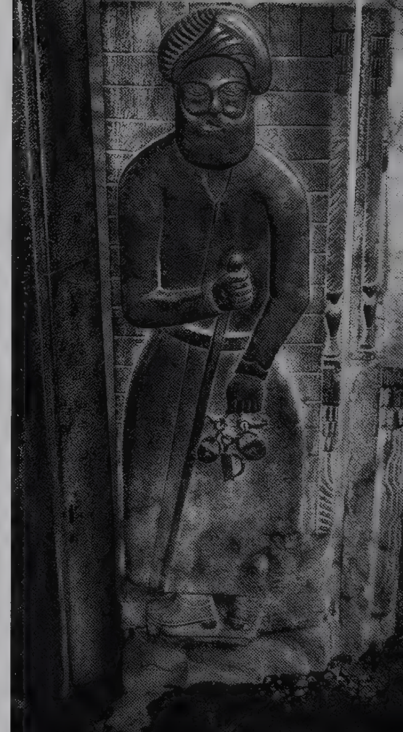
مسجد و سقاخانه دو مکان دیگر در ارتباط با قفل است. اگرچه مسجد فاقد ضریح است، اما بر بالای در ورودی هر مسجدی زنجیری هست که گاه مورد استفاده معتقدین قرارمی گیرد. کارکرد این زنجیر که «زنجیر بسط» و یا «زنجیرخط» نام دارد، در اصل تعیین مرز مسجد و دنیای خارج است.[17] اما بسیار دیده می‌شود که مردم معتقد قفل‌های نذری خود را به این زنجیر گره می‌زنند. یکی از مساجدی که زنجیر ورودی آن انباشته از قفل است، مسجد عمادالدوله درکرمانشاه است(عکس ۲۰).

سقاخانه در حقیقت محل گذاردن آب آشامیدنی است و به‌طور معمول به صورت طاقچه ای بر بدنه دیواره برخی از گذرگاه‌های پر جمعیت دایر می‌شود (عکس۲۱).

هدف سقاخانه فراهم ساختن آب رایگان برای مردم کوچه و بازار است. اما در پس این هدف، عقاید و سوابق مذهبی عمیقی نهفته است، به حدی که به‌طور مستقیم با فاجعه کربلا و مساعی قهرمانانه **حضرت ابوالفضل** (ع) که در راه تهیه آب برای خاندان تشنه **امام حسین** (ع) دست‌های خود را به وسیله تیر دشمن از دست داد، مرتبط می‌شود. از همین رو در سقاخانه در بالای منابع آب و یا در گوشه‌ای از آن پنجه‌ای فلزی که نماد دست بریده **حضرت ابوالفضل** (ع) است، دیده می‌شود. درجلوی این مجموعه پنجره‌ای ایجاد می‌شود که محل مناسبی برای بستن دخیل و زدن قفل است. رهگذرانی که از کنار سقاخانه می‌گذرند، پس از نوشیدن آب و ذکر سلام و دعا به خاندان پیغمبر،گاه نیت و نذری هم می کنند، همراه نیت و نذر تکه پارچه و یا قفلی را به پنجره سقاخانه می‌بندند (عکس۲۲).

د. مراسم محرم، علم، نخل، سینه‌زن و قفل‌بند

بیشترین مراسم عزاداری در ماه محرم، در ده روز اول آن انجام می گیرد. این مراسم در دهمین روز که عاشوراست به اوج خود می‌رسد و در این روز دسته‌های سینه زن و زنجیر زن در خیابان‌ها و معابر به حرکت در می‌آیند و علم‌ها و کتل‌های متعددی را حمل می کنند. هر محله دارای دسته‌ای مستقل و علمی مخصوص به خود است. این دسته‌ها در نهایت در مرکز شهر و یا خیابان‌های اطراف بازار به هم می‌پیوندند. تماشای انبوه مردم عزادار در میان علم‌ها و کتل‌هایی که با پارچه‌های سبز، قرمز، سیاه و پرهای کمیاب و رنگین تزیین یافته‌اند، هر بیننده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در برخی از شهرها و روستاها به ویژه در مناطق اطراف کویر خیمه کوچکی را که نماد خیمه و یا تابوت **امام حسین**(ع) است همراه با علم بزرگی که از چوب ساخته شده است و نماد حجله فرزندان شهید اوست، به حرکت در می‌آورند. وسیله دیگر نخل است که از چوب و به شکل سرو ساخته شده است و ساختاری شبیه ضریح دارد. مردم نیازمند، ضمن نذر، تکه پارچه ای را به نخل گره می‌زنند(عکس ۲۳).



۱۸

۱۹



۲۷

پس از مراسم محرم و عاشورا، علم و کتل‌های هر محله ای به مسجد و یا تکیه آن محل عودت داده شده و از آن‌ها در محل خاصی نگهداری می‌شود. علم‌هایی که در معرض دید است به صورت نمادی شفا بخش و مشکل گشا در می‌آیند. معتقدان و اهل محل در ضمن نیت و نذر، تکه نخی را به این علم‌ها گره می‌زنند و طلب برآورده شدن نیاز می کنند (عکس ۲٤).نخل در یزد و روستاهای اطراف آن کار همان علم و ضریح را انجام می‌دهد، زیرا هم علم و هم نخل چون ضریح به شکل مشبک ساخته شده‌اند و امکان دخیل بستن را دارند.

علاوه بر دسته‌های سینه زن و زنجیر زن، دسته‌های دیگری هستند که برای همدردی در سوگ **امام حسین** (ع) تن به مشقات جدی تری می‌دهند. از جمله این دسته‌ها، دسته قمه زنان و قفل زنان است. قمه‌زن‌ها لباس سفید بلندی می‌پوشند و با زدن قمه به سر خود و ازدست دادن خون، گاه تا پای مرگ می‌روند. تأثر برانگیزتر از دسته قمه‌زن‌ها، دسته قفل‌زن‌ها و یا قفل بندهاست که برای انجام آن، به درد آورترین کارها دست می‌زنند و با سوراخ کردن گوشت و پوست بدن خود انواع قفل‌ها را به آن می‌آویزند. برای حصول به چنین امری، قفل زن‌ها از روز پنجم ماه محرم هر روز چند ساعتی را درحمام به سر می‌برند و در خاکستر توی حمام می‌خوابند که تا جای ممکن گوشت و پوست بدن خود را نرم و آماده عبور فلزات کنند. این آمادگی در شب پیش از عاشورا به حد کافی می‌رسد و مراسم با روضه خوانی آغاز می‌شود. در اوج روضه‌خوانی، که بیشتر ذکر مصیبت و شرح شهادت **امام حسین**(ع) است، کسی که مامور زدن قفل است با نوک چاقو به سوراخ کردن بدن قفل زنان و گذراندن قفل از میان سوراخ‌ها می‌پردازد، و درصورت کمبود قفل، از اشیای دیگری چون میله، پیکان و سایر فلزات استفاده می کند. این عمل تا پاسی ازشب به طول می‌انجامد و قفل‌زن‌ها که نمی‌توانند بخوابند تا صبح بیدار می‌مانند تا به گروه عزاداران بپیوندند (عکس‌های۲۵و۲٦).

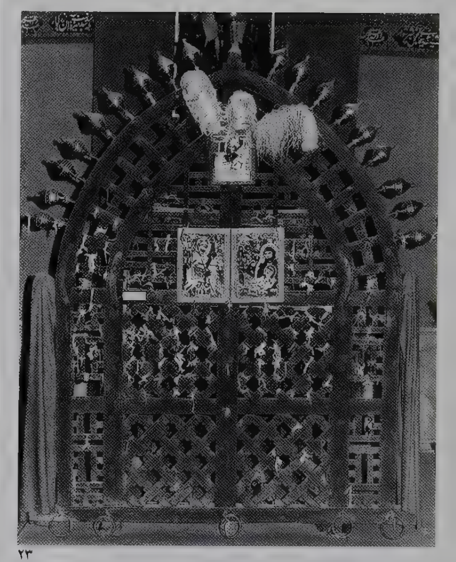
دسته قفل‌زن‌ها بیش از بقیه دسته‌ها تماشاچیان را متاثر می کنند و به شیون و زاری می‌اندازند. اندام مجروح و سوراخ شده آن‌ها، حضرت **ابوالفضل** (ع) را که چنین روزی نیزه‌های متعددی در بدنش جا گرفته بود، به یاد تماشاچی می‌آورد. قفل زدن چندی است که مطرود شده است و از صحنه‌های قفل زنی به جز چند عکس و یک نقاشی که بر سر در حمام **گنجعلی خان** کرمان باقی مانده، نشانه دیگری در دست نیست (عکس ۲۷).

آویختن قفل بر بدن نباید با قفل زدن به پنجره‌های ضریح و یا دخیل بستن برنخل و علم بی ارتباط باشد. درست است که قفل‌بند با تحمل درد می‌خواهد درمصیبت امام خود سهیم باشد، اما چرا برای این همدردی از قفل استفاده می کند و برای مثال از نیزه که مشابهت بیشتری با حوادث کربلا دارد، بهره نمی گیرد؟ آیا با این عمل درصدد تطهیر جسم خود و تبدیل آن به ضریح قدیسان نیست و آیا نمی‌خواهد بیننده را به یاد خاطرات خود انداخته و احساسات او را از آن صحنه‌ها به صحنه اخیر عطف دهد و وی را بیش از پیش دراین مصیبت سهیم گرداند؟

بین انواع دخیل بستن و قفل زدن رابطه نزدیکی وجود دارد. بستن تکه پارچه و یا نخی بر ضریح، علم و یا یک درخت نظر کرده چیزی جز برقرار‌کردن یک «ارتباط» نیست، ارتباطی بین طالب و مطلوب. با تکه پارچه‌ای که طالب از لباس خود جدا می کند و بر شاخه درخت و یا پنجره ضریح می‌بندد، از یک طرف با به جا گذاشتن چیزی از خود، می‌خواهد حضورش را در برابر امام و مافوقش به ثبت برساند و از طرفی با گره بستن به ضریح، امامش را در یاد خود باقی نگه دارد. تفسیر دیگر قفل و گره، عمل پاپاپایی آن‌ها است و آن به این معناست که طالب نیازمندی که خود قادر به گشودن گره مشکلات نیست، آن را بر ضریح قدیسی می‌زند تا وی که حلال همه مشکلات است، گره از کارش بگشاید. به عبارت دیگر، گره ای کوچک از نخ و یا قفل در مقابل گره بزرگی در زندگی. این، عمل همان پادزهر است که گرچه زهر است، اما در مقابل زهری مهلک، کار دارو را انجام می‌دهد. تفسیر دیگر قفل و یا گره، «اتصال» است. زایر با بستن گره و یا قفل بر ضریح می‌خواهد خود را به مطلوبش متصل کند. یکی از اعمالی که در امامزاده‌ها رایج است، همین عمل اتصال است. بسیاری از بیماران صعب‌العلاج خود را با ریسمانی به ضریح می‌بندند. یعنی یک سر ریسمان را به گردن و یا دست و پای خود و سردیگر را به ضریح گره می‌زنند و تاحصول شفا به این حالت می‌مانند. کسانی که طالب معالجه و مداوا هستند ساعت ها پشت این پنجره نشسته و به انتظار شفا می‌نشینند. چنین صحنه هایی دراطراف امامزاده‌ها و مقابر متبرکه کم نیست.

اما نیت کردن و گره زدن باید قدمتی بس کهن‌تر از پیدایش اسلام داشته باشد. زیرا ایرانیان درموارد غیر مذهبی هم گاه به گره متوسل می‌شدند. ازجمله این مراسم گره زدن سبزه و علف در روز «سیزده بدر» است که در همه جای ایران رایج است. ریشه این مراسم به دوران پیش از اسلام و چه بسا به زمان‌های کهن‌تری می‌رسد.[۱۸]

۲۳- قسمتی از یک نخل
۲۴- علم فولادی، موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان
۲۶- ۲۵- قفل بندان عاشورا، اواخر قرن ۱۹م
۲۷- قسمتی از یک نقاشی دیواری، سر در حمام گنجعلی‌خان، کرمان


۲۳


۲۵


۲٦



۳۱

۱۳۱۳

عمل احمد قاجار

۳۰

۳۲



۳۳



۲۸

هـ. اسارت

معنا و کاربرد دیگر قفل، اسارت است. از همان زمانی که بشر دست به تجاوز و جنگ آوری زد و به اسارت درآوردن دشمنان خود پرداخت، درصدد قفل و بست آن‌ها نیز برآمد زیرا اسیر هم مانند برده جزو مایملک فاتحین محسوب می‌شد و قفل و بست از ضروری‌ترین تدارکات برای ممانعت از فرار برده به‌حساب می‌آمد.

«قفل و زنجیر» یا «کند و زنجیر» تنها درمورد اسیران و بردگان نبود و خاطیان و مجرمان را نیز شامل می‌شد. این رفتار دست‌کم تا اوایل مشروطیت در ایران مرسوم بود (شماره های ۳۰ تا ۳۲). در این کتاب دو قفل از نوع قفل‌های اسارت آمده است که یکی از آن‌ها که ساختمانی شبیه قفل و زنجیر دارد، برای اسب و قاطر به کار می‌رود و به «نجو» معروف است (شماره ۲۸).

۲۹-۲۸-قفل و زنجیر

۳۰- قفل و زنجیر، میرزا رضای کرمانی

۳۱- قفل و زنجیر، ضارب شیخ فض الله نوری

۳۲- قفل و زنجیر، ابوالحسن میرزا شیخ الرییس قاجار

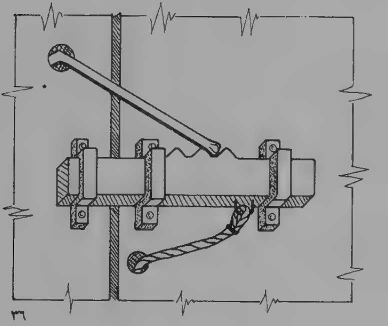


۲۹

می‌آید، بیش از هزار سال به‌طول انجامید و گفته شده است که یونانیان اولین مردمی بودند که سوراخ کلید را اختراع کردند و بر بدنه درب، سوراخی جهت ورود کلید باز کردند و البته تغییراتی نیز در ساختمان کلون دادند و «شب‌بند دندانه‌دار» را اختراع کردند. کلیدی که یونانیان اختراع کرده بودند شبیه هندل آتومبیل‌های اولیه و به طور تقریبی به همان اندازه بود. یک سر هندل روی دندانه شب‌بند می‌افتاد و آن را پله‌پله به جلو می‌راند تا کلون قفل شود(شماره ۳٦). اما این کلید هندل مانند قادر به باز کردن قفل نبود و برای این منظور باید از تکه طنابی برای عقب راندن شب‌بند استفاده می‌شد. این نوع قفل «قفل هومری» هم نامیده می‌شد[۲۰] زیرا **هومر** در اشعار خود به قفل و کلید اشاره کرده است. فرض است که قفلی که **هومر** به آن اشاره کرده از نوع کلون با شب بند دندانه دار بوده باشد.

کلیدی که یونانیان اختراع کردند اگر چه نسبت به کلیدهای پیشین عملی تر بود، اما مشکلاتی نیز داشت، از جمله آسان باز شدن آن بود و دزدان به راحتی می‌توانستند جایگزینی برای آن بیابند. بالاخره پس از قرن‌ها تجربه کلید لوله ای خاردار با سوراخ کلید مستقیم به زبانه قفل، شبیه کلون‌های امروزی (عکس ۳۹ و ۴۰) اختراع شد. این اختراع به رومی‌ها نسبت داده شد. هم‌چنین رومیان را اولین مردمی می‌دانند که کلید تمام فلزی و در اندازه کوچک ساخته اند. برخی از این کلیدها درحد یک انگشتری است و چون حلقه به انگشت می‌رود. منابع موجود هم‌چنین رومیان را مخترع قفل آویز و فنر سنجاقک می‌دانند.

با پیدا شدن نمونه‌هایی از قفل آویز و کلید خادار و قفل روی دری در ایران، در نسبت دادن این اختراعات به رومیان ممکن است تجدید نظری لازم باشد، زیرا قطعاتی که در ایران پیدا شده است هم عصر قفل‌ها و کلیدهای رومی است.



۳٦

۳۷

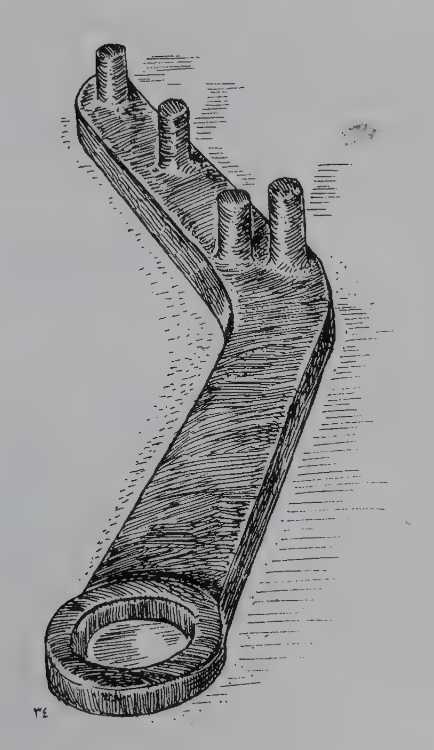
۳۷الف

۳۴-۳۳- طرح کلون چوبی خاردار

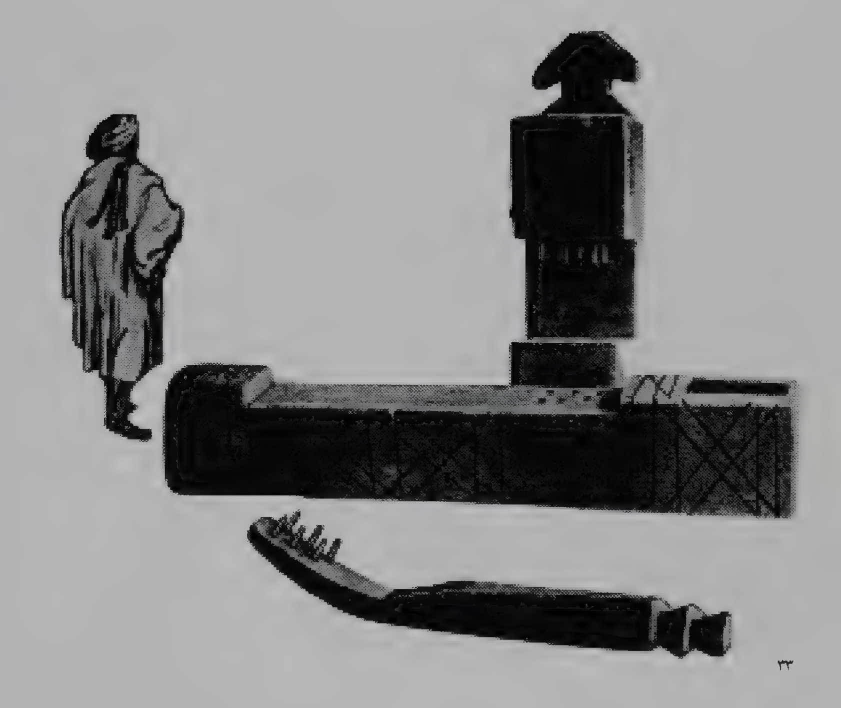
۳۵- طرح کلون خاردار

۳٦- طرح کلون دندانه‌دار

۳۷ و ۳۷الف- کلون خاردار و باز شده آن

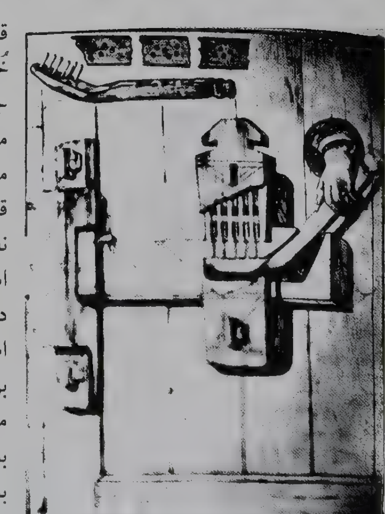


۳٤



۳۳

سیر تحولات قفل در عهد باستان



۳۵

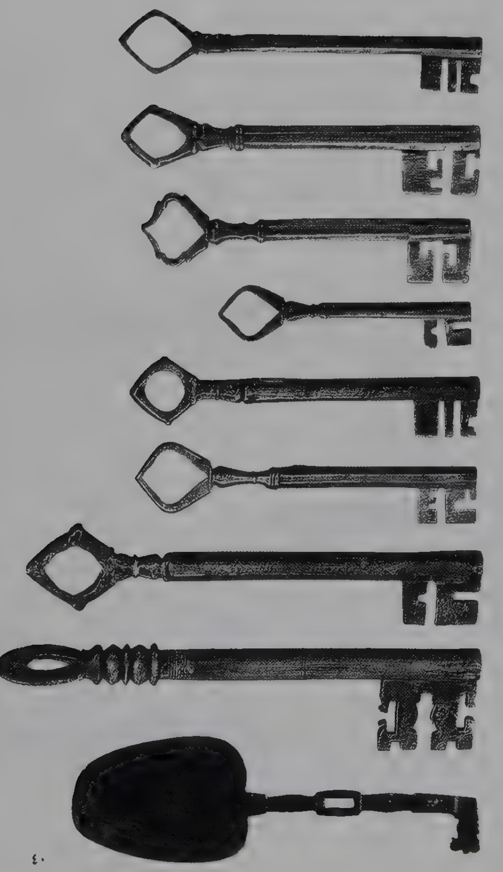
قدیمی‌ترین کلیدی که تاکنون پیدا شده، از منطقه بین‌النهرین است. این کلید - که ٤٠٠٠ سال قدمت دارد - از حفاری‌های قصر *خُرس‌آباد نینوا* کشف شده[۱۹] و متعلق به کلون‌های چوبی شبیه کلون‌های امروزی است. نظیر این کلید از مقابر فراعنه مصر نیز به جا مانده است و به همین جهت هم در اغلب دایره المعارف‌ها قفل‌ها و یا کلون‌های اولیه به قفل مصری شهرت یافته‌اند. کلون مصری با کلونی که امروزه در بسیاری از مناطق آسیا (از جمله ایران) و شمال آفریقا بکار برده می‌شود فرق چندانی ندارد و در مجموع از چوب ساخته شده است و عبارت از دو قطعه چوب حجیم است که چون صلیب بر هم قرار گیرند، یکی از این دو قطعه که حجیم‌تر است بدنه کلون نامیده می‌شود. این قسمت بر روی درب ثابت شده و قطعه دیگر که دسته کلون و یا «شب‌بند» نام دارد در مادگی که در بدنه کلون پدید آمده است، حرکت می‌کند. بر دیواره بالایی کلون مصری سوراخ‌هایی تعبیه شده است که محل جا گرفتن میخچه‌های چوبی متعددی است که از سقف کلون معلق اند. هرگاه «میخچه‌های معلق» در سوراخ‌های دسته کلون قرار بگیرند، کلون قفل می‌شود. یعنی دسته کلون در سوراخی که در بدنه دیوار و یا محفظه‌ای معادل آن تعبیه شده است، تثبیت می‌شود (عکس های ۳۳ تا۳۵).

برای باز کردن چنین کلونی کلید چوبی بلندی را که بر سر آن میخچه‌هایی چون مسواک کار گذاشته شده است، در مقابل میخچه‌های کلون قرار می‌دهند و آن‌ها را به‌طرف بالا می‌رانند تا دسته کلون آزاد و به‌عقب کشیده شود. کلید کلون‌های اولیه به اندازه داس کشاورزان بود و گاه تا یک متر می‌رسید و بر شانه دارنده قفل و یا کلیددار حمل می‌شده است. در انجیل مقدس به کلید خانه **حضرت داود** (ع) که بر شانه حمل می‌شد، اشاره‌ای شده است. (عکس ۳۳).

کلون مصری با وجود کاربری، یک مشکل داشت و آن دسترسی به قفل بود. هر گاه صاحب قفل تصمیم به باز کردن آن می‌گرفت، باید دستش را از سوراخی که به همین منظور در کنار درب تعبیه شده بود، به داخل می‌کرد. حتا در چنین حالتی جا دادن کلید در محل قفل و میزان کردن میخچه‌های کلید با میخچه‌های کلون از پشت در، کار هر کسی نبود. از طرفی حمل و نقل و به کار انداختن چنین کلون سنگینی تنها از عهده مردان قوی بنیه و باتجربه بر می‌آمد و البته همه این مشکلات به خاطر نبودن سوراخ کلید بود. اختراع سوراخ کلید که امروزه بر همه درها دیده می‌شود و از ابتدایی‌ترین ارکان قفل و کلید به شمار

شده و یک اهرم سرکج که از دستگاه آن باقی است، سرنخی از مکانیزم آن به دست می‌دهد. به این ترتیب که کلیدی سرگشته و چند خاره در شبکه پولک جا می‌گرفته و در اثر چرخاندن، صفحه مدور را که مجهز به خارآهنی بوده از قید اهرم سرکج رها ساخته و قفل را باز می کرده است.

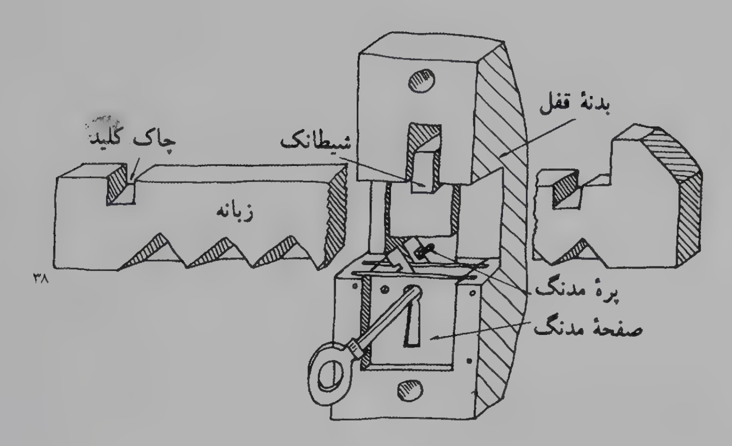
یک کلید برنزی مربوط به قفل‌های ثابت صندوقی نیز از قرن اول تا سوم میلادی یعنی اواخر دوران اشکانیان و اوایل ساسانیان (۲۲٤-٦٤۳ م) پیدا شده است که شباهت زیادی به کلیدهای رومی و یونانی دارد(شماره ۸۸). وجود قطعات شماره ۸۸ و این کلید ها نشان دهنده آن است که ایرانیان اگر نگوییم زودتر، دست‌کم همزمان با رومی‌ها به مراحل پیشرفته ای در انواع قفل ثابت رسیده بوده اند.



۴۰

۳۹

۳۹ الف



۳۸- طرح کلون دندانه‌دار، به نقل از وولف، *صنایع دستی ایران*

۳۹ و ۳۹ الف- کلون با کلید فلزی و باز شده آن

۴۰- کلیدهای فولادی مربوط به کلون‌های چوبی، قرن ۱۸ - ۱۷ م.

سیر تحولات قفل در ایران باستان

مطابق شواهد موجود، ایرانیان از دیر باز با کار قفل‌سازی آشنایی داشته و از جمله مللی هستند که در تکوین و تکمیل این رشته سهم عمده‌ای ایفا کرده‌اند، اما در منابع غربی کمتر ذکری از آن‌ها رفته است. علت این امر را باید مکتوم بودن این رشته از دیده غربیان و بی توجهی ایرانیان دانست. همان طور که در بخش پیش اشاره کردم، اولین قفل دست ساز بشر از جنس چوب بود و استفاده آن در هزاره دوم پیش از میلاد در منطقه خاورمیانه رواج داشت. نمونه هایی از این قفل‌ها و کلون‌ها در بین‌النهرین، فلسطین و مصر پیدا شده است. قدیمی ترین قفل پیدا شده از نوع کلون در ایران از حفاری‌های چغازنبیل شوش به دست آمده است که متعلق به قرن سیزدهم پیش از میلاد است. **گیرشمن** معتقد است این قفل سنگی، دسته و یا شب بند یک کلون سنگی است که با بست‌های فلزی به یک درب چوبی نصب می‌شده است.[۲۱] این نوع کلون هنوز هم در بسیاری از مناطق ایران به ویژه بر درب باغ‌ها دیده می‌شود.

دو لنگه درب سنگی متعلق به مقبره **اردشیر سوم** (۳۳۸-۳۵۹ پ م) در موزه تخت جمشید نیز باقی است که هریک اندازه‌ای حدود ۱/۵×۱/۵ متر دارد. برروی یک لنگه از این درب‌ها سوراخی به قطر حدود ٦ سانتی‌متر وجود دارد که ممکن است محل داخل کردن کلید برای به عقب راندن دسته کلون از نوع کلون هومری بوده باشد که همه جا از اختراعات یونانیان به حساب آمده است. چنان‌که پیشتر نیز گفتم، دسته این کلون‌ها دندانه دار است و کلید سرکج با دخول در سوراخ درب و فشار بر دندانه‌ها، آن را پله پله به عقب می‌راند. نظیر این کلون‌ها نیز در مناطق مختلف ایران دیده می‌شود.(عکس شماره ۳۸). **وولف** به این دو کلون اشاره کرده است و از کلون سومی هم که بیشتر در آذربایجان مصرف دارد، یاد کرده است.[۲۲]

قفل‌هایی که ذکر آن‌ها رفت همه قفل‌هایی بزرگ برای روی درب هستند و در ایران به کلون معروفند. کلون مختص درب‌های بزرگ و سنگین از جمله ورودی خانه‌ها و باغ‌هاست و در روزگاران گذشته بر درب مقابر و معابد و دروازه شهرها نیز کار گذاشته می‌شد. در رده‌بندی انواع قفل، کلون جزو قفل‌های ثابت محسوب می‌شود.

شماره‌های۳۷ و۳۹ دو نوع کلون چوبی را نشان می‌دهد که هر دو نوع هنوز هم در برخی از روستاهای ایران دیده می‌شود. عکس شماره ٤٠ نشان دهنده انواع کلیدهای فلزی متعلق به کلون‌های چوبی قرن‌های گذشته هستند. در برش منفی دندانه برخی از این کلیدها کلمات قدسی چون «الله» یا «علی» به‌گونه‌ای هوشمندانه جاسازی شده است.

نوع دیگر قفل‌های ثابت، قفل‌هایی است که به صندوق و صندوقچه زده می‌شود. این قفل‌ها در مقابل قفل درب و دروازه به مراتب کوچکترند و از فلز ساخته شده اند.

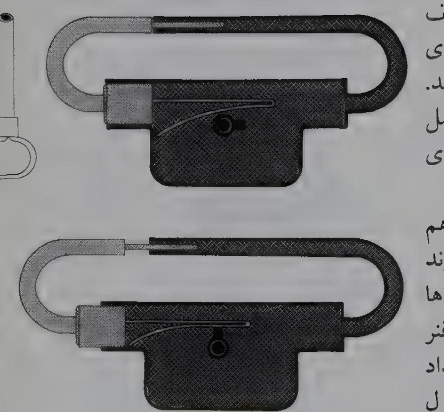
قدیمی ترین و تنها قفل ثابتی که از ایران پیش از اسلام به دست آمده است، متعلق به دوره ساسانیان و یا پیش از آن است و از چند قطعه تشکیل شده است. این قفل مربوط به یک صندوق چوبی بوده است که صندوق چوبی آن به کل از میان رفته و تنها قطعات فلزی صندوق از جمله گل میخ‌ها و قفل آن باقی مانده است (شماره ۸۷).

اگر چه از فنربندی این قفل ـ که به‌احتمال از جنس آهن و یا فولاد بوده ـ چیزی باقی نمانده، اما وجود یک پولک شبکه بندی

٤٢

٤٣

دستگاه فنر خاردار



٤٤

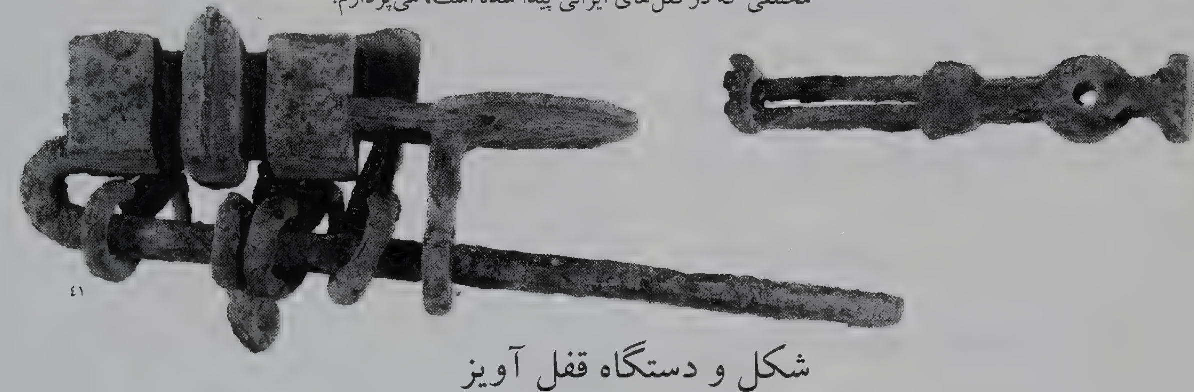
قدیمی‌ترین و رایج‌ترین دستگاه قفل، دستگاه «فنر خاردار» است. فنر خاردار در انواع قفل‌ها با شکل‌ها و اندازه‌های مختلف کارشده و اساس آن بسیار ساده است و آن فنری است که درحالت عادی به بدنه قفل گیر می‌کند وکمانه ثابت می‌شود. برای باز کردن کمانه، کافی است که فنر خوابانده شود تا کمانه به حرکت درآید. رایج‌ترین قفل‌های خاردار قفل‌های تصویری اند. این قفل‌ها شکل حیوانی دارند و در دو قسمت جدا از هم ساخته شده اند. بدن حیوان همان بدنه قفل است و دم حیوان عمل کمانه را انجام می‌دهد. دستگاه در انتهای دم تعبیه شده و به دو تیرک نازک ختم می‌شود. در انتهای این تیرک‌ها و به محاذی آن‌ها فنرهای باریکی نصب شده‌اند.

کلید پس از ورود از قسمت جلوی قفل و خواباندن فنرها به روی تیرک‌ها، کمانه را آزاد می‌کند و امکان خروج آن را فراهم می‌آورد (شماره ٤٢). عمل قفل کردن در این قفل‌ها ساده است. کافی است که تیرک‌ها را در مقابل سوراخ محل خود بگذارند و آن را به طرف داخل فشار دهند. با چنین عملی فنرها به راحتی جمع و به داخل بدنه وارد می‌شوند. اما همین که انتهای آن‌ها وارد بدنه شد، دوباره باز و با قرارگرفتن درمقابل بدنه، خروج از قفل را بدون کلید ناممکن می‌سازند. برخی از دستگاه‌های فنر خاردار بیش از یک جفت فنر دارند و گاه فنر آن‌ها به دو جفت و یا بیشتر می‌رسد(قفل٤٣). تعداد فنرها درشکل کلید و تعداد دندانه‌های آن‌ها اثر می‌گذارد. کلیدهایی که در این دسته از قفل‌ها به کار می‌رود، «کلید فشاری» نام دارد که این به دلیل دخول کلید از طریق فشار است.

شکل کلیدهای فشاری مختلف است و بستگی به ساختمان قفل و دستگاه آن دارد و گاه ساده و اغلب پیچیده اند. گروهی از قفل‌های فنر خاردار با کلیدهایی که شکل ساده تر و امروزی تر دارند باز می‌شوند. عملکرد این کلیدها نه با فشار بلکه از طریق «گردش و لغزش» است. به این معنا که در انتهای کلید زایده‌ای تعبیه شده است که در ضمن چرخش، به فنر فشار می‌آورد و

انواع قفل

با وجود تنوع چشمگیری که در انواع قفل وجود دارد، همه آن‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: قفل‌های «ثابت» و قفل‌های «متحرک». قفل ثابت قفلی است که بر روی درب یا صندوق تثبیت می‌شود. این قفل فاقد کمانه است و عمل قفل کردن توسط «زبانه» انجام می‌گیرد. اما قفل متحرک به جایی وصل نشده است و عمل قفل‌کردن در این قفل‌ها از طریق دخول کمانه در چفت حاصل می‌شود و چون برچفت آویزان می‌ماند، به آن «قفل آویز» می‌گویند. چون همه قفل‌های آویز دارای کمانه‌اند به آن‌ها «قفل کمانه‌دار» نیز گفته می‌شود.
قفل آویز اختراع متاخر بشر است و دست‌کم دو هزار سال پس از قفل ثابت ساخته شده است. بنا به شواهد موجود، ایرانیان بیشترین همّ خود را صرف ساختن قفل آویز کرده اند و در این زمینه غنی‌ترین قفل‌ها را فراهم آورده‌اند. قدیمی ترین قفل آویز(شماره‌های ۴۱ و ۷۱ تا ۷۵)، از زمان ساسانیان به جا مانده است. (ر.ک به ص ٤٤). قفل ثابت نیز برای ایرانیان اهمیت داشته و نمونه‌هایی از آن از پیش و پس از اسلام به دست آمده است که در بالا به آن اشاره کرده و باز خواهم کرد.
هرگونه شناخت صحیح از قفل آویز مستلزم آشنایی با ساز و کار و دستگاه‌های آن است. از این رو ابتدا به تشریح دستگاه‌های مختلفی که در قفل‌های ایرانی پیدا شده است، می‌پردازم.



٤١

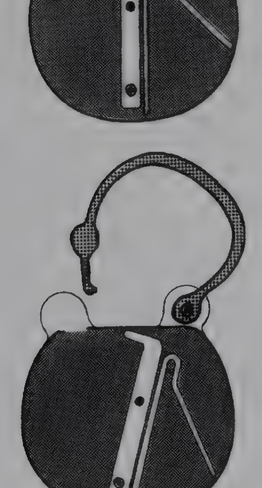
شکل و دستگاه قفل آویز

۴۱- قفل آویز ساسانی، آهن و مس، قرن ۶-۵ م، ۵/۵×۲۰ سانتی متر، موزه ایران باستان
۴۲ تا ۶۹- طرح دستگاه‌های مختلف

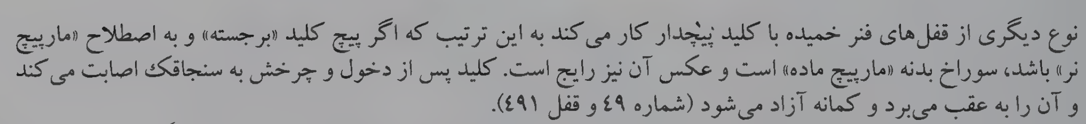
قفل آویز چهار قسمت اصلی دارد: بدنه، کمانه، دستگاه و کلید. دو قسمت نخست، شکل قفل را به وجود می‌آورند و دستگاه باعث تحرک و عملکرد قفل می‌شود و اما کار کلید به‌کار انداختن قفل است. برخی قفل‌ها شامل سه بخش و فاقد کلید هستند که به موقع به آن اشاره خواهم کرد.
بدنه قفل علاوه بر این که شکل اصلی قفل را به وجود می‌آورد، جعبه ای است برای قراردادن دستگاه قفل. این جعبه ممکن است به صورت یک قوطی، لوله و یا بدن یک حیوان باشد، دستگاهی متناسب در داخل آن قرار می‌گیرد و سوراخی برای وارد کردن کلید و به کار انداختن دستگاه روی آن تعبیه می‌شود. بدنه قفل ممکن است در محور افقی و یا عمودی ساخته شده باشد. بدنه‌های افقی، مستطیل شکل و یا لوله مانند هستند و قفل‌هایی که بدنه شان عمودی است، چهارگوش، کروی و یا به شکل قلب می‌باشند. اما بدنه به هرشکل که باشد بزرگترین و سنگین ترین قسمت قفل است. در بالای بدنه کمانه قرار می‌گیرد و شکل کمانه چنان که از اسم آن پیداست کمانی شکل، گاه مدورتر از کمان، هم‌چون نعل اسب و یا کم انحناتر از آن و تا حد یک خط مستقیم است. یک سرکمانه در داخل « کمانه گیر» که جزیی از بدنه است قرار می‌گیرد و به صورت لولا حرکت می کند و سر دیگر آن در سوراخی که در بدنه حاصل آمده داخل می‌شود و ضمن برخورد با بدنه و حرکت فنر، عمل قفل‌شدن انجام می‌گیرد. این نوع کمانه «کمانه بالایی» نام دارد. همه کمانه‌ها «کمانه بالایی» نیستند و گاه در پهلوی قفل قرار می‌گیرند. هم‌چنین همه کمانه‌ها به قفل وصل نیستند و گاه مستقل اند و از قفل جدا می‌شوند. کمانه قفل ارتباط مستقیم با دستگاه قفل دارد و کلید نیز در ارتباط با دستگاه و نوع کمانه ساخته می‌شود. تنوع انواع کمانه‌ها و کلیدها در رابطه با چگونگی کارکرد دستگاه‌ها است که در زیر به آن‌ها می‌پردازم.

٤٨

٤٩



٥٠

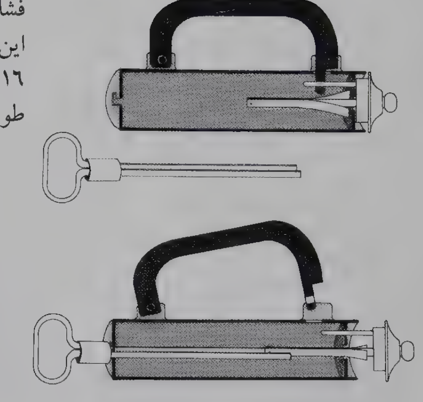


نوع دیگری از قفل‌های فنر خمیده با کلید پیچدار کار می‌کند به این ترتیب که اگر پیچ کلید «برجسته» و به اصطلاح «مارپیچ نر» باشد، سوراخ بدنه «مارپیچ ماده» است و عکس آن نیز رایج است. کلید پس از دخول و چرخش به سنجاقک اصابت می‌کند و آن را به عقب می‌برد و کمانه آزاد می‌شود (شماره ٤٩ و قفل ٤٩١).

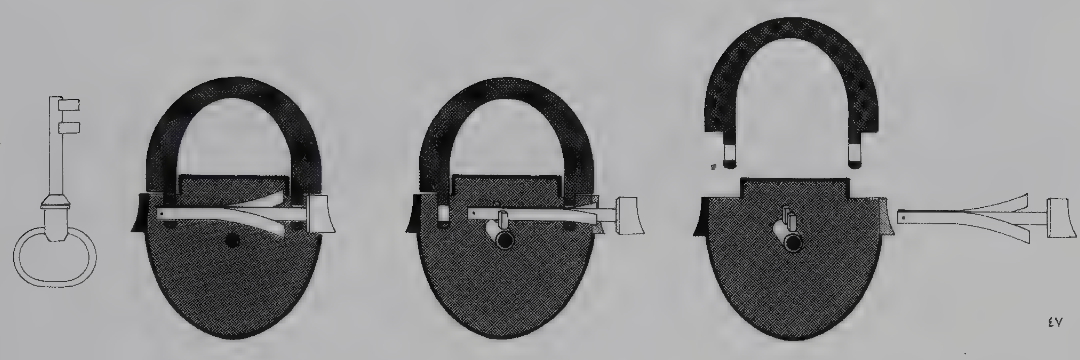
در این مجموعه یک قفل فنرخمیده دو کلیده نیز وجود دارد. مکانیزم این قفل بسیار ساده و فنر آن مدور و عَلَم مانند است. زبانه هر دو کلید با فشار به این فنر، آن را به عقب رانده و کمانه را آزاد می‌کنند (شماره ٤٨ قفل ٤٧٤).

قفل فنر خمیده بدون کلیدی نیز در این مجموعه هست که در نوع خود استثنایی است. درپوش این قفل، کار کلید را انجام می‌دهد و از طریق سنجاقکی با فنر داخل قفل مرتبط می‌شود و با جابه‌جایی، فنر را به عقب برده کمانه را آزاد می‌کند (شماره ٥٠ و قفل ٤٨٣). کمتر کسی است که به ساز و کار این قفل پی ببرد، زیرا اول این که فاقد سوراخ کلید است و دوم دو درپوشی که در دو طرف قفل قرارگرفته به شکل بخشی از بدنه ساخته شده و تنها پس از مدت‌ها صرف وقت شخص به متحرک بودن یکی از درپوش‌ها پی می‌برد و رمز قفل آشکار می‌شود.

آن را جمع می‌کند و خروج سر کمانه را از کمانه گیر ممکن می‌سازد (شماره ٤٤). کلید این گونه قفل‌ها به شکل لوله‌ای باریک است و از سوراخی که در بدنه قفل تعبیه شده است داخل می‌شود و قفل را باز می‌کند.
این کلیدها را می‌توان «کلید چرخان» خواند. نوع دیگر کلید چرخان، کلیدهای دودندانه است. این کلیدها هم زمان با در بر گرفتن فنر و چرخش، آن را جمع می‌کنند و کمانه را آزاد می‌سازند(شماره ٤٥ و قفل ٤٨٦).
نوع دیگر کلید قفل‌های فنرخاردار «کلید ناودانی» است. این کلیدها با وجود ظاهری که دارند، عمل همان کلیدهای زبانه دار فشاری را انجام می‌دهند(شماره ٤٦ و قفل ٦٤١). اما ساده ترین کلید در قفل‌های فنرخاردار، «کلید سنجاقی» است. ساختمان این گونه قفل‌ها طوری است که اگر سنجاقی به فنر آن‌ها فشار آورد، فنر آزاد می‌شود و کمانه بیرون می‌آید (شماره ٤٧ و قفل ٦١٦). نکته دیگر در این دسته از قفل‌ها دستگاه آن است که از یک فنر شکل یافته است. قفل‌های تک فنر و کلید سنجاقی به طور معمول برای قفل‌های نظرقربانی به کار می‌روند که ساده‌ترین کلید و دستگاه را دارند.



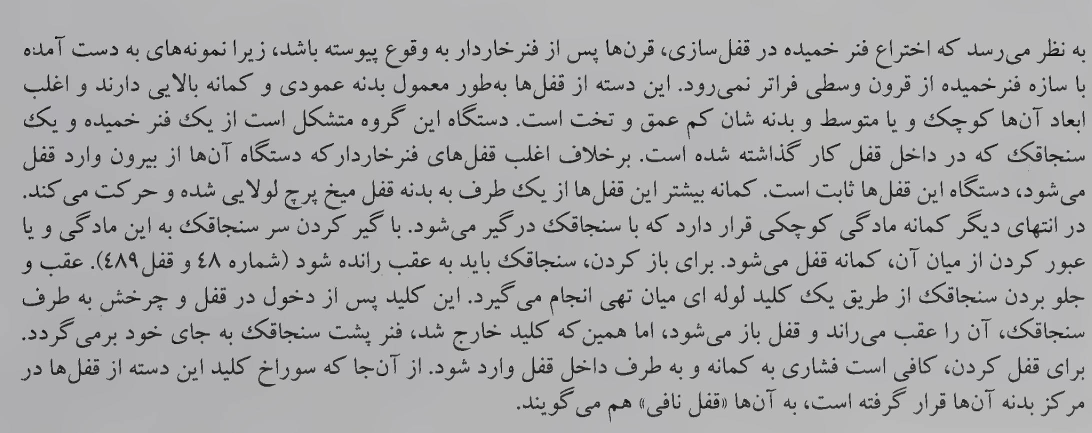
٤٥



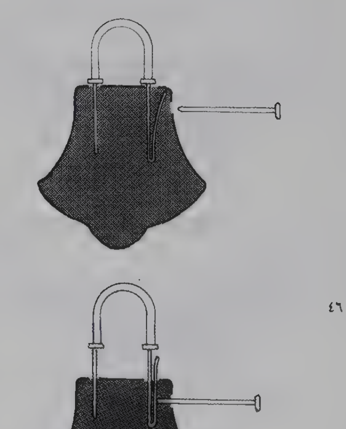
٤٧



دستگاه فنر خمیده

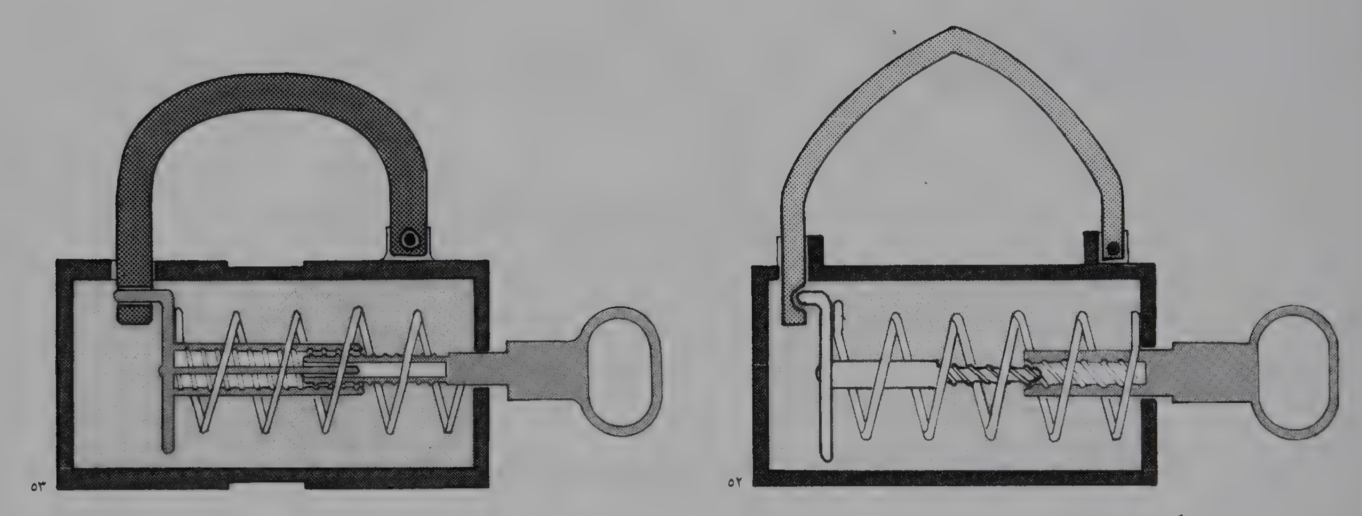


به نظر می‌رسد که اختراع فنر خمیده در قفل‌سازی، قرن‌ها پس از فنرخاردار به وقوع پیوسته باشد، زیرا نمونه‌های به دست آمده با سازه فنرخمیده از قرون وسطی فراتر نمی‌رود. این دسته از قفل‌ها به‌طور معمول بدنه عمودی و کمانه بالایی دارند و اغلب ابعاد آن‌ها کوچک و یا متوسط و بدنه شان کم عمق و تخت است. دستگاه این گروه متشکل است از یک فنر خمیده و یک سنجاقک که در داخل قفل کار گذاشته شده است. برخلاف اغلب قفل‌های فنرخاردار که دستگاه آن‌ها از بیرون وارد قفل می‌شود، دستگاه این قفل‌ها ثابت است. کمانه بیشتر این قفل‌ها از یک طرف به بدنه قفل میخ پرچ لولایی شده و حرکت می‌کند. در انتهای دیگر کمانه مادگی کوچکی قرار دارد که با سنجاقک درگیر می‌شود. با گیر کردن سر سنجاقک به این مادگی و یا عبور کردن از میان آن، کمانه قفل می‌شود. برای باز کردن، سنجاقک باید به عقب رانده شود (شماره ٤٨ و قفل ٤٨٩). عقب و جلو بردن سنجاقک از طریق یک کلید لوله ای میان تهی انجام می‌گیرد. این کلید پس از دخول در قفل و چرخش به طرف سنجاقک، آن را عقب می‌راند و قفل باز می‌شود، اما همین که کلید خارج شد، فنر پشت سنجاقک به جای خود برمی‌گردد. برای قفل کردن، کافی است فشاری به کمانه و به طرف داخل قفل وارد شود. از آن‌جا که سوراخ کلید این دسته از قفل‌ها در مرکز بدنه آن‌ها قرار گرفته است، به آن‌ها «قفل نافی» هم می‌گویند.



٤٦

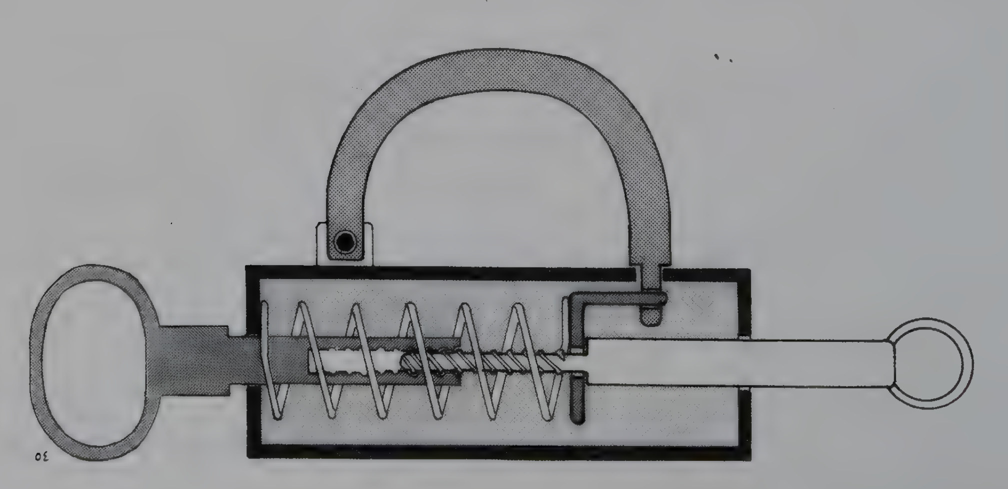




۲ـ فنر مارپیچ با کلید ازپشت

در این نوع قفل، کلید از انتهای قفل (از پایین لولای کمانه) وارد می‌شود و لوله «توپیچ» آن، میله «روپیچ» دستگاه را به درون می‌گیرد. میله دستگاه که خود بر پولک زبانه‌دار نصب شده است، پس از درگیر شدن با کلید و چرخاندن آن، فنر دستگاه را جمع و پولک را به عقب می‌برد تا زبانه از قید کمانه آزاد شود(شماره ۵۲ و قفل ۳۶۶).

نوع دیگر این قفل‌ها، کلید و دستگاه پیچیده‌تری نسبت به قفل‌های پیشین دارد و یک «میله راهنما» به دستگاه آن اضافه شده است. به این معنا که لوله استوانه‌ای کلید، علاوه بر این‌که از رو پیچ شده است، از داخل نیز باید وارد میله راهنمای دستگاه شود و برمحور این میله بگردد (شماره ۵۳ و قفل ۳۸٤). وجود این میله راهنما با ابعاد و مشخصاتی که دارد، باز کردن قفل را با کلیدهای متفرقه مشکل می‌سازد و امنیت بیشتری را برای صاحبش فراهم می‌آورد.

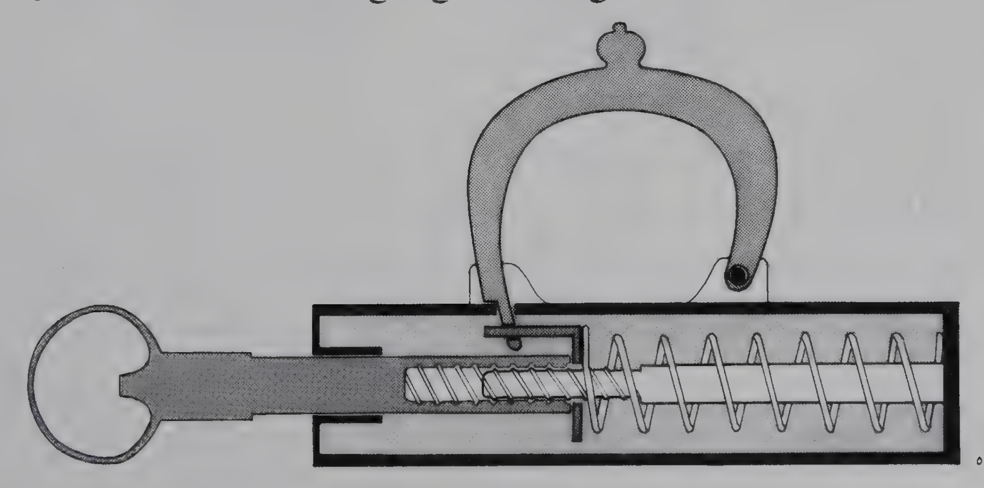


فنر مارپیچ

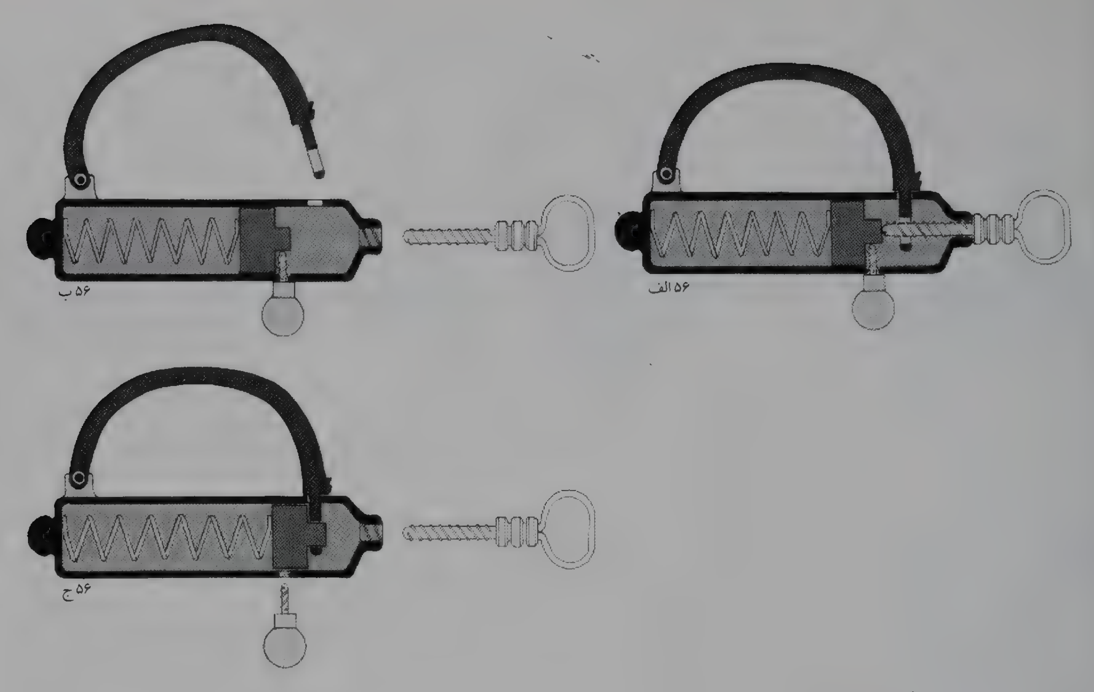
به درستی معلوم نیست از چه زمانی فنر مارپیچ در قفل‌سازی مورد استفاده قرار گرفته و دستگاه قفل را به کار انداخته است. آن‌چه مسلم است فنر مارپیچ قدمتی بس طولانی دارد و اختراع آن دست‌کم به هزاره اول پیش از میلاد می‌رسد. اما این‌که از چه زمانی به درون قفل راه یافته است، هنوز معلوم نیست و نیاز به بررسی بیشتر دارد.
تعیین تاریخ دقیق قدیمی‌ترین قفل‌های «فنر مارپیچی» در ایران نیز کار مشکلی است. زیرا تعداد آن‌ها بسیار اندک است و من تاکنون دو نمونه بیشتر از آن‌ها را ندیده‌ام. برای تعیین عمر این دو نمونه (قفل‌های ۱۴۹ و ۵۷۶) که از هر لحاظ با هم متفاوتند باید یک محدوده زمانی چند صد ساله را در نظر گرفت و آن‌ها را کار قرن ۱۳ تا ۱۶ میلادی دانست.
مشکل تعیین قدمت این دو قفل نه‌تنها دستگاه آن‌ها بلکه، شکل آن‌ها نیز می‌باشد. با وجود این‌که قفل شماره ۱۴۹ شکل شیر است اما با قفل‌های شیری شکل دوران سلجوقی متفاوت است و بیشتر به شیرهای زمان صفوی می‌ماند، حتا بسان شیرهای صفوی دارای گردنبند نیز هست و به‌احتمال مدتی پیش از رواج قفل‌های فولادی در آن زمان ساخته شده است. اما قفل شماره ۵۷۶ از آن نیز مرموزتر است. این قفل که شکل کلید مانندی دارد از جنس مفرغ است. اکثر قفل‌های کلیدی موجود از جنس فولاد بوده و قدمتی بیش از ۲۰۰ سال ندارند و از آن‌جا که نمونه‌های اروپایی این قفل‌ها نیز فراوان دیده شده است، چنین فرض می‌شده است که ایرانیان شکل آن را از قفل‌های غربی گرفته‌اند، حال آن‌که قدمت این قفل (شماره ۵۷۶) دست کم به قرون وسطی و پیش از صفویه می‌رسد. با این وجود قفل‌های فنر مارپیچی تا زمان صفویه و اواخر قرن هفدهم میلادی چندان رایج نبوده است و رواج آن‌ها پس از قرن هفدهم است و از این زمان است که تداول آن‌ها سیر صعودی را پیموده به حدی می‌رسد که از قرن نوزدهم به بعد به‌صورت رایج‌ترین قفل‌ها درآمده است.
قفل‌های فنر مارپیچی انواع مختلفی دارند. گو این‌که بسیاری از آن‌ها لوله‌ای شکل هستند و در ظاهر شبیه به هم می‌نمایند اما کارکرد آن‌ها متفاوت است و بر مبنای کارکردی که دارند به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۱ـ فنر مارپیچ با کلید از جلو

کلید این نوع قفل «توپیچ» (یعنی لوله ای که از داخل پیچ شده است) و از انتهای بدنه قفل و زیر قسمت بازشوی کمانه وارد می‌شود و میله دستگاه را که از رو، مارپیچ شده است، در برمی‌گیرد. و با پیچیدن بر پولکی که درانتهای فنر مارپیچی دستگاه تعبیه شده است، فشار می‌آورد و آن را به تدریج به عقب می‌برد تا جایی که زبانه متصل به پولک از «زایده کمانه» بیرون رود و کمانه آزاد شود (شماره ۵۱ و قفل ۳۶۸). کلید برخی از قفل‌های فنر ماربیچی از رو دندانه دندانه شده و«رو پیچ» است. از این رو میله دستگاه به جای «نر»، از داخل «ماده» پیچ شده و به اصطلاح «توپیچ» است، (یعنی درست عکس مورد پیش).



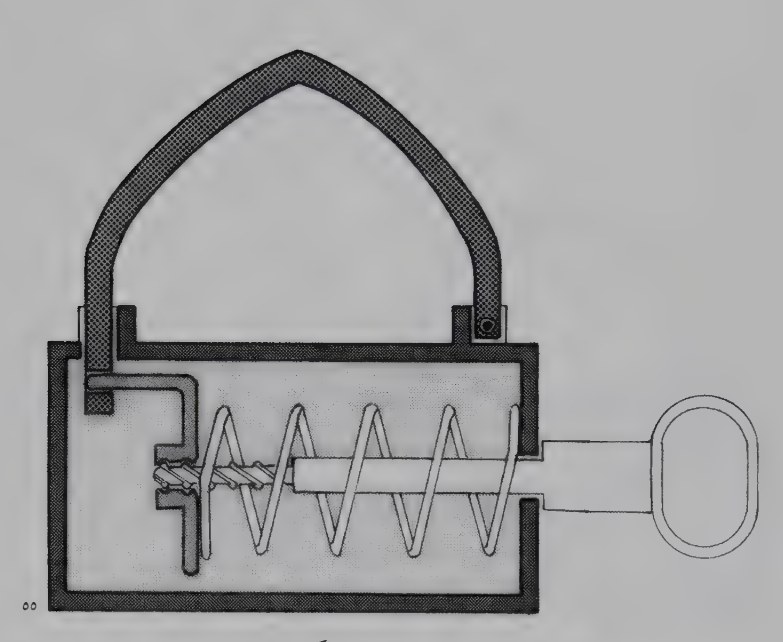
۵۱



۵ـ فنر مارپیچ با کلید مانع

این نوع قفل دارای دو کلید است و عمل باز و بسته کردن قفل در دو حرکت انجام می‌گیرد. به این ترتیب که اول کلید اصلی که رو پیچ است، با گشتن خود در سوراخ تو پیچ انتهای قفل، فنر را به عقب می‌راند(شماره ٥٦ الف و ب). وقتی فنر به عقب رانده شد نوبت کلید دوم یا کلید مانع می‌رسد این کلید کوچک رو پیچ شده از سوراخ تو پیچ بدنه قفل وارد شده و مانع بازگشت پولک پشت فنر می‌شود. (شماره ٥٦ ب) و به این ترتیب کمانه از قید خار آزاد و قفل باز می‌شود. برای بستن قفل کافی است کلید مانع بیرون آورده شود. به محض این که این کلید از سر راه پولک به کنار رود، پولک آزاد می‌شود و سرجای خود بر می گردد (طرح٥٦ الف و قفل ٤٠٩).

نوع دیگری از فنر مارپیچ با کلید مانع هست که با کلید کار می کند و ساز و کاری به نسبت ساده دارد، اما قفل آن از هر لحاظ متفاوت با دیگر قفل‌هاست. این قفل شباهت زیادی به دمبل ورزشکاران دارد و مانند همان دمبل از دو وزنه استوانه‌ای و یک لوله شکل گرفته است. لوله باریک بین دو وزنه کار همان کمانه را انجام می‌دهد. یکی از وزنه‌ها «بازشو» و دیگری ثابت است. وزنه بازشو و سرمیله متصل به آن به طریق نر و ماده پیچ شده و عمل قفل از طریق جا دادن این وزنه در میله و عمل باز کردن به طریق عکس آن انجام می گیرد. از طرفی کارکرد این قسمت با قسمت دیگر وزنه که ثابت است ارتباط مستقیم دارد. این ارتباط از طریق میله چهار پهلویی که در داخل استوانه جا سازی شده است، انجام می گیرد. به این ترتیب که زبانه کلید با فشاری که پس از یک نیم چرخ بر پولک دستگاه می آورد، فنر را به عقب می‌راند. با به عقب رفتن فنر و پولک، میله چهارپهلو که به پولک وصل شده است به عقب رانده می‌شود و سر آن از مادگی چهار پهلویی که درقسمت بازشوی وزنه تعبیه شده است، خارج و وزنه آماده چرخش می‌شود(شماره ٥٧ الف و قفل ٦٦٧). برای قفل کردن کافی است کلید را خارج کرد تا فنر آزاد شود. با این حرکت سر چهارپهلو در مادگی داخل وزنه می‌رود و امکان چرخش را ناممکن می‌سازد (شماره ٥٧ ب).

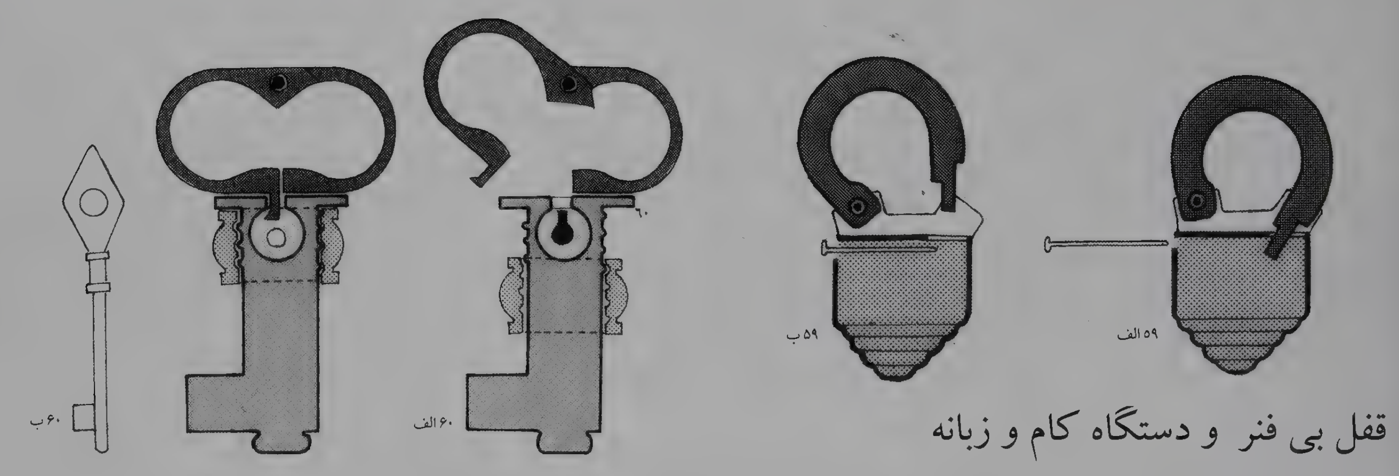


۳ـ فنر مارپیچ با دستگاه منفک

ابتکار قفل‌ساز در این نوع قفل، کارگذاشتن بخشی از دستگاه در بیرون قفل و منفک کردن آن از قفل است. دستگاه این نوع قفل کارکردی شبیه قفل‌های مارپیچی کلید از پشت دارد، با این تفاوت که در حالی که در این قفل‌ها میله دستگاه در داخل کار گذاشته شده، این‌جا میله در خارج است و به شکل یک کلید ساخته شده است. این کلید که انتهای آن به میله رو پیچ ختم شده است از جهت مخالف وارد کلید اصلی که توپیچ است می‌شود و پس از گردش و جمع کردن فنر، پولک خاردار را از قید کمانه آزاد می‌کند (شماره ۵٤ و قفل ۳۷۰). امکان گشودن این نوع قفل بدون در اختیار داشتن هر دو کلید (نرو ماده) امکان پذیر نیست .

٤ـ فنر مارپیچ کشیدنی

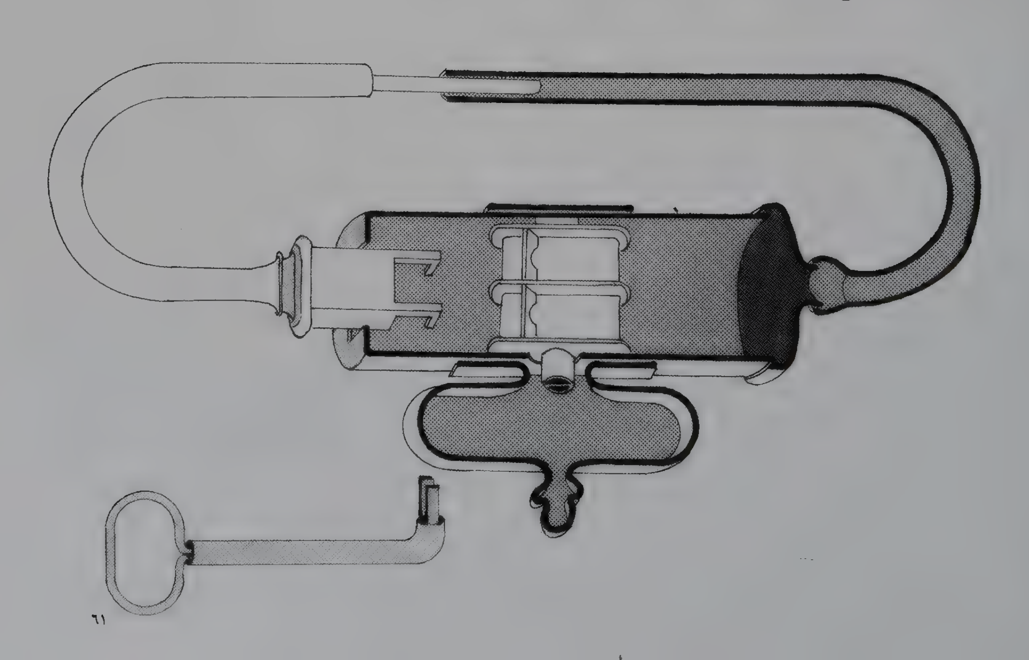
دستگاه و کلید این نوع قفل به ظاهر شبیه دستگاه کلید از پشت است با این تفاوت که دستگاه این نوع قفل فاقد میله دستگاه است و به جای میله یک پولک حدیده شده کار گذاشته شده است. برای باز کردن این نوع قفل ابتدا باید سر پیچ شده کلید را در سوراخ پولک چرخاند و آن را تثبیت کرد، سپس با فشار، آن را به عقب کشید تا زبانه پولک از قید کمانه آزاد شود. (شماره ۵۵ و قفل ۳٦۹).



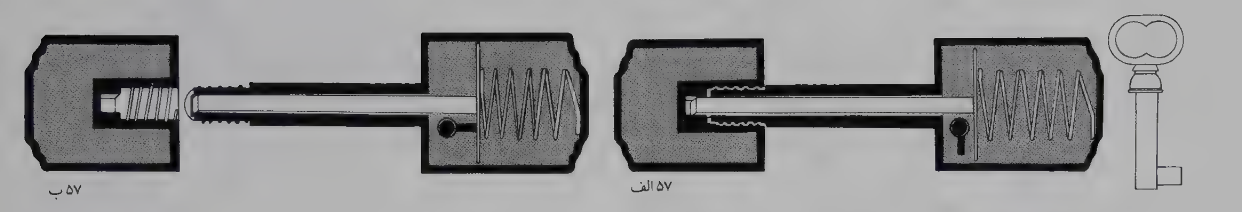
قفل بی فنر و دستگاه کام و زبانه

در دستگاه دسته‌ای از قفل‌ها هیچ گونه فنری کار نشده است و عمل قفل از طریق «چفت وبست» و یا «کام و زبانه» انجام می گیرد. (قفل ٦٤٣). در انتهای کمانه پهلویی این قفل دو خار دندانه‌دار تعبیه شده است که با دستگاه قفل که متشکل از استوانه‌ای چرخان است ارتباط دارد. در بدنه استوانه چرخان دستگاه، دومادگی زایده‌دارتعبیه شده است. برای قفل کردن کافی است که استوانه دستگاه به وسیله کلید،٤٥ درجه به راست بچرخد و دندانه کمانه در داخل زایده‌ها قرار گیرد. برای باز کردن نیز کافی است استوانه ٤٥ درجه به چپ بگردد و کمانه آزاد شود(شماره ٦١ و قفل ٦٤٣).

نوع دیگر قفل‌های بی‌فنر قفل‌های معروف به «کماجدانی» با کمانه بالایی‌اند. دو انتهای کمانه این دسته از قفل‌ها دندانه شده و به تعداد این دندانه‌ها در استوانه دستگاه مادگی پدید آمده است. این مادگی‌ها اغلب از طریق پولک‌های فلزی در بدنه استوانه کار گذاشته شده‌اند. برای باز کردن قفل کافی است استوانه به چپ و یا راست گردانده شود و دندانه‌های کمانه از قید پولک‌ها آزاد و کمانه از قفل خارج شود(شماره ٦٢ و قفل ٤٥٧).

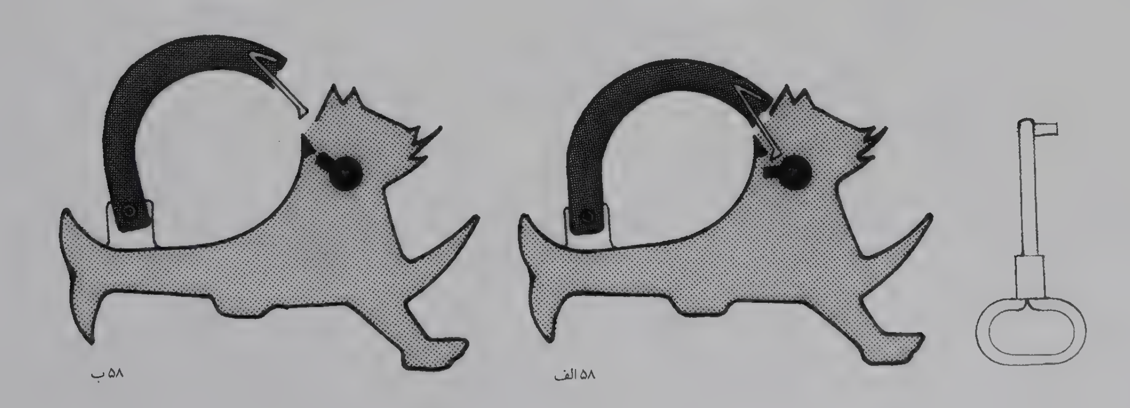


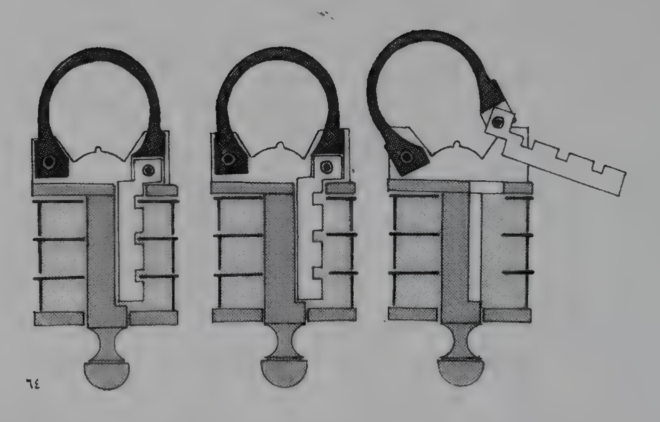
٦١


۵۷ ب
۵۷ الف

فنر کمانه‌ای ، فنر خاردار سنجاقی و فاقِ فنر

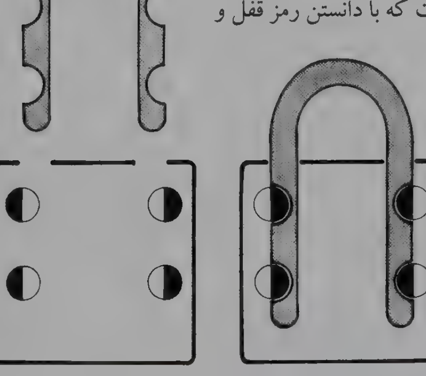
دستگاه گروهی از قفل‌ها در کمانه آن‌ها جا سازی شده است. این قفل‌ها معمولا بسیار کوچک‌اند و بدنه آن‌ها توپر است. در انتهای کمانه دسته‌ای از این قفل‌ها، سنجاقک فنری کوچکی کار گذاشته شده که سر آن برگشته است. با فشاری که به کمانه وارد می‌شود زایده فنر در مادگی که در کناره سوراخ قفل پدید آمده، فرو می‌رود و عمل قفل کردن انجام می‌گیرد (شماره ۵۸ الف و قفل ۲۹٦). برای بازکردن کافی است کلید کوچک زبانه داری را برای کنار زدن فنر به‌کار برد (شماره ۵۸ ب).
در دسته دیگری از این قبیل قفل‌ها از جمله قفل‌های نقره طلسمی، فنری بر انتهای کمانه لحیم شده است که با فشار وارد بدنه قفل می‌شود. عمل باز شدن با فشار سنجاقی که از سوراخ بدنه وارد می‌شود انجام می‌گیرد (٦١٦ تا ٦٢۵). اگر چه این قفل‌ها با یک سنجاق باز می‌شود، اما عملکرد آن‌ها همان عملکرد فنر خاردار است.
دسته دیگری از این قفل‌های کوچک حتا فاقد فنر هستند و خود کمانه عمل فنر را انجام می‌دهد و به این ترتیب در کمانه فاقی ایجاد شده و عمل قفل کردن با فشاری که به کمانه وارد می‌آید انجام می‌گیرد و نوک خمیده کمانه در بدنه تثبیت می‌شود(شماره ۵۹ الف). برای باز کردن این دسته از قفل‌ها کافی است سنجاق و یا میخ باریکی به جای کلید به کاربرد و بافشار کمانه را آزاد کرد(شماره ۵۹ ب و قفل‌های ۳۰۰ تا ۳۰۳).
بیشتر «قفل‌های شبه کلیدی» نیز همین ساز و کار را دارند، با این تفاوت که نیمی از کمانه آن‌ها ثابت و نیمی متحرک است. زایده انتهایی نیمه متحرک پس از فشار، وارد سوراخ بدنه می‌شود و کار قفل‌کردن انجام می‌گیرد (شماره ٦۰ الف و قفل ۵۸۰). برای بازکردن کافی است از کلید زبانه‌داری برای به عقب راندن کمانه استفاده کرد(شماره ٦۰ ب).


۵۸ ب
۵۸ الف



٦٤

۳ـ قفل رمز با کمانه منفک: نوعی قفل رمز هم در این مجموعه هست که از هر لحاظ با قفل‌های بالا تفاوت دارد. این قفل ظاهری شبیه قفل‌های معمولی دارد و از یک بدنه و یک «کمانه منفک» تشکیل شده است. بدنه قفل تکه آهن سنگین و توپری است که روی هر طرف آ ن چهار پولک قرار گرفته است. این پولک‌ها در یک طرف مدرج و در طرف دیگر ساده‌اند و از داخل قفل به هم مرتبط‌اند. میله‌ای که پولک‌ها را مرتبط کرده و داخل قفل قرارگرفته، به شکل نیم گرد ساخته شده است. برای باز کردن قفل کافی است که طرف خالی این میله‌ها در مقابل کمانه قرار گیرد. با چنین حرکتی، خروج کمانه از بدنه میسر می‌شود. برای قفل کردن، پس از قراردادن کمانه در قفل و چرخاندن پولک‌ها در جهت پُر، میله در مادگی‌های داخل کمانه قرار می گیرد و خروج کمانه را ناممکن می‌سازد (شماره ٦٥ و قفل ٦٤٠)، و البته تنها صاحب قفل است که با دانستن رمز قفل و پیچاندن پولک‌ها و حصول اعداد رمز می‌تواند قفل را به کار اندازد.



٦٥

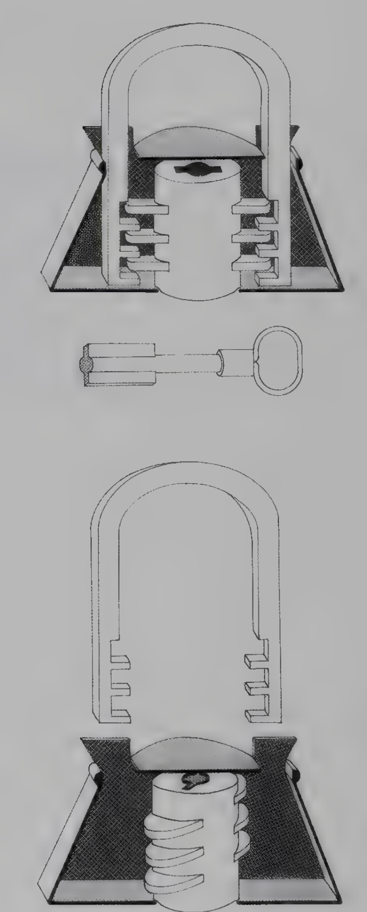
دستگاه‌های چند گانه

در ابتدای این بخش اشاره کردم که هرقفل دارای یک دستگاه است. این گفته البته در مورد اکثریت قریب به اتفاق قفل‌ها صادق است. اما چنان‌که خواهیم دید، قفل‌هایی هم هستند که بیش از یک دستگاه دارند و هر دستگاه آن‌ها نیز دارای یک کلید مخصوص است. به‌طور طبیعی چنین قفل‌هایی ایمنی بیشتری دارند و چه بسا موارد مصرف مخصوصی نیز داشته‌اند و برای گاوصندوق‌هایی با محتویات ارزشمند به کار می‌رفته‌اند. برخی از آن‌ها نیز همان عملکردی را داشته‌اند که امروزه گاوصندق برخی از شرکت‌ها و یا بانک‌ها دارا هستند. همان‌طور که اکنون نیز رسم است دو یا سه نفر از مدیران شرکت و یا بانک با حضور هم و هرکدام با کلید مخصوصی که نزد آن‌هاست، درب گاوصندوق را می گشایند. در گذشته نیز به احتمال چنین رسم بوده و برخی از قفل‌های چند کلیده به سفارش این گونه شرکت‌ها ساخته می‌شده است.
در داخل هر قفل چند کلیده، چند دستگاه با فنربندی‌های متفاوت وجود دارد. دستگاه اصلی این گونه قفل‌ها به‌طور معمول فنر خاردار و یا فنر خمیده و دستگاه‌های فرعی از نوع فنر مارپیچ هستند. برخی از این قفل‌ها به شکل پرنده ساخته شده‌اند. بال‌های پرنده که به بدنه لولا شده، طوری هستند که در حالت بسته روی سوراخ کلید دستگاه اصلی را می‌پوشانند و سوراخ کلید را

قفل رمز

قفل‌های رمز را باید از هر لحاظ جدا از دیگرقفل‌ها دانست. این قفل‌ها هم از لحاظ ساختمان بدنه و هم از لحاظ دستگاه، با قفل‌های دیگر تفاوت دارند. مشخص ترین فرق آن‌ها با بقیه قفل‌ها کارکرد بدون استفاده از کلید آن‌ها است. به درستی معلوم نیست اختراع قفل رمز در چه زمانی صورت گرفته است. اگرچه قدیم ترین نمونه‌های قفل آویز رمزدار از قرن ۱۵ م فراتر نمی رود، اما وجود برخی از صندوقچه‌های مجهز به قفل رمز نشان دهنده آن است که این نوع ساز و کار از دیر باز و دست کم از قرن ۱۲ م مورد استفاده بوده است (ر. ک. به: ص ۱۴۲).

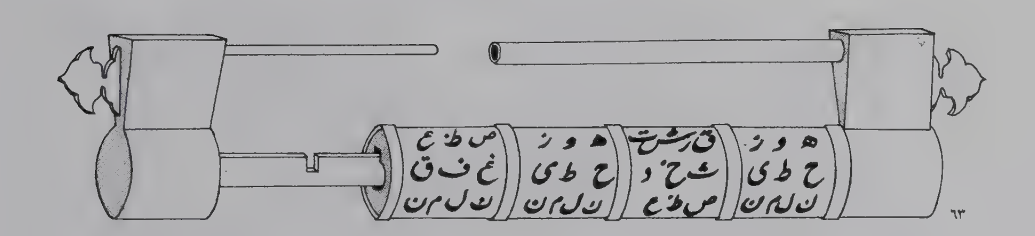
قفل رمز آویز متشکل از قطعات کوچک و متعددی است که با قرارگرفتن در کنار هم شکل قفل را می‌سازند رایج ترین قفل‌های رمزی به ترتیب قفل‌های افقی و قفل‌های عمودی، و قفل رمز با کمانه منفک است.



۶۲

۱ـ قفل رمز افقی: ساختمان قفل‌های رمز افقی، متشکل از دو «بازو»ی قفل است (شماره ۶۳ و قفل ۶۲۶). این دو بازو هم نقش کمانه را دارند و هم چون قابی حلقه‌های رمز را در بر می‌گیرند و بدنه قفل را به وجود می‌آورند. بازوها به شکل کشویی ساخته شده‌اند و به داخل هم می‌روند. تیرک بالایی یکی از بازوها لوله‌ای و تیرک پایینی آن ناودانی است در عوض تیرک‌های بازوی مقابل، یکی میله‌ای باریک و مدور و دیگری تیرکی تخت و بلند است. روی لبه این تیرک چاک‌هایی حاصل شده است که هنگام جاگیری در داخل ناودانی همباد فرورفتگی‌های نادوانی قرار می‌گیرد. برای به کار انداختن قفل، حلقه‌های میان تهی و پولک‌های میانی آن‌ها را یک در میان در تیرک نادوانی قرار می‌دهند و بازوی مقابل را نیز سوار می‌کنند. طرفین حلقه‌ها و پولک‌ها سوراخ گردی جهت عبور از تیرک تعبیه شده و در بالای هر سوراخ برشی حاصل آمده است. برای باز کردن قفل کافی است این برش‌ها در مقابل خط تیرک و همباد هم قرار گیرند و بازوی تیرک دار را برای خروج آزاد کنند. نشانه و یا رمز همباد قراردادن حلقه‌ها، نوشته‌ها و یا اعدادی است که از طریق چرخاندن حلقه‌ها حاصل می‌شود و تنها صاحب قفل از آن آگاه است (قفل‌های ۶۲۶ و۶۲۷). یکی از جالب‌ترین قفل‌های رمز این کتاب قفل ۶۳۳ است که رمز آن به سه زبان فارسی، عبری و ارمنی است. معلوم نیست که این قفل به سفارش چه شخصی و یا شرکت (از سه قومیت) ساخته شده است.

۲ـ قفل رمز عمودی: این قفل تقریبا همان ساختار و کارکرد قفل رمز افقی را دارد، با این تفاوت که در ابتدا کمانه این نوع قفل از نوع «بالایی» و یکسر آن به بدنه قفل پرچ لولایی شده است. دیگر این‌که تیرک دندانه‌دار در این قفل به سر کمانه پرچ لولایی شده و پس از گردش حلقه‌ها و کشف رمز از مجرای قفل بیرون می‌آید (شماره ٦٤ و قفل ٦٣٩).

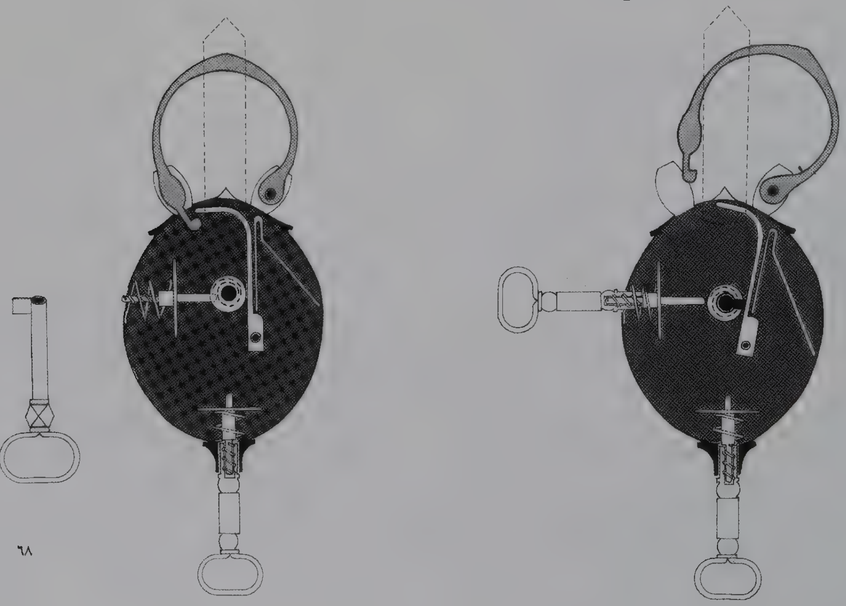


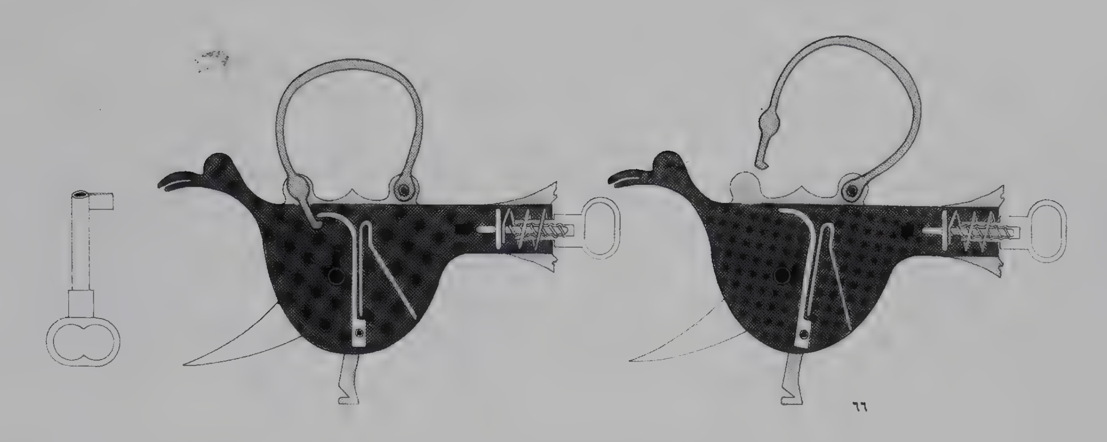
۶۳

قفل سه کلیده دیگر، شماره ٦٨ و قفل ٥٧٥ است که در این قفل دستگاه اصلی با فنر خمیده و دو دستگاه دیگر با فنر مارپیچ کار می‌کنند. کار یکی از دستگاه‌های فرعی، قفل کردن و باز و بسته کردن درپوش سوراخ کلید است. این درپوش که کار آن بی‌شباهت به بال پرنده درقفل شماره ٤٠٠ نیست، دارای یک چفت است که در انتهای آن کار گذاشته شده و مطابق آن مادگی روی بدنه تعبیه شده است. در زمان قفل بودن، این درپوش روی سوراخ کلید را می‌گیرد و دسترسی به آن را ناممکن می‌سازد. برای بازکردن، باید از کلید استوانه‌ای توپیچی برای عقب راندن فنر مارپیچی و خلاص کردن چفت از زایده قید استفاده کرد. با آزاد شدن چفت، درپوش با فنری که زیر آن جاسازی شده است به عقب بر گشته و دسترسی به سوراخ قفل را میسر می‌سازد. اما هنوز مانع دیگری در سر راه است و آن میله‌ای است که به خار دستگاه فشار می‌آورد و تا خار عقب نرود کلید جا نمی افتد. برای برداشتن این مانع از سر راه کلید، باید دستگاه دیگر را به کار انداخت و با کلید توپیچ استوانه‌ای، فنر و میله را به عقب کشید. در این مرحله کلید اصلی وارد می‌شود و پس از عقب راندن فنر خمیده، کمانه را از قید آزاد می کند (قفل ٤٠٠). برای قفل کردن باید عکس این مراحل انجام گیرد.

قفل دیگری در این مجموعه وجود دارد که قسمت‌هایی از خود قفل عمل چند کلید قفل‌های پیشین را انجام می‌دهند. این قسمت‌ها که در ظاهر برخی از ساختمان خود قفل اند، در موقع لزوم از قفل جدا می‌شوند. این قفل (شماره ٦٩ و قفل ٣٦١) در ظاهر دارای یک کلید است که با فنر خاردار کار می کند، اما تا زمانی که موانع سر راه دستگاه آن مرتفع نشود، دستگاه قفل به کار نمی افتد. ساختمان این قفل طوری است که در طرفین و زیر آن شاخک‌های مخروطی شکلی کار گذاشته شده است. برخی از این شاخک‌ها نقش مانع را دارند و از قفل منفک می‌شوند. برای داخل کردن کلید، ابتدا باید یکی از شاخک‌ها را که وسط و پایین قفل تعبیه شده است، به بیرون پیچاند. با بیرون آوردن این پیچ، صفحه زیر قفل و دو شاخک طرفین آن آزاد و از قفل خارج می‌شوند و امکان دخول کلید و درگیر کردن آن با فنر خاردار دستگاه و بیرون راندن آن فراهم می‌آید. اما هنوز مانع دیگری بر سر راه هست و آن شاخک فوقانی مقابل کمانه پهلویی است که از درون با قسمت فوقانی کمانه درگیر است و باید آن را نیز گرداند تا کمانه آزاد شود.

قفل دیگری که برای بازکردن آن باید موانع زیادی را از سر راه برداشت، قفل ٣٧١ است. این قفل در ظاهر یک قفل لوله ای ساده است و دستگاه آن از نوع فنر خاردار است. این قفل علاوه برشیاری که برای درگیری با فنر خاردار بر سر راه دارد، حدیده هم شده است. این حدیده ابتدا باید در سوراخ قلاویز شده‌ای که روی مهره درپوش پدید آمده است، داخل شود و پس از چرخش لازم وارد بدنه شود. اما امکان پیشروی آن تا زمانی که «پیچ‌های مانع» سر راه کنار نروند، وجود ندارد. با به عقب رانده شدن این پیچ‌ها، در نهایت شیار کلید با خارهای دستگاه درگیر می‌شوند و آن را عقب می‌رانند و کمانه آزاد می‌شود.

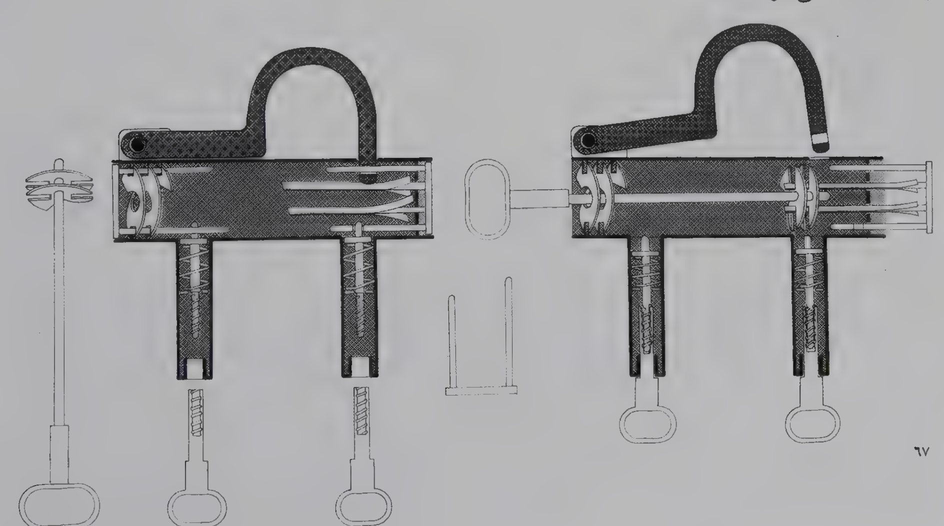




٦٦

از نظر پنهان می‌کنند. برای باز کردن این نوع قفل، ابتدا باید کلید پیچداری را به محل دم پرنده فرو کرد و با چرخاندن کلید و جمع کردن فنر، سر قلاب منتهی به پولک را آزاد کرد. با آزاد شدن قلاب از زایده‌ای که در پشت بال‌ها تعبیه شده است، بال‌ها آزاد و گسترده شده و سوراخ کلید دستگاه اصلی نمایان می‌شود. با کلید زایده‌دار دیگری «فنر خمیده» دستگاه عقب زده شده و کمانه از قید فنر آزاد می‌شود(شماره ٦٦ و قفل ٢٢٦).

شماره ٦٧ و قفل ٤٠٠ نوع دیگری از قفل‌های چند کلیده است که باسه دستگاه کار می‌کند. دستگاه اصلی این قفل از نوع فنر خاردار است و در بدنه استوانه‌ای قفل قرار گرفته است. فنرهای خاردار این قفل در پشت پولک درپوش مانندی کار گذاشته شده اند و کلید از طرف مقابل وارد می‌شود. کلید این قفل که درنوع خود بسیار جالب است، به شکل فرفره دندانه‌دار ساخته شده است. برای به کار انداختن دستگاه قفل، ابتدا باید دو « مانع » را که سر راه کلید و فنر کارگذاشته شده است، به عقب راند. این دو مانع در داخل دو لوله باریک که در پایین قفل است، نصب شده‌اند. هر یک از این دو مانع متشکل از میله ای متصل به فنرمارپیچ است. میله‌های پیچ شده پس از درگیری با کلید و چرخاندن آن به عقب رانده می‌شوند و مانع اول از سر راه کلید و مانع دوم از سر راه فنر خاردار به کنار می‌روند و کلید اصلی با فشار فنر خاردار دستگاه اصلی را جمع و آن را به بیرون می‌راند و کمانه آزاد می‌شود.



٦٧

مروری بر تحولات فنی قفل در ایران

قدیمی‌ترین دستگاه قفل‌های آویز ایرانی از نوع فنر خاردار است که قدمت آن به زمان ساسانیان و یا اندکی پیش از آن می‌رسد. این قفل‌ها با «کمانه پهلویی» یا «کمانه بالایی» کار می‌کنند و کلید آن‌ها تخت و عملکرد شان از نوع فشاری است (قفل‌های ۷۱ تا ۷۳).

به نظر می‌رسد که اختراع دستگاه‌های فنر خمیده، مارپیچی و رمزی قرن‌ها پس از دستگاه فنرخاردار به وقوع پیوسته باشد. زیرا قفل‌هایی که کارکرد آن‌ها با این دستگاه‌هاست به مراتب متأخرتر از قفل‌های فنر خاردارند. قدیمی ترین قفل‌های فنر خمیده و فنر مارپیچی قدمتی ۵۰۰ تا ۶۰۰ ساله دارند و به دوران پیش از صفویه و یا اوایل آن می‌رسند.

قفل رمزی باید قدمتی بیشتر از قفل‌های فنر مارپیچی و یا فنر خمیده داشته باشد، اگر چه نمونه‌های آویز آن فراتر از دوران تیموری نمی‌رود، اما کار گذاشتن قفل رمزی درصندوقچه به دوران سلجوقی و قرن ۱۲ م هم می‌رسد. قفل‌های کام و زبانه‌ای و کمانه فنری نیز قدمت چندانی ندارند و اختراع و رواج آن‌ها از عهد صفوی‌ها به بعد است.

با مروری بر تحولات فنی قفل‌سازی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از دستگاه فنر خاردار دست‌کم هزارسال برای به کار انداختن سازه قفل استفاده می‌شد و این دستگاه به تنهایی از عهده خواسته‌های مصرف کنندگان بر می‌آمد. در طی این هزار سال (قرون اولیه میلادی تا قرن یازدهم) در این نوع قفل تحولات زیادی انجام گرفت که عمده آن در ساختمان بدنه قفل، کمانه و کلید بود. از قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) به بعد اگر چه قفل‌های فنر خاردار هنوز پرهواخواه بود و تولید می‌شد، اما با اختراع دستگاه‌های دیگر به تدریج از جلوه آن‌ها کاسته شد. با اختراع دستگاه‌های دیگر مانند فنر مارپیچی، فنر خمیده و قفل رمزی در طی قرون وسطی، فن قفل‌سازی وارد مسیر تازه‌تری شد. دیگر مصرف کنندگان به دستگاه‌های ساده و ابتدایی که دستیابی به آن‌ها برای سارقین آسان بود، قانع نمی‌شدند و به دنبال دستگاه‌های پیچیده‌تر و مطمئن‌تر بودند.

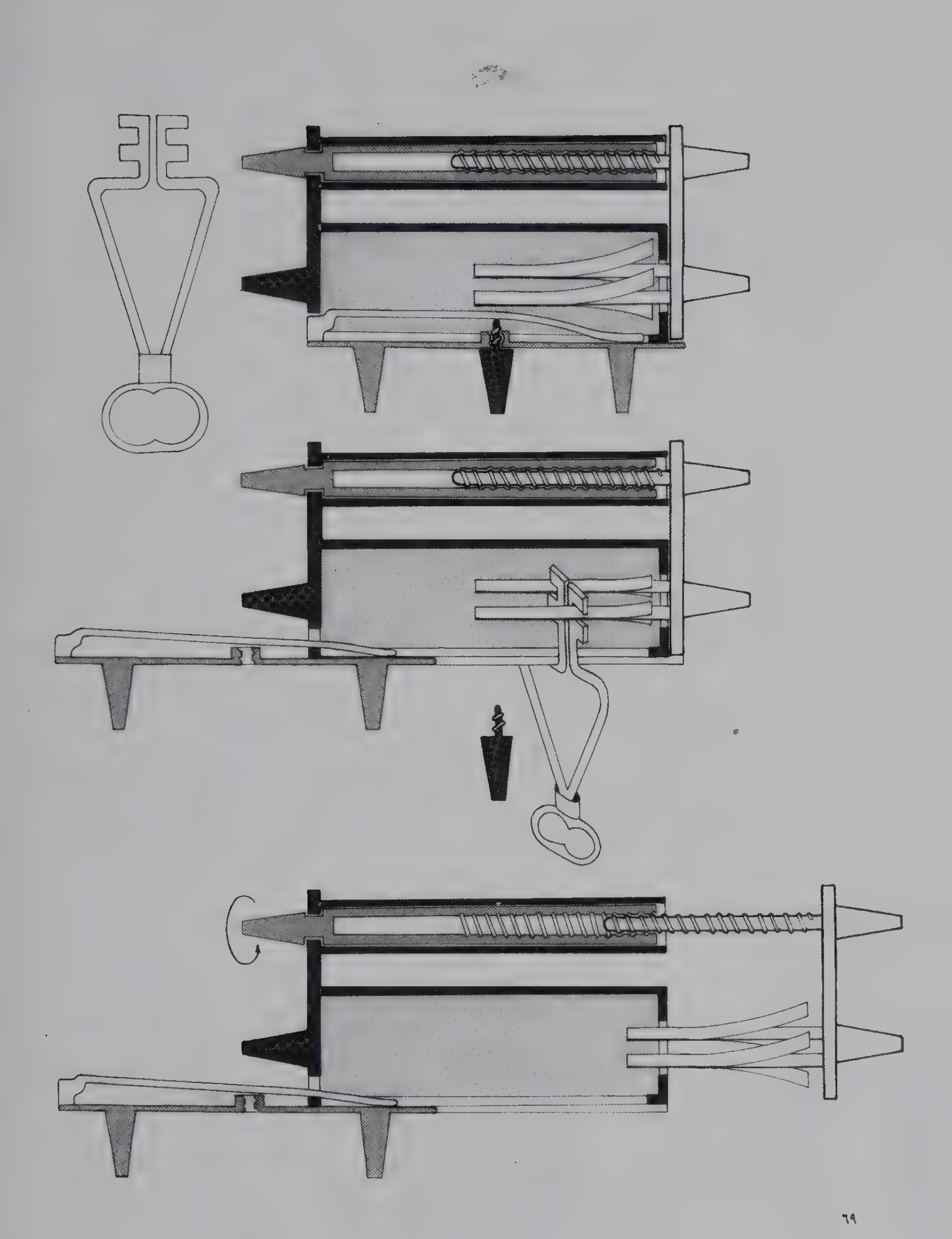
عصر صفوی تحولات گسترده‌تری را در قفل‌سازی ایران موجب شد. بخشی از این تحولات ناشی از مراودات ایران و سیاحان غربی یعنی عاملان اصلی مبادلات این کالا و تجارت بودند. اگر چه در هیچ کجا ذکری از ورود و صدور قفل نشده است، اما از این زمان به بعد است که این صعنت مانند دیگر صنایع تحت تاثیر صنایع غرب قرارگرفته و یا در آن‌ها اثر گذاشته است (ر. ک به ص ۱۵۰).

به هر حال صنایع غرب بیشتر بر ظاهر قفل اثر گذاشت و در دستگاه و ساز و کار آن چندان موثر نبود. این روند تا اواخر قرن نوزدهم میلادی (اواخر قرن سیزدهم هجری) کم و بیش ادامه داشت و از آن پس با توجهی که عامه مردم به صنایع غربی و ازجمله قفل‌سازی نشان دادند، صنعت قفل‌سازی در ایران به‌تدریج از میان رفت.

مشکلات مربوط به هویت، مبدا و تعیین تاریخ

مشکل‌ترین قسمت از دانش قفل شناسی ایران تعیین محل ساخت آن‌هاست. همان‌طور که در بخش «حرفه قفل‌سازی» گفتم، درگذشته و تا همین اواخر قفل‌سازی از صنایع پررونق و مورد نیاز محسوب می‌شد و در هر بازار و محله‌ای نمونه‌هایی از آن تولید می‌شد. این منحصر به شهرهای بزرگ نبود بلکه در شهرهای کوچک و برخی از روستاها نیز کار قفل‌سازی رواج داشت. با رکود صنعت قفل‌سازی و به جا نماندن اطلاعات صحیح، کار تشخیص هویت قفل‌های مناطق مختلف مشکل شد. هویت معدود قفل‌های پیش از اسلام، با اطمینان به محل حفاری یکی از آن‌ها، شمال ایران خوانده شد، حال آن‌که مسلم نشده که این قفل‌ها همگی کار شمال و منطقه خزر بوده باشند. قفل‌های اسلامی که بیشتر به شکل حیوانات ساخته شده‌اند، به‌طور عمده از نواحی شمال شرق ایران و خراسان بزرگ (هم‌چنین قسمت‌هایی از افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان) آمده‌اند چه بسا که نظیر این قفل‌ها در مناطق دیگر از جمله آذربایجان، فارس و اصفهان نیز تولید شده باشد.

تشخیص هویت قفل از زمان صفویه به بعد به مراتب سهل‌تر از دوران اولیه اسلامی است و این به دلایلی است که در زیر به آن‌ها اشاره خواهم کرد. بیشتر قفل‌های اوایل اسلامی از زیرخاک در آمده‌اند و دانش ما درمورد هویت آن‌ها از محل حفاری شان فراتر نمی رود. حال آن‌که بیشتر قفل‌های زمان صفویه و پس از آن از گوشه و کنار خانه‌ها و دکان‌ها پیدا شده‌اند و بسیاری از



٦٩



۷۰

آن‌ها تا همین اواخر کار می‌کرده‌اند. دو عامل در تشخیص هویت این گونه قفل‌ها موثر بوده است: یکی تدوام سنت و دیگری محل به‌دست آمدن آن‌ها تداوم سنت را در قفل‌سازی بسیاری از مناطق ایران می‌توان دنبال کرد. چنان‌که پیشتر هم اشاره کردم، هر منطقه و هر شهری قفل‌هایی با ویژگی‌های خاص خود را داشته و این ویژگی‌ها در خانواده قفل‌سازان از پدر به پسر به ارث می‌رسیده است. برای مثال قفل‌های پرنده شیراز از قرن ۱۶ تا ۱۹م با اندک تغییراتی به‌طور مدام تولید می‌شده است. عامل دوم تشخیص هویت، محل پیدایش قفل‌هاست. این درست است که قفل نیز مانند دیگر دست ساخته‌ها جا به‌جا می‌شود و همراه صاحب آن از شهری به شهر دیگر می‌رود، اما این در مقابل تولیدات به‌جا مانده از یک شهر و یک روستا بسیار ناچیز است. در برخی از روستاها، من خود یک نوع قفل را بر در بسیاری از خانه‌ها دیده‌ام و این نشانه خوبی از تولید آن قفل در آن روستا و یا در محلی نزدیک به آن است. از همین رو، محل پیدایش قفل، عامل موثری در تشخیص هویت آن‌ها است، به ویژه که چندین قفل شبیه به هم از یک منطقه و یا یک شهر به‌دست آمده باشد.
در تعیین هویت و تشخیص عمر قفل‌ها از هنرهای دیگر هم مدد گرفته ام و سبک ساخت قفل را با سبک دیگر ساخته‌های فلزی مقایسه کرده ام. برای مثال حیوانات و پرندگانی که در قالب عود سوز، شمعدان، دستگیره آفتابه و دیگر ظروف کار شده‌اند، کمک موثری در شناخت هویت و قدمت برخی از قفل‌های تصویری بوده‌اند. تزیینات روی برخی از قفل‌ها و یا نوشته‌های روی آن‌ها نیز در رابطه با اشیای دیگر اسلامی سرنخی به دست داده‌اند. به جز تعداد معدودی قفل سفارشی، قفل‌های ایران به طور عمده فاقد تاریخ و نام سازنده قفل هستند. در این مجموعه نام قفل‌ساز و تاریخ ساخت آن تنها برروی چند قفل حک شده است که همه متاخرند.
مشکل دیگر تعیین هویت، تشخیص مبدا است. تعیین مبدا قفل‌ها تا اواخر صفویه و قرن ۱۸ م مشکل چندانی نداشته و مبدا همه قفل‌ها ایران، و یا سرزمین‌های زیر نفوذ ایران است. اما از قرن هجدهم به بعد تعیین مبدا مشکل جدی به حساب می‌آید.
با گسترش مراودات تجاری بین ایران وکشورهای دیگر از اواخر قرن دوازدهم هجری، پای قفل‌های خارجی به ایران باز شد. این قفل‌ها نظر برخی قفل‌سازان را جلب کرده و آن‌ها را راغب به ساخت عین و یا شبیه‌شان می‌ساخت. از اواخر قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم قفل‌های زیادی را می‌توان یافت که مبدا آن‌ها ایرانی نیست اما درایران ساخته شده اند. به نظر می‌رسد که در این دوران قفل‌سازان علاوه بر قفل‌های اروپایی، به قفل‌های هندی و چینی نیز نگاه می‌کرده اند. با گسترش تجارت بین ایران، انگلیس، روسیه و سپس آلمان و کشورهای دیگر، پای قفل‌های آن‌ها به ایران باز شد، و برداشت از روی این قفل‌ها در اواخر قرن نوزدهم به اوج خود رسید تا جایی که گاه تمام جزییات قفل از جمله نوشته‌های خارجی روی آن را قفل‌سازان عینا تقلید می‌کردند بدون آن‌که از معنای این نوشته‌ها آگاه باشند. ناگفته نماند که گاه این تاثیرات دو جانبه بود و فرنگی‌ها به ویژه روس‌ها را به تقلید از قفل‌های ایرانی وا می‌داشت (ر. ک. به ص ۱۵۰).
برمبنای همین تاثیرات است که تشخیص مبنای برخی از قفل‌های پس از صفویه مشکل می‌شود و درصدی از خطا را در شناسایی آن‌ها ممکن می‌سازد.

۷۰- درب سنگی مقبره استر و مُردخای، همدان، ۴۸۶-۴۶۵ پ.م

قفل آویز در پیش از اسلام

چنان‌که پیشتر هم اشاره کردم، قفل آویز دست‌کم دوهزار سال پس از قفل ثابت اختراع شد. هر چند اختراع قفل آویز همه جا به رومی‌ها نسبت داده شده است، اما با شواهد موجود امکان دارد که در این اختراع ایرانیان هم سهمی داشته باشند.
دست‌کم چهار قفل آویز که قدمت همگی به دوران پیش از اسلام می‌رسد، در ایران پیدا شده است. یکی از این قفل‌ها (شماره ۴۱) از منطقه رودبار گیلان پیدا شده است. بنا به گفته **علی حاکمی** باستان‌شناس فقید، این قفل در سال ۱۳۴۵ هنگامی که وی سرپرستی یک گروه حفاری را داشته است از داخل یکی از مقابر رودبار در عمق یک و نیم‌متری زمین به‌دست آمده است. جنس این قفل -که اکنون در موزه ایران باستان می‌باشد - از آهن با ترکیبی از مس است و کلید آن ۱۶ سانتی‌متر طول دارد و از نوع کلید تخت فشاری است که با دستگاه فنرخاردار قفل مرتبط شده و پس از خواباندن فنر، دستگاه کمانه پهلویی را از بدنه قفل خارج می‌سازد. بر کمانه این قفل چهار میخ قلابدار آهنی بلند قرار گرفته که جزو قفل نیستند. این میخ قلاب‌ها نقش چفت را داشته و در بدنه قطور یک صندوق چوبی قرار می‌گرفته‌اند که در اثر پوسیدگی و از هم پاشیدن صندوق، درکمانه باقی مانده‌اند. عمر این قفل به کمک اشیای دیگری که درکنار آن پیدا شده است به قرن پنجم تا ششم میلادی می‌رسد اشیای

قفل‌سازی درایران پس از اسلام

آمدن اسلام به ایران اگر چه تحولات زیادی را به همراه آورد، اما یکباره روال زندگی روزانه را تغییر نداد. عاقلانه نیست که تصور شود پیدایش یک دین تازه، تغییراتی سریع در ابزار و وسایل زندگی روزمره یک ملت از جمله قفل و کلید آن‌ها ایجاد کند. باوجود این که هیچ نوشته و نشانه‌ای در زمینه قفل‌سازی ایران در اوایل اسلام و یا پیش از آن در دست نیست، اما یک اصل قابل ذکر است وآن این که اعرابی که بر ایران غلبه یافتند، مردمی چادرنشین بودند و معماری چندانی نداشتند و نمی‌توانسته اند چیزی به قفل‌سازی ایرانیان بیفزایند.
از طرفی آمدن اسلام به ایران هم نمی تواند مانعی در ادامه کار قفل‌سازان داشته باشد، بلکه به عکس باید در رواج کار آن‌ها اثر گذاشته باشد. زیرا اصولاً جنگ‌ها و انقلاب‌ها ناامنی در پی می‌آورد و نبود امنیت فرصت بیشتری به دزدان و سوءاستفاده‌گران می‌دهد و مردم به خاطر حفظ جان ومال شان به سراغ قفل و بست بیشتر و مطمئن‌تر می‌روند. پس اگر بگوییم که با آمدن اسلام قفل‌سازی ایران نه تنها از میان نرفت، بلکه به سبب نیاز جامعه رونق بیشتری نیز یافت، سخنی به اغراق نگفته‌ایم. اما چگونه می‌شود ثابت کرد؟ خوشبختانه در کتاب‌های مربوط به هنر ایران پس از اسلام چند نمونه انگشت شمار قفل و کلید از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) و پس ازآن چاپ شده است. آیا می‌توان باور کرد که در طول سیصد سال اول اسلام درایران قفلی تولید نمی‌شده است و از این قرن به بعد یکباره انواع قفل‌ها بدون سابقه پیشین ساخته شده است؟!
با وجود مشکلات فراوانی که برای تعیین قدمت قفل وجود دارد و در صفحات پیش به آن‌ها اشاره کردم، باید پلی بین قفل‌های پیش از اسلام (ساسانی) و قرن چهارم هجری وجود داشته باشد. دست‌کم چند قفل در مجموعه این کتاب هست که هم ویژگی قفل‌های ساسانی و هم دوران اسلامی را دارا می‌باشد و اگر به این چند قفل بر چسب ساسانی ـ اسلامی بزنیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. این قفل‌ها هم با قفل‌های هندسی زمان ساسانی مرتبط‌اند و هم برخی از ویژگی‌های هنر ساسانی را دارند. یکی از ویژگی‌های هنر ساسانی استفاده از شکل حیوانات در ظروف و دیگر وسایل روزمره است. در بسیاری از ظروف ساسانی از شکل حیوانات برای دسته و یا بدنه ظرف استفاده شده است. در این مجموعه چند قفل هست که دارای ویژگی‌های هنر ساسانی است. با این که قفل‌های تصویری شبیه حیوانات از پدیده‌های دوران اسلامی محسوب می‌شوند و چنان‌که در صفحات آینده خواهم گفت بیشترین توسعه را در پس از اسلام یافته‌اند، اما این قفل ها در جرگه قفل‌های تصویری اسلامی قرار نمی‌گیرد و با آن‌ها فاصله دارد.
چند قفل هم هست که در آن‌ها ویژگی‌های هنر دو دوران آمده است. این قفل‌ها به‌احتمال در قرون اولیه اسلام ساخته شده‌اند. زیرا هم ترکیب‌بندی قفل‌های هندسی دوران ساسانی را دارند و هم بعضی از ویژگی‌های قفل‌سازی عهد اسلامی را. یکی از این‌ها قفل شماره ۷۸ است. تزیینات روی بدنه قفل درشت و بیشتر به تزیینات دوران ساسانی می‌ماند و با کمانه پهلویی کار می‌کند. یکی دیگر از این قفل ها شبیه یک قوطی چهار پهلو است (شماره ۷۶). روی این قوطی نوارهای باریکی از جنس برنز لحیم شده و کمانه بلند آن به بدنه وصل و یک تکه ریخته شده است. این شکل را پیش از این هم در قفل‌های آهنی زمان ساسانی دیده بودیم (شماره ۷۳). در انتهای بدنه این قفل سوراخی است که باید مرتبط با دستگاه و ساز و کار قفل باشد. اگرچه دستگاه قفل از نوع فنر خاردار با کلید فشاری است، اما ممکن است این سوراخ مانعی برای ورود کلید باشد. قفل دیگری که ممکن است مربوط به قرون اولیه اسلام باشد، قفلی است مفرغی با سوراخ کلیدی شبیه قفل‌های امروزی (شماره ۷۷). دستگاه این قفل ازنوع فنر خارداراست که باکلید چرخان کار می کرده و نشان می‌دهد کلید چرخان (نافی) از دیر باز در ایران شناخته شده بوده است.(ر. ک. به ص ۲۸).
قفل مفرغی دیگری با ساز و کار قفل شماره ۷۷، اما کوچکتر در دست است (شماره ۷۹). قفل های دیگر (شماره‌های ۸۰ و ۸۱) شباهت زیادی به قفل‌های رمزی صفویه دارند(مانند قفل‌های ۶۲۶ و ۶۲۷)، اما بدنه آن‌ها متشکل از چند عدد چهار ضلعی است و برروی آن ها خطوط و تزیینات ابتدایی کنده‌کاری شده است. ساز و کار این دو قفل ا ز نوع فنر خاردار با کلید فشاری است. یک قفل کوچک مفرغی نقره کوب نیز از ادوار تیموری یا پیش از آن به جا مانده که تا کنون نظیر دیگری از آن دیده نشده است(شماره ۸۶).
قفل دیگر اوایل اسلام شماره ۸۲ است که بدنه‌ای چهار پهلو و قوطی مانند دارد و پوشیده از تزیین و نوشته است. چند کلید هم از دوره‌های اولیه اسلام به‌دست آمده است (شماره های ۹۳ تا ۹۷). لازم به یادآوری است که بیشتر قفل‌های اولیه اسلام بدون

مکشوفه همراه قفل شامل چند سکه، جام و ظروف دیگر است که از محتویات صندوق بوده است. کلید این قفل شباهتی به اجساد مومیایی و پیچده در پارچه دارد و خود قفل حشره‌ای بزرگ را به یاد می‌آورد.
غیر از این قفل، چهار قفل کمانه‌ای پیش از اسلامی دیگر نیز پیدا شده است که همگی از جنس آهن هستند. یکی از این قفل‌ها شباهت زیادی به قفل موزه ایران باستان دارد و به احتمال مربوط به همان منطقه و همان دوران است(شماره ۷۱). برکمانه قفل دیگر «میخ قلاب‌های» صندوق چوبی باقی مانده‌است (شماره ۷۲). قفل شماره ۷۳ که لوله‌ای شکل می‌باشد، با حلقه‌های برنجی مزین شده است. هر چهار قفل از جنس آهن و ساز و کار هر چهار نوع از فنرخاردار است. قفل شماره ۷۳ اگر چه از جنس مفرغ است، اما با شباهتی که به شماره ۷٤ دارد، باید در این گروه قرار گیرد. اگر این قفل‌ها با قفل‌های رومی که همزمان با آن‌ها ساخته شده‌اند، مقایسه شوند، برتری قفل‌های ساسانی ـ هم از نظر کارکرد و هم طرح ـ از دیده هیچ تیزبینی پنهان نمی‌ماند.
با این وجود، در هیچ یک از دایره المعارف و منابع مربوط به قفل اشاره‌ای به قفل ساسانی نشده است. یکی از دلایل این امر کشف متاخر این قفل‌ها است که تاکنون درجایی درج و عرضه نشده است. اما در مقابل این سوال که آیا پیش از ساسانیان، ایرانیان با قفل آویز آشنایی داشته‌اند یا خیر، باید گفت: اگر چه قفلی ازدوران پیش از ساسانی پیدا نشده است، اما وجود یک درب سنگی باستانی که ارتباطی با قفل آویز دارد، چنین افکاری را وسوسه می کند. این درب سنگی در مقبره **استرومردخای** در همدان کار گذاشته شده است. **استرومردخای** و داستان آن‌ها مربوط به زمان **خشایارشا هخامنشی** است. اما بنای مقبره بسیار متاخرترو مربوط به دوران سلجوقی است و از آن زمان به بعد هم بارها تخریب و دوباره سازی شده است. تنها قسمت دست نخورده بنا که گفته شده متعلق به عهد هخامنشی است، یک درب سنگی است که درزیر زمین آن کار گذاشته شده است و به مقبره باز می‌شود.(شماره ۷۰)
طرز قفل کردن این درب بسیار جالب و درنوع خود استثنایی است وآن به وسیله میله بلندی است که درسوراخ دیوار کار گذاشته شده است. برای قفل کردن در، باید دست را از سوراخی که در میانه‌ی آن کار گذاشته شده، داخل کرد و میله را از دیوار بیرون کشید و آن را روی چفتی که در دیوار مقابل قرار گرفته است، گذاشت. سپس قفل آویزی را که به همین منظور آماده شده است به داخل سوراخ چفت و میله برد و آن را قفل کرد. وجود میله کلفت آهنی در پشت درب، باز شدن آن را ناممکن می‌سازد (شماره ۷۰). شاید گفته شوَد قفل این درب از نوع کلون بوده است (چنان‌که پیشتر دیدیم، درکنار درب‌های کلون دار سوراخی برای وارد کردن دست وجود داشته است)؛ اما بر روی درب هیچ علامتی که محل نصب کلون باشد، وجود ندارد.
اگر چه قفل و میله آهنی درب سنگی مقبره **استرومردخای** هر دو متاخر است، چگونگی قفل وبست آن این گمان را که معمار مقبره و درب، روش قفل و بست آن را از ابتدا چنین طرح کرده است، ناممکن نمی‌سازد.



۷۱

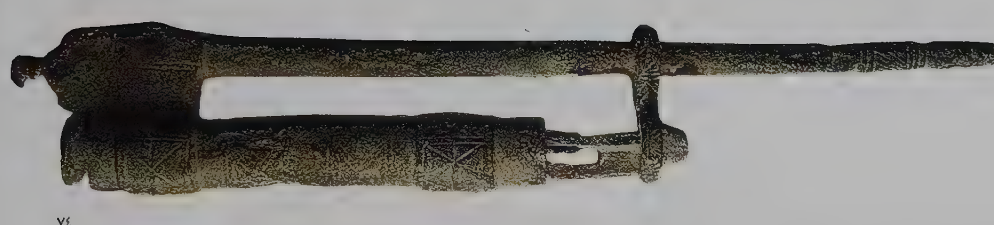
۷۲

کلید سر از خاک درآورده‌اند. بنابراین این چند کلید می‌توانند تنوع کلیدسازی را نشان دهند.
دو قفل تصویری هم از پیش از اسلام به دست آمده که از هر لحاظ قابل توجه است (شماره ۸۴ و ۸۵) در این دو قفل برتری صنعت و هنر قفل‌سازی زمان ساسانیان نسبت به سده‌های اولیه اسلام به خوبی محسوس است و جزییاتی که در آن‌ها کار شده، نشان می‌دهد که پیش از اسلام دقت و زمان بیشتری برای ساخت قفل مصرف می‌شده است و علاوه بر ریخته‌گری ماسه‌ای ـ که در صفحات آینده به آن خواهم پرداخت ـ از روش «موم سوخته شده» نیز استفاده می‌شده است.
یکی از این دو قفل یعنی شماره ۸۵ قفل کوچکی است به شکل شیر. با وجود آن‌که قفل‌های شیری شکل زیادی از دوران اسلامی به جا مانده است، اما این قفل تفاوت محسوسی با آن‌ها دارد. جزییاتی که در این قفل کار شده است در هیچ یک از قفل‌های اسلامی دیده نمی‌شود. از جمله این جزییات، عضلات صورت شیر و ران‌ها و پاهاست که بیشتر یاد آور هنر ساسانی است. حتا یال‌ها و پنجه‌های پا در این قفل کوچک با روش واقع‌گرا مشخص شده است، درست همان چیزی که در قفل‌های شیری عصر اسلامی به چشم نمی‌خورد.[۲۳]
قفل دوم(شماره ۸٤) از این قفل نیز عجیب‌تر است. بدنه این قفل مفرغی شبیه یک صندوقچه است. برروی این صندوقچه دو شیر رودرروی هم بر دو پای عقب ایستاده‌اند و پوز و پای جلوی آن‌ها کمانه‌وار به هم چسبیده است، به این ترتیب کمانه قفل را پدید آورده‌اند. ترکیب این دو شیر در هنر پیش از اسلام ایران، ترکیب شناخته شده و رایجی است و نمونه‌های آن در هنر هزاره اول (پ م) تا زمان ساسانیان دیده شده است.[٢٤] اما نقوش برجسته ای که در اطراف صندوقچه کارشده است، نقوش عادی نیست و تا اندازه‌ای عجیب می‌باشد. از جمله نقش گورخری در حال خیز که در طرفین بدنه قفل نقش شده است و یا دو نقش برجسته‌ای که در دو پهلوی دیگر صندوق قرار دارد، یکی سر یک قوچ شاخ برگشته و در طرف مقابل، ظرفی شبیه یک ستون قطور گلدان مانند هستند. از عجایب دیگر این که گورخرها و سرقوچ هر دو وارونه قرارگرفته‌اند و معلوم نیست قفل‌ساز با چه مقصد و هدفی این کار را انجام داده است و آیا رابطه ای بین شیرهای پیروزمند روی کمانه وگورخر و قوچ که به احتمال مغلوب شیرها شده‌اند هست یا خیر؟ ستونی که دریک پهلوی قفل نقش شده است حالت معبدی را دارد که برروی آن دو شیر پس از غلبه برشکارشان پیروزمندانه ایستاده‌اند. نکته دیگر این قفل زه‌وار بلند و برجسته‌ای است که روی آن نقش شده است. این گونه زه‌وارها به‌طور معمول در روی صندوق و درانتهای چفت دیده می‌شود. در این‌جا هم زه‌وار به زبانه بازشوی کمانه می‌پیوندد و بیشتر نقش تزیینی دارد و ملهم از صندوق‌های بزرگ است. موضوع دیگر این قفل دایره‌های کوچک تو درتو و تزیینی است که روی آن کار شده است. این دایره‌ها اگر چه دربرخی از ساخته‌های دوران پیش از اسلام به ویژه اشکانی هم آمده است، اما از مختصات و تزیینات دوران اسلامی است. برمبنای مجموعه ویژگی‌هایی که دراین قفل است، باید زمانی از دوره ساسانی ساخته شده باشد، زیرا نشانه هایی از هنر آن دوران را دارد.

۷۱- قفل و کلید آهنی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۶ - ۵ م،
طول: ۲۹، عرض: ۶ ، ارتفاع: ۵/۵ سانتی متر
۷۲- قفل آهنی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۶-۵ م،
طول: ۲۴، عرض: ۵/۶ سانتی‌متر (بدون قلاب‌ها)


۷۷
۷۹
۷۸
۸۱
۸۰
۸۳
۸۲


۷۳


۷٤


۷۵


۷٦

۷۳- قفل آهنی با تزیینات برنجی، دستگاه فنر خاردار،
قرن ۶-۵ م، طول: ۵/۲۰، عرض : ۴ سانتی‌متر
۷۴- قفل آهنی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۶-۵ م،
طول: ۳۰، عرض: ۵ سانتی‌متر
۷۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۷-۵ م،
طول: ۸، ارتفاع: ۸/۳ سانتی‌متر
۷۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۸-۷ م،
طول: ۵/۹، ارتفاع: ۳ سانتی‌متر
۷۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار و کلید چرخان،
قرن ۸-۶ م، طول: ۱۲، ارتفاع : ۵ سانتی‌متر
۷۸- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۱-۹ م،
طول: ۸، ارتفاع: ۵/۵ سانتی‌متر
۷۹- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار و کلید چرخان،
قرن ۱۳-۱۲ م، طول: ۳/۷، ارتفاع : ۵ سانتی‌متر
۸۰- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲-۱۰ م،
طول: ۷/۶، ارتفاع: ۷/۲ سانتی‌متر
۸۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۴-۱۳ م،
طول: ۸/۹ ارتفاع: ۵/۳ سانتی‌متر
۸۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۱-۱۱ م،
طول: ۷/۷، ارتفاع: ۲/۳ سانتی‌متر
۸۳- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۴-۱۲ م،
طول: ۷/۶، ارتفاع: ۵/۲ سانتی‌متر

انواع قفل در ایران



با شواهدی که دردست است، به راحتی می‌توان گفت که ازبین دو قفل ثابت و متحرک، ایرانیان قفل متحرک را برقفل ثابت ترجیح داده‌اند. این گفته اگر در مورد ایران پیش از اسلام قاطع نباشد، اما در مورد ایران پس از اسلام صدق کامل دارد، زیرا در مقابل صدها نمونه قفل متحرک تنها چند قفل ثابت از آن دوران به جا مانده است. تنها قفل ثابتی که در همه جا و بین همه مردم مصرف داشت «قفل کلون» و یا «کلون قفل» بود که از چوب ساخته می‌شد. این قفل‌ها را تنها بردر ورودی خانه‌ها کار می‌گذاشتند (صفحه ۲۶). بر بقیه درهای داخلی خانه، قفل متحرک یا آویز زده می‌شد. ساختمان این درها دولنگه بود و بر بالای آن چفت و زنجیری قرار داشت و قفل برآن نصب می‌شد. بر در ورودی برخی خانه‌ها نیز چفت و زنجیری قرار داشت و به قفل آویز زده می‌شد (شماره ۳۳). این درها نیز دو لنگه بود. دو لنگه و یا جفت بودن درب بی‌ارتباط با اعتقادات ایرانیان نیست که همه چیز را جفت و قرینه می‌ساختند و از تک‌سازی تا جای ممکن دوری می‌جستند.
مصرف قفل آویز نه تنها در خانه‌ها بلکه در دکان‌ها و سراها نیز رایج بود و حتا برای در صندوق و صندوقچه قفل آویز ارجح به‌نظر می‌رسید. در مقابل صدها قفل آویز چند نمونه قفل ثابت فلزی ـ که برای صندوق ساخته شده ـ به دست آمده است، که در زیر به آن‌ها خواهم پرداخت.



۸۹ الف

۸۹

قفل ثابت در دوره‌های پیش و پس از اسلام

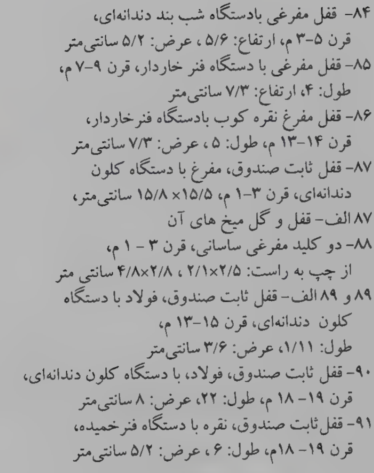
به‌جز کلون که شرح آن پیشتر رفت، تنها چهار قفل ثابت از دوره‌های مختلف اسلامی و پیش از آن پیدا شده است که هر چهار قفل متعلق به صندوق است. یکی از این چهار قفل مربوط به دوران پیش از اسلام است و تاریخ آن به قرن یک تا سه میلادی و اواخر سلسله اشکانیان می‌رسد. این قفل و گل میخ‌های آن (شماره ۸۷) از شمال ایران به دست آمده است. نمونه‌ای شبیه به دستگاه این قفل در موزه بریتانیا به شماره GR 1912.10. 212 نگهداری می‌شود که Roman (رومی) خوانده شده و تاریخ آن قرن اول تا سوم میلادی ذکر شده است. قفل موزه بریتانیا فاقد قسمت روکوب (ماهی شکل) است. اما شباهت زیادی به همتای ایرانی خود دارد و شباهت قفل ایرانی و رومی را در قرون پیش از اسلام تایید می‌کند و موید آگاهی هر دو کشور از صنعت قفل‌سازی می‌باشد. سه قفل دیگر مربوط به دوره‌های مختلف ایران پس از اسلام است. یکی از این سه (شماره ۸۹) قدیمی‌ترین قفل ثابت از دوران اسلامی است. این قفل از جنس فولاد و به شکل ماهی است و شباهت زیادی به سرمه دان‌های ماهی شکل دوران سلجوقی دارد و قابل توجه است که فلس‌های ماهی به شیوه قفل‌های اشکانی (که ذکر آن رفت) قلمزنی شده است (شماره۸۹). دستگاه این قفل نیز از نوع قفل‌های اولیه و بدون فنر و شبیه کلون‌های «شب بند دندانه‌ای» است (شماره۳۶).
قفل ثابت دیگری که پیدا شده است مربوط به اواخر دوران صفوی یا اندکی دیرتر است (شماره۹۰). در قسمت روکوب مشبک این قفل جزییاتی است که به کار اروپاییان می‌ماند و امکان دارد که از روی قفل‌های اروپایی ساخته شده باشد. (ر. ک. به ص ۱۵۰). از طرفی نشانه‌های دیگری از جمله پیچش اسلیمی‌ها، نوع فولاد و دستگاه فنرخمیده آن، از ایرانی بودن آن حکایت دارد. قفل ثابتی هم از جنس نقره به دست آمده است که باید کار قرن هجدهم و یا اوایل قرن نوزدهم میلادی باشد (شماره۹۱). این قفل کوچک بر روی در صندوقچه کوچکی از نوع صندوقچه‌هایی که برای لوازم آرایش جواهرات خانم‌ها استفاده می‌شده و یا صندوقچه‌های دخل، قرار می گرفته است (شماره ۱۲).



۹۱

۸۴- قفل مفرغی بادستگاه شب بند دندانه‌ای،
قرن ۵-۳ م، ارتفاع: ۵/۶ ، عرض: ۵/۲ سانتی‌متر
۸۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۹-۷ م،
طول: ۴، ارتفاع: ۷/۳ سانتی‌متر
۸۶- قفل مفرغ نقره کوب بادستگاه فنرخاردار،
قرن ۱۴-۱۳ م، طول: ۵ ، عرض: ۷/۳ سانتی‌متر
۸۷- قفل ثابت صندوق، مفرغ با دستگاه کلون
دندانه‌ای، قرن ۳-۱ م، ۱۵/۵× ۱۵/۸ سانتی‌متر،
۸۷ الف- قفل و گل میخ های آن
۸۸- دو کلید مفرغی ساسانی، قرن ۳ - ۱ م،
از چپ به راست: ۲/۵×۲/۱ ، ۲/۸×۴/۸ سانتی متر
۸۹ و ۸۹ الف- قفل ثابت صندوق، فولاد با دستگاه
کلون دندانه‌ای، قرن ۱۵-۱۳ م،
طول: ۱/۱۱، عرض: ۳/۶ سانتی‌متر
۹۰- قفل ثابت صندوق، فولاد، با دستگاه کلون دندانه‌ای،
قرن ۱۹ - ۱۸ م، طول: ۲۲، عرض: ۸ سانتی‌متر
۹۱- قفل ثابت صندوق، نقره با دستگاه فنرخمیده،
قرن ۱۹ - ۱۸م، طول: ۶ ، عرض: ۵/۲ سانتی‌متر


۸۷ الف
۸۷


۸٤


۸۵


۸۸




۸۶

که پس از قرن‌ها اجزای آن‌ها پراکنده و اغلب بدون کلید و کمانه یافت شده‌اند. لحیم بدنه این قفل‌ها نیز پس از قرن‌ها مدفون ماندن در زیر خاک، از هم باز شده و دو قسمت بدنه از هم جدا شده و بسیاری از آن‌ها به صورت نیمه پیدا شده اند .
موضوع قفل‌های تصویری و این که چرا این قفل‌ها با اشکال حیوانی و به صورت سه بعدی ساخته شده‌اند، نکته دیگری است. تحریم پیکره سازی در اسلام اگر صنف پیکره ساز را از میان برد، اما بقیه اصناف سه بعدی ساز را به این رشته متمایل ساخت. اصناف سه بعدی ساز که نیاز به شکل‌های طبیعی را در جامعه حس می کردند، بهترین موقعیت را برای توام ساختن این شکل‌ها در ساخته‌های خود داشتند و کسی هم مانع ایشان نبود.[۱] از این رو قفل‌ساز، چراغ ساز، کوزه گر و هرصنف دیگری که در ساختن شکل‌های سه بعدی دست داشت، به عمد از شکل حیوانات و گاه انسان در کار خود استفاده می کرد. این شکل‌ها به صورت ترکیب و تلفیق انجام می گرفتند. گاه دسته آفتابه یا تنگ را به شکل پرنده و یا حیوان می‌ساختند و گاه خود ظرف و یا محصول نهایی به شکل حیوان ساخته می‌شد. اگر گفته شود بخشی از خلا پیکرسازی ایران را این اصناف و از جمله قفل‌سازان آن دوران پر کرده‌اند، سخنی به اغراق گفته نشده است.
نکته دیگری که در کار قفل‌سازان و دیگر اصناف سه بعدی ساز این زمان تحسین برانگیز است، انتخاب مضمون است. مضامینی که این اصناف از جمله قفل‌سازان انتخاب می کردند، مضامین ریشه داری است که از روزگاران باستان مورد توجه ایرانیان بوده و در دوران اسلامی نیز تداوم یافته است و شرح معنا و مفهوم برخی از این مضامین می‌تواند کمک موثری در شناخت آثار این دوران داشته باشد. در غیر این صورت ممکن است تنها به ظاهر این ساخته‌ها بسنده شود و انتخاب آن‌ها برسبیل تصادف تلقی شود. از جمله این که وقتی قفل‌ساز در کار خود از شکل اسب و نه شتر استفاده کرده و یا به شکل شیر بازگشته است، امری تصادفی نبوده و نوعی هدف را در پی داشته است. متاسفانه دانش امروز ما از چگونگی اندیشه صنعتگران قرون اولیه اسلام و خواسته‌های آن‌ها بسیار نا چیز است و اگر در این زمینه زیاد اصرار کنیم یا باید از کلام و شعر مدد بگیریم و یا به آثار پیش از اسلام رجوع کنیم، که حتا در این صورت نیز نمی‌توانیم علل انتخاب همه حیوانات مورد نظر قفل‌سازان را به راحتی توجیه کنیم. اما به طور کلی می‌توانیم بگوییم که ایرانیان از آغاز تاریخ و حتا پیش از آن حیوانات و پرندگان را به هیات انسان ترجیح می‌دادند و این روال را دردوران اسلام هم‌چنان دنبال کردند، امری که درکار قفل‌سازان به خوبی مشهود است.

۹۲ و ۹۲ الف- اجزای قفل‌های قرون اولیه اسلام
۹۶-۹۳- کلیدهای مفرغی، قرن ۱۱- ۸ م، طول از چپ به راست: ۷، ۹، ۷/۸، ۵/۸ سانتی متر
۹۷- کلید مفرغی، قرن ۱۱- ۸ م، طول: ۱۵ سانتی متر




۹۲ الف

۹۲

قفل متحرک در دوران اولیه اسلام

تقریبا از همه دوره‌های تاریخ ایران اسلامی تعدادی قفل آویز به جا مانده است. تنوع این قفل‌ها به حدی است که باید آن‌ها را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد. از لحاظ تاریخی این قفل‌ها به دودسته تقسیم می‌شوند: دسته اول قفل‌های اوایل اسلام تا زمان صفویه، دسته دوم قفل‌های صفویه و پس از آن.

قفل‌های اوایل اسلام تا آغاز صفویه

در صفحه‌های پیش به قفل‌های قرون اولیه اسلام پرداختم، به جز این قفل‌ها، قفل‌های دیگری هم هستند که بیشتر جنبه تصویری دارند. قفل‌های تصویری قفل‌هایی هستند که به شکل حیوانات و پرندگان ساخته شده‌اند. دوران شکوفایی این قفل‌ها قرن چهارم تا نهم هجری(۱۰ تا ۱۵ م) است. با پیدایش نمونه‌های انگشت شمار قفل‌های تصویری اولیه، معلوم شد که این قفل‌ها زاده فرهنگ اسلامی نبوده و ریشه به تمدن ساسانی می‌برند، اما این که چگونه قفل‌های تصویری در قرون اولیه اسلام به نهایت باروری رسید و صاحب ویژگی‌های هنر اسلامی شد، بحثی است که باید به آن پرداخت.
اولین نمونه از قفل‌های تصویری اسلامی به قرن چهارم هجری می‌رسد. اما تولید آن‌ها در قرن پنجم تا هفتم که هم‌زمان با سلطه سلجوقیان است به مراتب افزایش می‌یابد به حدی که بزرگترین گروه از قفل‌های دوران اولیه اسلامی را تشکیل می‌دهند.
از نوع مصرف قفل‌های تصویری در دوران اولیه خبری دردست نیست. شاید بتوان گفت که مصرف آن‌ها مانند ادوار بعدی برای درب و صندوق بوده است. بدنه این قفل‌ها همه از دو قسمت مشابه ساخته شده اند. این دو قسمت هر چند شبیه به هم هستند، اما به جهت چپ و راست بودن، در دو قالب جدا از هم ریخته‌گری شده‌اند. ریخته‌گری این قفل‌ها به طریقه «ماسه‌ای» و در داخل درجه‌های برنجی شبیه درجه‌های امروزی انجام می‌گرفته است. پس از ریخته‌گری، سوهانکاری و قملزنی، دو قطعه بدنه به هم لحیم می‌شد و تشکیل بدنه قفل و یک حیوان کامل را می‌داد. کلید، قفل و کمانه نیز جداگانه ریخته‌گری می‌شد و پس از وصل و فنر بندی و آزمایش دستگاه، به بازار عرضه می‌گردید. به علت همین جدا بودن اجزای قفل‌های اسلامی است



۱۰۲



۱۰۱

۱ـ اسب‌های ایستاده و ثابت

این اسب‌ها که درحالت ثابت و ایستاده، ساخته شده‌اند خود چند شاخه هستند. تعدادی از آن‌ها هیکلی درشت و سروگردنی ستبر دارند و اسب‌های ساسانی را به یاد می‌آورند و ممکن است قدیم‌تر از بقیه نیز باشند. بر سر این اسب‌ها افسار بسته شده و روی بدن و گردن برخی از آن‌ها تزییناتی انجام گرفته است (شماره‌های ۹۸ تا ۱۰۰). پر نقش‌ترین آن‌ها نیمه قفلی است که روی پهلوی آن جمله «لااله الاالله» با خط کوفی زیبایی حک شده است(شماره۱۰۱). برخی از قفل‌های این دسته به‌طور کامل ساده و فاقد هرگونه تزیین هستند (شماره ۱۰۲).



۱۰۳

در بین اسب‌های ثابت و ایستاده چند مادیان وجود دارد. این اسب‌ها جثه و سرو گردنی ظریف‌تر نسبت به اسب‌های پیشین دارند و برخی از آن‌ها درحال به دنیا آوردن کره اسب هستند. بدن اغلب این اسب‌ها فاقد نقش است اما روی سرشان افسار حک شده است (شماره ۱۰۹). چند اسب در این دسته هستند که خود گروه کوچکی را تشکیل می‌دهند. این اسب‌ها با همان حالت اسب‌های پیشین ایستاده اند، اما هیکل کوچکتری نسبت به اسب‌های پیشین دارند و گوش‌های خود را به جلو تیز کرده‌اند و براق‌تر از اسب‌های پیشین می‌نمایند و به احتمال از نژاد دیگری هستند (شماره‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷).



۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷



۹۸

اسب

از حیواناتی که بیش از بقیه توجه قفل‌سازان را به خود جلب کرده، اسب است. این حیوان از ابتدای تاریخ و حتا پیش از آن مورد علاقه ایرانیان بوده است. صنایعی که ایرانیان از دیرباز در ارتباط با اسب تولید کرده‌اند بهترین معرف علاقه آنان به این حیوان است.[۲۵] در دوره‌های اسلامی نیز اسب به بهترین شکل توصیف و تصویر شده است و قفل‌سازان از وجود آن بیشترین بهره را برده‌اند و آن‌ها را به هیات‌های مختلف ساخته‌اند. قفل‌های اسبی هم‌چنین متنوع‌ترین قفل‌های تصویری هستند و انواع و اقسامی از آن‌ها پیدا شده است که دست کم به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۹۸- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۶/۳، ارتفاع: ۸/۵ سانتی‌متر

۹۹ - قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۶، ارتفاع: ۵/۵ سانتی‌متر

۱۰۰- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۳/۶، ارتفاع: ۷/۵ سانتی‌متر

۱۰۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۸/۵، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر

۱۰۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۷، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر

۱۰۳- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ـ۹ م،
طول: ۶، ارتفاع: ۶/۴

۱۰۷-۱۰۴- چهارقفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۲ـ۱۰ م، ارتفاع و طول از چپ به راست: ۵×۵، ۵/۵×۵، ۶/۳×۵/۲ و ۴/۸×۴/۵ سانتی‌متر



۱۰۰



۹۹

۳ـ اسب‌های در حال تاخت

این اسب‌ها از بسیاری لحاظ با اسب‌های پیشین فرق دارند. سر و گردن و پاهای این اسب‌ها لاغرتر و بدن آن‌ها کشیده‌تر است و اسب عربی را به یاد می‌آورند (شماره‌های ۱۱۶ تا ۱۲٤). این اسب‌ها در حال چهار نعل و یورتمه هستند. در بین این‌ها شماره ۱۲۲ درنهایت ظرافت تزیین شده و شماره ۱۲٤ که بزرگترین اسب‌های این گروه است، ساده و فاقد هر گونه زینت است. بیشتر اسب‌های این گروه دارای زین کوچکی هستند اما افسار ندارند. نکته قابل توجه دیگر این اسب‌ها، محل دخول کلید است که روی سینه آن‌ها قرار گرفته و اغلب به صورت گرد و برجسته ساخته شده است. اگرچه کلید هیچ یک از آن‌ها پیدا نشده، اما دستگاه فنر خاردارشان نشان می‌دهد که باید با کلیدی از نوع شماره ۹۵ که خود شبیه سراسب است، بوده باشد.

یک گروه دیگر از اسب‌های متحرک نیز وجود دارد که از بسیاری جهات با اسب‌هایی که ذکر آن‌ها رفت تفاوت دارند. هیکل این اسب‌ها مانند اسب‌های متحرک پیشین لاغر و باریک است و هیچ گونه تزیینی ندارند. نکته جالب دیگر این اسب‌ها محل کلید خور آن‌هاست که روی پهلوی اسب قرار گرفته و باریکی آن نشان می‌دهد که کلید ظریفی به آن می‌خورده است. با بدن لاغری که این اسب‌ها دارند، دستگاه و فنربندی قفل‌ها نیز باید بسیار ظریف بوده باشد (شماره‌های ۱۲۸ تا ۱۳۲). این اسب‌ها باید کار قرن ٦ تا ۸ هجری باشند

۱۰۸- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م، طول: ۶/۴، ارتفاع: ۵/۴ سانتی‌متر

۱۰۹- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م، طول: ۳/۴، ارتفاع: ۶/۳ سانتی‌متر

۱۱۴-۱۱۰- پنج قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵-۱۴ م، ارتفاع و طول از بالا به پایین ۳/۴×۸/۳، ۴/۱×۳/۷ و ۴/۳×۳/۸، ۴/۳×۳/۹، ۴/۲×۳/۷ سانتی‌متر

۱۱۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱م، طول: ۷/۴، ارتفاع: ۲/۴ سانتی‌متر

۱۱۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳-۱۱ م، طول: ۷، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر

۱۱۹-۱۱۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱م، ارتفاع و طول از چپ به راست ۶/۵×۴/۸، ۴/۶×۶/۴ و ۴/۲×۶/۲ سانتی‌متر





۲ـ اسب‌های ثابت زیندار

این اسب‌ها نیز ثابت و درحالت ایستاده انّد اما تفاوت‌هایی با اسب‌های پیشین دارند. روی هم رفته کوتاه و کوچک به‌نظر می‌رسند، بدن آن‌ها سنگین و پاهایشان کوتاه است و اسب‌های کردی را به یاد می‌آورند و ممکن است محصول غرب و یا جنوب ایران باشند. این اسب‌ها همه زین دارند (شماره‌های ۱۰۸تا ۱۱۴). برخی از آن‌ها ساده و برخی منقش به دایره‌های خالداراند. دستگاه این قفل‌ها از نوع فنرخاردار باکلید گردان است و سوراخ کلید در پهلوی اسب کار گذاشته شده است. تنها یک قفل با دستگاه فنرخاردار و کلید فشاری ورود از سینه اسب دیده شده است (شماره۱۱۵). این اسب‌ها باید متاخرتر از بقیه و به احتمال کار قرون ۱۳ تا ۱۶ میلادی باشند.



۱۲۴- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م،
طول: ۷/۳ ، ارتفاع: ۸/۳ سانتی‌متر

۱۲۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م،
طول: ۷/۵ ، ارتفاع: ۵/۵ سانتی‌متر

۱۲۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م،
طول: ۷/۳، ارتفاع: ۵/۵ سانتی‌متر

۱۲۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م،
طول: ۶/۷ ، ارتفاع: ۴/۵ سانتی‌متر

۱۳۲ -۱۲۸- پنج قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۳-۱۱ م، ارتفاع و طول از سمت چپ،
بالا: ۴/۸×۴/۲ و ۴/۵×۴/۱، وسط: ۵/۳×۸/۳، ۴/۱×۴/۸،
پایین ۶/۴×۲/۴ سانتی‌متر



۱۲۲ - ۱۲۰- سه قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ـ ۱۱ م، ارتفاع و طول از چپ به راست: ۳/۸×۵/۵، ۴×۵ و ۳/۶×۵/۸ سانتی‌متر

۱۲۳- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۱ م، طول ۷/۸، ارتفاع ۵/۵ سانتی‌متر



۱۳۶



۱۳۵

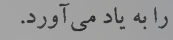
۳ـ شیرهای نشسته

دو قفل شیری نیز پیدا شده است که درحالت نشسته‌اند (شماره‌های ۱۵۱ و ۱۵۲). این دو شیر فاقد کوهان هستند. یکی از آن‌ها اندک یالی دارد(شماره ۱۵۱). بر بدن هر دوی آن‌ها تزیینات درشت نقش دیده می‌شود. حالت این دو شیر سرستون‌های تخت جمشید را به یاد می‌آورد، با این تفاوت که آن‌ها گاوند.

٤ـ شیر چاق، پاکوتاه وماده شیر

دو قفل شیری دیگری هم پیدا شده است که متفاوت با گروه‌های پیش‌گفته شده هستند. یکی از این دو شیر (شماره ۱۵۳) با هیکلی بزرگ و چاق بر روی پاهایی کوتاه ایستاده است. یال‌های شیر از طریق یک لایه بر جسته که تمامی سر، سینه و گردن شیر را فراگرفته، مشخص شده و روی یال‌ها، ران‌ها و قسمت‌هایی از پا به دوایر ریزخالدار منقش شده است. این شیر همگون شیرهایی است که از دوران صفویه به بعد مورد استفاده قفل‌سازان قرار گرفت و انواع آن نیز در این کتاب آمده است (شماره ۲٦٤ تا ۲٦۷).

قفل شیری قابل توجه دیگر، شماره ۱٥٤ است. این قفل تنها قفلی است که موضوع آن شیر ماده است و نه شیر نر. در همه قفل‌های شیری کوشش برای نشان دادن شیر نر از طریق یال‌های وی انجام گرفته است و اگر یال شیر نشان داده نشده، گردن حیوان کلفت و ستبر ساخته شده است، حال آن‌که گردن این شیر ظریف است، اما حالت آن، هم‌چنان شیر (و یا پلنگ) ماده‌ای را به یاد می‌آورد.





۱۳۸

۱۳۷



۱۳۳

شیر

حیوان دیگری که نظر قفل‌سازان را به طرف خود جلب کرده، شیر است. برخی از بهترین قفل‌های قرون اولیه اسلامی را شیر تشکیل می‌دهد و چنان‌که در صفحه ۵۵ گفته شد، شکل شیر، چه در پیش از اسلام و چه پس از آن مورد نظر قفل‌سازان بوده است و قدیمی‌ترین قفل تصویری موجود قفل شیر است (شماره ۸۵). از همین رو سخنی چند درباره شیر و معنا و مفهوم آن درفرهنگ ایران بجاست.

شیر درفرهنگ ایران سلطان وحوش است و قدرتی مافوق بقیه جانوران دارد. علاقه ایرانیان به این حیوان باعث شده است که بسیاری از صفات پسندیده از قبیل شجاعتٌ، سخاوت، بردباری و اعتماد را وصف حال شیر کنند و از روزگار کهن شیر را نگهبان ایزدان، معابد و گورهایشان سازند.[۲۶] در زندگی روزانه و ابزارها و وسایل نیز شیر نقش مهمی داشته است. استفاده از شکل شیر در خانه‌ها و چادرها روی کوبه درها و قفل صندوق‌ها همه به منزله نگهبانی قدرتمند و قابل اعتماد بر این مکان‌هاست. قفل‌های شیری اوایل اسلام (به استثنای قفل شماره ۸۵که به هنر ساسانی می گراید) به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۱۳۳- قفل مفرغی با دستگاه فنرخاردار،
قرن ۱۲ـ ۱۱ م، طول: ۶ ، ارتفاع: ۴/۷ سانتی‌متر
۱۳۴- قفل مفرغی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول: ۷، ارتفاع: ۵/۳ سانتی‌متر
۱۳۵- قفل مفرغی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول: ۶ ، ارتفاع: ۲/۴ سانتی‌متر
۱۳۶- قفل مفرغی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول: ۷/۶ ، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر
۱۳۷- قفل‌مفرغی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول: ۵/۱۲ ، ارتفاع:۵/۵ سانتی‌متر (باکلید)
۱۳۸- قفل مفرغی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول: ۶ ، ارتفاع: ۳/۴ سانتی‌متر

۱ـ شیر بایال کوهان مانند

این شیرها در حالت ایستاده اند و قوی و با ابهت می‌نمایند. یال برخی با امواج مدور مشخص شده است (شماره ۱۳۳) و برخی بی‌یال هستند (شماره ۱۳٤). در بالای گردن و پشت سر هر دو دسته برجستگی کوهان مانندی وجود دارد که به احتمال یال حیوان است، شاید یال نوعی شیر خراسانی که نسل آن منقرض شده است. بدن برخی مزین و برخی بی‌نقش است. جزییات صورت این شیرها به خوبی مشخص شده و دهان همگی آن‌ها باز است. در بین این دسته از شیرها قفل شماره ۱۳۷ ابهت خاصی دارد و از بقیه بزرگتر و خوش تراش‌تر می‌نماید و در حال به‌دنیا آوردن توله‌ای است. عجیب این که سر آن بیشتر به اسب می‌ماند تا شیر و با وجود قدمت هزار ساله همه اجزا آن از جمله کلیدش، سالم باقی مانده است. ساز و کار همه این شیرها از نوع فنر خاردار با کلیدفشاری از جلو است.

۱۳٤

۲ ـ شیرهای کم یال

این شیرها با جثه ای کوچکتر ساخته شده اند. اندام آن‌ها نسبت به شیرهایی که گفته شد نرمتر و گردتر است و فاقد کوهان و هر گونه تزیین‌اند (شماره‌های ۱٤۳ تا ۱٤۹). تنها روی گردن شماره ۱٤۹ نقوشی یال مانند حک شده است و گفتنی است که دستگاه این قفل شیری از نوع فنر مارپیچی با کلید از پشت است که البته دستگاه آن از میان رفته است. شیرهای این گروه، شیرهای سنگی مقابر آذربایجان، فارس و بختیاری را به یاد می‌آورند[۲۷] و ممکن است کارغرب ایران باشند.

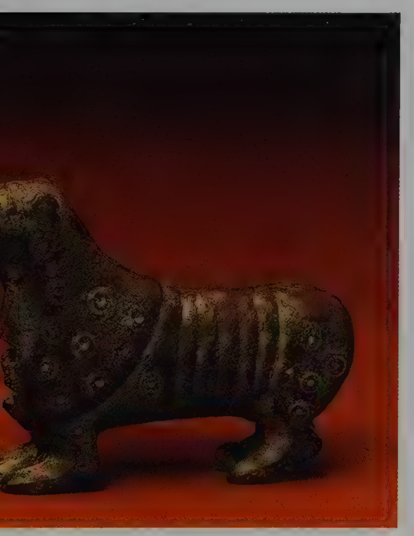
۱۳۹- قفل مفرغی بادستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول: ۶ ، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر
۱۴۰- قفل مفرغی بادستگاه فنرخاردار، قرن ۱۲ـ ۱۱ م،
طول:۲/۶ ، ارتفاع: ۴سانتی‌متر
۱۴۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول: ۵ ، ارتفاع: ۵/۳ سانتی‌متر
۱۴۲- شیر سنگی، قرن ۱۹ م، ۳۳ × ۱۳۶ × ۸۴ سانتی‌متر
۱۴۴ -۱۴۳- دو قفل مفرغی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۵ـ ۱۴، ارتفاع و طول از چپ به راست ۴×۲/۵ و
۸/۳×۸/۴ سانتی‌متر
۱۴۸ - ۱۴۵- چهار قفل مفرغی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۵ـ۱۴، ارتفاع و طول هر یک ۷/۴×۶/۳ سانتی‌متر
۱۴۹- قفل مفرغی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول: ۷/۵ ، ارتفاع: ۶/۵ سانتی‌متر
۱۵۰- قفل مفرغی با دستگاه فنر مارپیچ ، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول: ۳/۴، ارتفاع: ۴/۳ سانتی‌متر
۱۵۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۳/۸ ، ارتفاع: ۵/۴ سانتی‌متر
۱۵۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۸/۷ ، ارتفاع: ۷/۴ سانتی‌متر
۱۵۳- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۴ ـ ۱۳ م،
طول: ۵/۵ ، ارتفاع: ۴ سانتی‌متر
۱۵۴- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۳/۵ ، ارتفاع: ۵/۴ سانتی‌متر



۱۵۰ ۱۴۹



۱۵۱ ۱۵۳ ۱۵٤



۱۵۲


١٤٠
١٣٩
١٤١
١٤٢
١٤٥
١٤٦
١٤٧
١٤٨
١٤٤
١٤٣



۱۵۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۱ ـ ۱۰ م،
طول: ۵ ، ارتفاع: ۸/۳ سانتی‌متر

۱۵۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول: ۷/۶ ، ارتفاع: ۳/۴ سانتی‌متر

۱۵۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول: ۵ ، ارتفاع: ۴ سانتی‌متر

۱۶۱ - ۱۵۸- چهار قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۳ـ۱۱ م، ارتفاع و طول از چپ به راست،
بالا: ۸/۴×۸/۳ ، ۵/۴×۵/۳ وسط: ۷/۴×۴ ،
پایین: ۸×۴ سانتی‌متر

۱۶۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۵ ، ارتفاع: ۵/۴ سانتی‌متر

۱۶۳- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول: ۱/۴، ارتفاع: ۱/۳ سانتی متر

۱۶۶- ۱۶۴- سه قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵ـ
۱۴ م، ارتفاع و طول هر یک: ۴/۱×۳ سانتی‌متر

گاو و گاومیش

گاو و گاومیش در هنرهای باستانی ایران به ویژه در منطقه «املش» از مضامین مهم بوده اما در هنر اسلامی به عمومیت چندانی نرسیده است. این که قفل‌سازان به این دو حیوان به ویژه به گاومیش توجه کرده و انواع مختلفی از آن را ساخته‌اند، درخور توجه است.

در مقابل چندین قفل گاومیش تنها یک قفل با شکل گاو پیدا شده است. این قفل، حالات گاو به ویژه سر و پوزه حیوان را بسیار طبیعی نشان می‌دهد و بر دو پهلوی گاو کلمه «الله» حک شده است (شماره ۱۵۵).

قفل‌های گاومیشی به دو گروه تقسیم می‌شوند. در هر دو گروه هیکل گاومیش با شاخ‌ها و کوهان بلند مشخص شده است. تنها فرق این دو دسته ابعاد آن‌هاست. دسته اول (شماره‌های ۱۵۶ تا ۱۶۲) بزرگتر و دارای هیکلی درشت‌تر و خطوطی نرم‌تر هستند. قدیم‌ترین قفل این دسته شماره ۱۵۶ است که ممکن است مربوط به اوایل اسلام و یا حتا پیش از آن باشد. در چشمان این قفل یاقوت قرمز ریزی کار گذاشته شده و بر ران‌هایش ستاره‌ای کوچک حک شده است. قفل‌های دیگر که تناسبات مشابهی با این قفل دارند شماره‌های ۱۵۷ تا ۱۵۹هستند. اما این‌ها در قرون بعدی ساخته شده‌اند و روی بدن این قفل‌ها هیچ گونه تزیینی انجام نگرفته است.

دسته دوم گاومیش‌های کوچک‌اند و هیات هندسی تری دارند. اندام و حتا اجزای صورت این دسته، صاف و بی‌تزیین است (شماره‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶). دستگاه این قفل‌ها از نوع فنر خاردار با کلید چرخان و در پهلوی قفل است، حال آن که دستگاه گاومیش‌های بزرگتر از نوع فنر خاردار با کلید فشاری از جلو است.

۱۵۵



۱۵۶





۱۷۰ ۱۶۹ ۱۶۸



۱۷۱

۳. بز کوهی. چند قفل با هیات بز نیز آمده است که از هر لحاظ با هم تفاوت دارند. تعیین اهلی و یا وحشی بودن این بزها کار آسانی نیست؛ اما در اصل هنرمندان ایرانی به نوع وحشی بز توجه بیشتر داشته‌اند.
زیباترین این بزها بدون شک شماره ۱۷۱ است. در ساختمان بدن این بز که از خطوط و سطوح هندسی شکل گرفته است، چنان استادی به کار رفته که هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌دارد. بر این سطوح، نقوشی منظم و متناسب حک شده است. رنگ فلز نیز که به مشکی گراییده به زیبایی این قفل افزوده است. بی‌شک این قفل یکی از شاهکارهای قفل‌سازی قرون اولیه اسلام است.
قفل دیگر شماره ۱۷۲ است که در نهایت سادگی ساخته شده و فاقد هر نوع تزیین است. تمامی سطح این قفل زیر زنگار (Oxidation) قطوری فرو رفته است. با این وجود از زیر این زنگار رگه‌هایی که به‌احتمال به قصد نشان دادن موی بدن بز بوده، دیده می‌شود. این قفل نیز ممکن است مربوط به عهد ساسانی و یا قرون اولیه اسلام باشد.
سه بز دیگر شماره‌های ۱۷۳ تا ۱۷۵ هستند که در قرون اولیه اسلام ساخته شده‌اند. هیچ یک از سه قفل زیر دو طرفه نیستند و تنها یک طرف‌شان پیدا شده است (ر. ک به ص ٥٤).

٤. خرگوش. حیوان دیگری که مورد نظر قفل‌سازان بوده، خرگوش است. تعداد بسیاری قفل خرگوشی دوره‌های مختلف اسلامی پیدا شده است که همگی کوچک‌اند. در این قفل‌ها هیأت خرگوش با گوش‌های بلند و پوزه تیز و پاهای کوتاه در جلو و پاهای بلند در عقب به خوبی مشخص شده است (شماره‌های ۱۷۶ تا ۱۸۱). همه آن‌ها ساده و بی‌نقش‌اند و دستگاه آن‌ها از نوع فنر خاردار با کلید چرخان از پهلو است.

حیوانات شکار

حیوانات شکار از دیرباز مورد توجه هنرمندان اصناف مختلف بود و شکل آن‌ها در بسیاری از نقاشی‌ها و ظروف نقش شده است. سهم قفل‌سازان در تجسم حیوانات شکار نیز درخور توجه است. تقریبا همه حیوانات شکار از قبیل آهو، گوزن، کل، بز کوهی و خرگوش در قالب قفل ساخته شده است.

۱. آهو. دو قفل کوچک ۱٦۷ و ۱٦۸ دو بچه آهو را نشان می‌دهد. حالت این بچه آهوان با گوش‌های بلند و حالت تیز و دهان نیمه باز هر مجسمه سازی را به تحسین وا می‌دارد.

۲. گوزن، کل و قوچ کوهی. یک قفل حیوانی با شاخ کنگره‌دار که ممکن است گوزن باشد، درخور توجه است (شماره ۱٦۹). قفل شماره ۱۷۰ یک کل یا قوچ کوهی است با شاخ‌های بلند برگشته. همگون این قفل (شماره ۲۸۲) کار قرون بعدی است که از هر لحاظ شبیه قفل ۱۷۰ است؛ فقط ساز و کار و محل کلید آن تغییر کرده است.

۱۶۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۴، ارتفاع: ۳/۳ سانتی‌متر
۱۶۸- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۴، ارتفاع: ۵/۳ سانتی‌متر
۱۶۹- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۵، ارتفاع: ۳/۴ سانتی‌متر
۱۷۰- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۴/۴، ارتفاع: ۴ سانتی‌متر
۱۷۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول: ۵/۴، ارتفاع: ۳/۴ سانتی‌متر



۱۶۷



۱۸۲

حیوانات دیگر

قفل‌سازان اوایل اسلامی به جز اسب، گاو، گاومیش و بز به دیگر حیوانات اهلی توجه زیادی نکرده‌اند. در این مجموعه چند قفل هست که بیش از هر حیوانی به سگ می‌ماند (شماره‌های ۱۸۲ تا ۱۸۵) اگر چه سگ نزد مسلمانان ناپاک قلمداد می‌شود، اما در صحنه‌های شکار از تصویر او استفاده شده است.

اگر این حیوانات گوش داشتند کار تشخیص آن‌ها آسانتر می‌شد. معلوم نیست نداشتن گوش آن‌ها عمدی بوده یا غرض قفل‌ساز حیوان گوش بریده دیگری بوده است و یا منظور دیگری جز این‌ها داشته است. به هر ترتیب این حیوانات که سر را بالا و دهان را باز کرده‌اند، پارس کردن سگ را به یاد می‌آورند. همگی این گروه ساده و بی‌نقش‌اند و دستگاه آن‌ها از نوع فنر خاردار با کلید چرخان از پهلو است.

حیوان دیگری که هویت آن مشخص نشده، شماره ۱۸٦ است. این قفل بیش از هر حیوان دیگری به گوسفند می‌ماند، به‌خصوص که در محل دُم آن برجستگی بزرگی شبیه دنبه گوسفند دیده می‌شود.



۱۸٦ ۱۸۵ ۱۸٤ ۱۸۳



۱۷۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۱ ـ ۱۰ م،
طول : ۲/۵، ارتفاع : ۹/۴ سانتی‌متر
۱۷۵ -۱۷۳- سه قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۳ـ۱۱ م، ارتفاع و طول، بالا : ۳/۵×۵/۳ ،
پایین چپ: ۷/۴×۵/۵، راست : ۵/۴×۵ سانتی‌متر
۱۷۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول : ۶/۳، ارتفاع : ۳/۴ سانتی‌متر
۱۸۱- ۱۷۷- پنج قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۵ ـ ۱۴ م، ارتفاع و طول از چپ به راست،
بالا : ۲/۴×۵/۲ ، ۲/۴×۱/۳
پایین : ۴×۴/۳ ، ۴×۵/۳ و ۴×۷/۳ سانتی‌متر
۱۸۲- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۵ ـ ۱۴ م،
طول: ۵/۴ ، ارتفاع : ۳/۳ سانتی‌متر
۱۸۵- ۱۸۳- سه قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۵ ـ ۱۴ م، ارتفاع و طول از چپ به راست:
۵/۴×۶/۳ ، ۵/۴×۵/۳ و ۵/۴×۵/۳ سانتی متر
۱۸۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۳ ـ ۱۲ م،
طول: ۸/۴ ، ارتفاع : ۶/۳ سانتی‌متر

۱۸۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول: ۴، ارتفاع : ۸/۳ سانتی‌متر

۱۸۸- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول : ۱/۴، ارتفاع : ۲/۳ سانتی‌متر

۱۸۹- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۲ ـ ۱۱ م،
طول : ۴، ارتفاع : ۴ سانتی‌متر

۱۹۰- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷ م،
طول : ۳/۶ ، ارتفاع : ۵/۳ سانتی‌متر

۱۹۱- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷ م،
طول : ۳/۴، ارتفاع : ۵/۳ سانتی‌متر

۱۹۴-۱۹۲- سه قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ ـ ۱۷ م، ارتفاع و طول از چپ به
راست : ۴×۲/۳ ، ۴×۵/۴ و ۴×۳/۴ سانتی‌متر

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۴

۱۹۳

۱۹۲

۱۹۱

پرنده


۱۸۷

شکل پرنده که از زمان صفویه به بعد جزو موضوع‌های دلخواه قفل‌سازان شد، در اوایل اسلام موضوعی محدود بود. به جز چند پرنده کوچک از قرون اولیه اسلام، پرندگان زیادی به دست نیامده، حال آن که از قرون میانه اسلام پرندگان بیشتری پیدا شده است.

پرندگان اولیه شماره‌های ۱۸۷ تا ۱۹۰ بیشتر به کبوتر می‌مانند. روی بال دو تا از این کبوترها با خطوط چپ و راست شطرنجی شده و نقشی را در مقابل بدن ساده آن به وجود آورده است. کبوتر دیگر (شماره ۱۸۸) علاوه بر نقش بال نقشی هم روی گردن دارد و باید کبوتر طوقی باشد.

چند قفل پرنده دیگر از قرون میانه اسلام پیدا شده است که تناسبات و حالاتی مختلف با کبوترهای بالا دارند. این‌ها بدنی کشیده‌تر و پاهای کوتاهتر و نوکی بلند دارند و برخی دارای کاکل هستند (شماره‌های ۱۹۱ و ۱۹٤). این قفل‌ها بیشتر به مرغابی و اردک می‌مانند. دستگاه این‌ها نیز از نوع فنر خاردار با کلید چرخان از پهلو است.

۱۸۸



۱۹۵- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ ـ ۸ م،
طول : ۵/۹، ارتفاع : ۴ سانتی‌متر
۱۹۶- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۰ ـ ۸ م،
طول : ۵/۹، ارتفاع : ۵/۴ سانتی‌متر
۱۹۷- قفل مفرغی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۶ ـ ۱۴ م،
طول : ۸/۷، ارتفاع : ۴ سانتی‌متر





ماهی

تنها دو قفل ماهی شکل از دوران اولیه اسلامی به دست آمده است که از هر لحاظ درخور توجه است. یکی از نکات جالب و پیشرفته این دو قفل محل کلید خور آن‌هاست که مانند قفل‌های امروزی برای آن‌ها دریوشی متحرک در نظر گرفته شده است. (شماره‌های ۱۹۵ و ۱۹۶).

نکته دیگر ساختمان این ماهی‌هاست. ماهی را به قفل در آوردن و بر آن کمانه گذاشتن کار آسانی نیست زیرا کمانه در حیوانات دیگر نقش دم را ایفا می کند، اما در ماهی چگونه باید باشد؟ چگونگی قرار گرفتن کمانه در این دوماهی نه تنها تصنعی و ناشیانه نیست بلکه طبیعی هم می‌نماید زیرا انتهای کمانه به صورت قلابی در آمده که از دهان ماهی خارج شده است. قفل سومی نیز وجود دارد که چند قرن متاخر تر از دو قفل بالا است. بر پشت این قفل که شکل ماهی بلند و باریک است، پرنده کوچکی نشسته و از طریق آن (کمانه گیر) ایجاد شده است (شماره ۱۹۷). این قفل باید کار دوران میانی اسلام حدود قرن ۸ تا ۱۰ هجری باشد.

انواع قفل در دوران صفویه و پس از آن

با تحولاتی که شرح داده شد، قفل‌سازی در عهد صفویه و پس از آن به نهایت بارووری رسید و بیش از پیش توسعه یافت. افزون بر مضامین پیشین که به طور طبیعی به قفل‌سازان به ارث رسیده بود، مضامین دیگری به آن‌ها اضافه شد و ساز و کار قفل نیز تکامل و تنوع بیشتری یافته و پیچیده‌تر شد(ر. ک. به ص ۲۷ تا ۴۱). به علت همین تنوع زیاد، رده بندی کردن قفل‌های عهد صفوی و پس از آن کار آسانی نیست.
در یک رده‌بندی کلی قفل‌های صفوی و پس از آن را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد یکی قفل‌های تصویری و دیگر قفل‌های هندسی. هر یک از این دو دسته بزرگ خود به چند شاخه کوچکتر تقسیم می‌شوند.

قفل‌های تصویری فولادی

قفل‌های تصویری عهد صفوی و پس از آن تداوم همان قفل‌های تصویری دوره‌های اولیه و میانی اسلامی است. با این تفاوت که در عهد صفوی و پس از آن به مراتب متنوع‌تر شده است. از جمله گروهی از جنس فولاد ساخته شده‌اند که پیشتر رایج نبود.



۱۹۸

یکی از مضامین تصویری که فولادسازان صفوی به آن توجه زیادی کردند، شیر است. درباره اهمیت شیر و نقشی که در فرهنگ باستانی ایران داشته است در صفحه ۶۲ به اختصار سخن گفتم. دنباله سخن را که مربوط به صفوی‌ها می‌شود، در این‌جا می‌آورم.
با روی کار آمدن صفوی‌ها و رسمی شدن مذهب شیعه نقش شیر بیش از پیش اهمیت یافت و به صورت نماد ملی و مذهبی درآمد. صفوی‌ها برای پیشبرد مقاصدشان در یکپارچه کردن ملک و ملت و قوام بخشیدن به آن از نیروی لایزال مذهب مدد می‌گرفتند. از جمله نقش شیر را که ایرانیان از دیرباز به آن انس داشتند به تکایا، امامزاده‌ها و گورستان‌ها بردند و آن را نماد **حضرت علی** (ع) قرار دادند و آن حضرت را در شجاعت و شهامت «شیر خدا» دانسته [۳۲] و مردان خود را به پیروی از آن حضرت به «شیرمردی» تشویق می‌کردند. سهم قفل‌سازان عهد صفوی در ساختن قفل‌های شیری فولادی بسیار با اهمیت است و این نه به لحاظ کمیت، بلکه کیفیت آن‌هاست. چند قفل شیری فولادی از زمان صفویه به جا مانده که شماره‌های ۱۹۸ تا ۲۰۳ از آن جمله‌اند.


۱۹۹

قفل‌سازی از دوران صفویه به بعد

با روی کارآمدن سلسله صفویه تغییرات همه جانبه‌ای در اوضاع کشور پدید آمد. یکپارچه شدن ایران وگسترش مذهب شیعه موجب تحولاتی در برخی از مسایل فرهنگی و هنری شد. تبلیغ و گسترش مذهب شیعه نیاز به اماکن مقدس، مسجد، تکیه و امامزاده بیشتر داشت. از این رو مساجد و تکایای بیشتر ساخته شد و نوسازی و مرمت امامزاده‌ها توسعه یافت. صنعتگرانی که کارشان به اماکن مقدس مربوط می‌شد، بیش از دیگران مورد توجه قرار می‌گرفتند و سفارش کار دریافت می‌کردند و این وضع کم و بیش شامل همه اصناف می‌شد. اما برخی از صنعتگران ارتباط مستقیم تری با مذهب و باورهای آن داشتند. از جمله این صنعتگران عَلَم‌سازان و قفل‌سازان بودند. صنعت اولی در این‌جا شامل بحث ما نمی‌شود، اما در مورد صنعت دوم یعنی قفل‌سازی در صفحات ۱۵ تا ۱۹ توضیحات لازم را داده‌ام.
اتفاق دیگر زمان صفوی که به قفل مربوط می‌شود، بازشدن پای سیاحان اروپایی به ایران است. این سیاحان اگرچه با اهداف سیاسی و اقتصادی به ایران سفر می‌کردند، اما از مبادله کالاهای مختلف و خرید و فروش آن نیز غافل نبودند. آن‌ها با آوردن کالاهایی سبک وزن و کمیاب، هم نظر شاه و زعمای قوم را جلب می‌کردند و بهانه‌ای برای رفت و آمد با آنان می‌یافتند و هم از فروش این کالاها سود قابلی به دست می‌آوردند. تاثیری که این کالاها در کار هنرمندان اصناف مختلف به‌جا گذاشت، کم نبود. چنین بود که واژه «فرنگی سازی» که به معنای تقلید از فرآورده‌های فرنگی است از همان آغاز دوران صفویه متداول شد. فرآورده‌های غربی از نقاشی روغنی گرفته تا کار چوب و فلز از این زمان به بعد مورد بهره برداری بود و چنان‌که خواهیم دید در کار قفل‌سازان نیز موثر واقع شد و عکس آن یعنی اثرات قفل‌سازی ایران در قفل‌های غربی نیز وجود داشت که به آن نیز خواهم پرداخت.
با آن‌که سیاحان غربی در مورد برخی صَنایع ما به تفصیل سخن گفته‌اند، اشاره چندانی به قفل‌سازی نکرده‌اند. در این مورد **شاردن** که در سال‌های ۷۰-۱۶۶۵ میلادی در ایران بود چند خطی نوشته است که بیشتر جنبه منفی دارد. وی می‌گوید: «ایرانیان هیچ گونه قفل آهنین ندارند. کلیدان‌های [قفل‌های] این مملکت چوبین و آچارها [کلیدها] نیز از چوب است»[28] وی سپس به شرح کلون‌های چوبی پرداخته است. ممکن است گفته شود **شاردن** به امامزاده‌ها و مساجد که زیباترین قفل‌های فولادی، طلا و نقره برضریح و در آن‌ها بوده است، راه نداشته اما غیر از این‌ها، قفل‌های زیادی از دوران صفویه باقی مانده که به در دولابچه‌ها، اشکاف‌ها و صندوق‌ها زده می‌شده است. حال چگونه این قفل‌ها از دیده **شاردن** پنهان مانده است، معلوم نیست.
در عوض سیاحانی که در قرن نوزدهم از ایران دیدن کردند، اشارت تحسین‌انگیزی به قفل‌های دست ساز داشته اند. یکی از این سیاحان **دالمانی** است که به انواع قفل‌ها و از جمله قفل‌های رمزی و قفل‌های شکل حیوانات اشاره کرده است.[29] **کرزن** نیز به قفل بزرگی که بر حرم **امام رضا** (ع) بوده است، اشاره می‌کند.[30]
عامل دیگری که در متحول کردن قفل‌سازی صفوی اثر داشت فولاد بود. این کالا که تا پیش از صفویه فلزی کمیاب و گرانبها محسوب می‌شد، با کوشش شاهان صفوی وفور بیشتری یافت و علاوه بر منابع داخلی از خارج وارد می‌شد.[31] حتا برخی پادشاهان از طریق سفیران خود فولاد را به منزله هدیه‌ای شاهانه به دربار ایران می‌فرستادند. از این مصالح برای ساخت درب، ضریح، عَلَم، اسلحه، قفل و غیره استفاده می‌شد. قفل فولادی مانند دیگر ابزارهای فولادی از ارزش والاتری برخوردار بود، زیرا اول این که شکل دادن به این فلز سخت، کار هر کسی نبود و به مهارت و استادی نیاز داشت و دوم این که هر قفل فولادی یک اثر «منحصر به فرد» بود و برخلاف قفل‌های برنجی که از هر قالب آن صدها نمونه ریخته می‌شد، از هر قفل فولادی تنها یک نمونه ساخته می‌شد و این البته در قیمت آن نیز اثر می‌گذاشت و قفل فولادی را به مراتب گرانتر از قفل برنجی می‌کرد. با همه این مشکلات قفل‌های فولادی زیادی که از زمان صفویه به جا مانده حاکی از تقاضای زیاد برای این نوع قفل می‌باشد.
علاوه بر فولاد ماده دیگری که مورد توجه قفل‌سازان دوران صفویه قرار گرفت، برنج بود. برنج آلیاژی متفاوت با مفرغ و برنز است و حاصل آن فلزی زرد رنگ است که در اثر صیقل و پرداخت طلایی می‌نماید. قفل‌های برنجی زیادی از زمان صفویه به بعد در دست است که به آن‌ها نیز اشاره خواهم کرد.

۱۹۸- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۶ ـ ۱۵ م، طول : ۵/۷، ارتفاع : ۱۰سانتی‌متر
۱۹۹- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۶ ـ ۱۵ م، طول : ۵/۸ ، ارتفاع : ۱/۵ سانتی‌متر


٢٠٣
٢٠٢
٢٠٦
٢٠٥
٢٠٤
٢٠٨
٢٠٧

قفل‌های شیری صفویه شباهت زیادی به شیرهای سنگی دارند که روی گور پهلوانان کار می‌گذاشتند. برگردن این قفل‌ها نیز چون شیرهای سنگی گردنبندی دیده می‌شود که به منزله نزدیکی بیشتر با شیر و دست آموز بودن اوست.[۳۳] علاوه بر شیر، قفل‌های فولادی با هیات پلنگ وجود دارند. این قفل‌ها تناسباتی متفاوت با قفل‌های شیری دارند. هیکل آن‌ها درشت‌تر و سرشان کوچکتر است و فاقد گردنبند اند و روی بدن آن‌ها با نقش خال خال و راه راه طلاکوب (بیشتر برنج کوب) شده است (شماره های ٢٠٤ تا ٢١٠). قفل شماره ٢١١ اگرچه هیکل و تزیینات بقیه قفل‌های پلنگی را دارد، اما سر برگشته آن، قفل شماره ٢٧٨ را ـ که بز است ـ به یاد می‌آورد.

اسب نیز از مضامین مورد نظر قفل‌سازان این دوران است. تعداد بسیاری اسب فولادی از اواخر زمان صفویه به جا مانده است که همگی تزیینات برنج کوب دارند و یال‌های اسب و یراق آلات این حیوان را مجسم می‌سازند. (شماره‌های ٢١٣ و ٢١٨).

۲۰۰

۲۰۰- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۶
۸/۱۳، ارتفاع : ۸ سانتی‌متر (باکلید)

۲۰۱- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷
۱۲، ارتفاع : ۶ سانتی‌متر (باکلید)

۲۰۲- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷
۶ ، ارتفاع : ۵ سانتی‌متر (بدون کلید)

۲۰۳- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷
۷/۶ ، ارتفاع : ۷/۴ سانتی‌متر

۲۰۴- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸
طول : ۵/۵ ، ارتفاع : ۲/۵ سانتی‌متر

۲۰۵- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸
طول : ۷، ارتفاع : ۶/۵ سانتی‌متر

۲۰۶- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸
طول : ۳/۶ ، ارتفاع : ۳/۵ سانتی‌متر

۲۰۸ - ۲۰۷- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول ، چپ : ۵×۶ سانتی‌متر،
راست : ۸/۴×۶ سانتی‌متر



۲۰۱


٢١٣
٢١٦
٢١٥
٢١٤
٢١٨
٢١٧



۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۰ - ۲۰۹- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول ، بالا : ۲/۴×۵ سانتی‌متر،
پایین : ۲/۳×۳/۳ سانتی‌متر

۲۱۱- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول : ۷/۴ سانتی‌متر، ارتفاع : ۳/۵ سانتی‌متر (با کلید)

۲۱۲- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول : ۵/۵ سانتی‌متر، ارتفاع : ۶/۵ سانتی‌متر

۲۱۳- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول : ۳/۷ سانتی‌متر، ارتفاع : ۵/۶ سانتی‌متر (با کلید)

۲۱۶ - ۲۱۴- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول از چپ به راست :
۳/۵×۳/۵ ، ۶/۵×۳/۵ و ۱/۵×۶/۵ سانتی‌متر

۲۱۸ - ۲۱۷- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول ، چپ : ۹×۸/۵ سانتی‌متر
(با کلید)، راست : ۸/۵×۲/۷ سانتی‌متر



٢٢٢

٢٢٤

٢٢٣

٢٢٥

٢٢١

٢٢٠

٢٢٦

٢٢٨

٢٢٧



پرنده فولادی

موضوع دیگری که نظر قفل‌سازان فولاد کار را جلب کرده، پرنده است. این گروه بدون شک گسترده‌ترین و متنوع‌ترین قفل‌های تصویری فولادی را تشکیل می‌دهند و خود به چند گروه تقسیم می‌شود. اولین گروه که زیباترین آن‌ها نیز هست، پرندگان بالدارند. این پرندگان بیشتر کار شیراز اند و یاد مرغان و بلبلان شیراز را که در نقاشی شیراز و قالیچه‌های فارس جای ویژه‌ای دارند، در خاطر زنده می‌کنند.

جثه این پرندگان از جثه بقیه قفل‌های حیوانی درشت‌تر است و در حدود جثه طبیعی یک بلبل یا قناری است (شماره‌های ۲۱۹ تا ۲۳۰). همه آن‌ها دو بال دارند که در زیر یکی از بال‌ها سوراخ کلید پنهان است و تا بال باز نشود، دسترسی به محل ورود کلید میسر نمی‌شود. (ر. ک. به ص ۴۰)

گروه دیگری از قفل‌های پرنده به اندازه و تناسب همان قفل‌های بالدار و گاهی هم کوچکتر ساخته شده‌اند، اما فاقد بال هستند (شماره‌های ۲۳۲ و ۲۳۸). یکی از این قفل‌ها دارای بال است اما نه مانند قفل‌های بالدار پیشین که بال‌ها جدا از بدن است. در ادامه سطح بدن ساخته شده است (شماره ۲۳۲). بیشتر این قفل‌ها دارای پا و برخی فاقد آن هستند (شماره ۲۳۷). گروهی از قفل‌های پرنده، دو سر دارند و در نتیجه فاقد دم می‌باشند (شماره ۲۳۹). این قفل‌ها همگی فاقد پا هستند.

۲۱۹– قفل فولادی با دو دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول: ۶/۵، ارتفاع: ۴/۷ سانتی‌متر

۲۲۱ – ۲۲۰– دو قفل فولادی هر یک با دو دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ۱۷ م، طول، چپ: ۵/۷، ارتفاع: ۶، طول، راست: ۷/۹، ارتفاع: ۶ سانتی‌متر

۲۲۵ – ۲۲۲– چهار قفل فولادی هر یک با دو دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول از چپ به راست، بالا: ۷×۵/۱۱ (با کلید)، ۶×۳/۷ سانتی‌متر، پایین: ۲/۶×۵/۷ و ۵/۶×۱۰ سانتی‌متر

۲۲۶– قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۸–۱۷ م، طول: ۷، ارتفاع: ۵ سانتی‌متر

۲۲۷– قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول: ۷، ارتفاع: ۴/۷ سانتی‌متر

۲۲۸– قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول: ۹، ارتفاع: ۷/۸ سانتی‌متر



۲۳۰ – ۲۲۹- دو قفل فولادی هر یک با دو دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول، چپ : ۶×۸ سانتی‌متر (با کلید)، راست : ۵/۷×۵/۱۲ سانتی‌متر (با کلید)
۲۳۱- قفل فولادی با دو دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ ، قرن ۱۷ م، طول : ۷ ، ارتفاع : ۴ سانتی‌متر (با کلید)
۲۳۲- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول : ۸/۶ ، ارتفاع : ۹ سانتی‌متر
۲۳۳- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده و فنر مارپیچ ، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول : ۷/۶ ، ارتفاع : ۵/۵ سانتی‌متر
۲۳۷ – ۲۳۴- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، ارتفاع و طول از چپ به راست، بالا: ۱/۷×۳/۶ ، ۱/۸×۸/۶ ،
پایین: ۱/۶× ۵ و ۵×۴/۶ سانتی‌متر
۲۳۸- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول : ۶ ، ارتفاع : ۷/۴ سانتی‌متر
۲۴۰ – ۲۳۹- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، ارتفاع و طول ؛ چپ : ۸/۵× ۳/۷، راست : ۲/۴×۶ سانتی‌متر






۲۳۱
۲۳۰
۲۲۹
۲۳۲
۲۳۳


٢٤٥
٢٤٣
٢٤٤
٢٤٧
٢٤٩
٢٤٨
٢٤٦
٢٥٠

شتر و بز فولادی

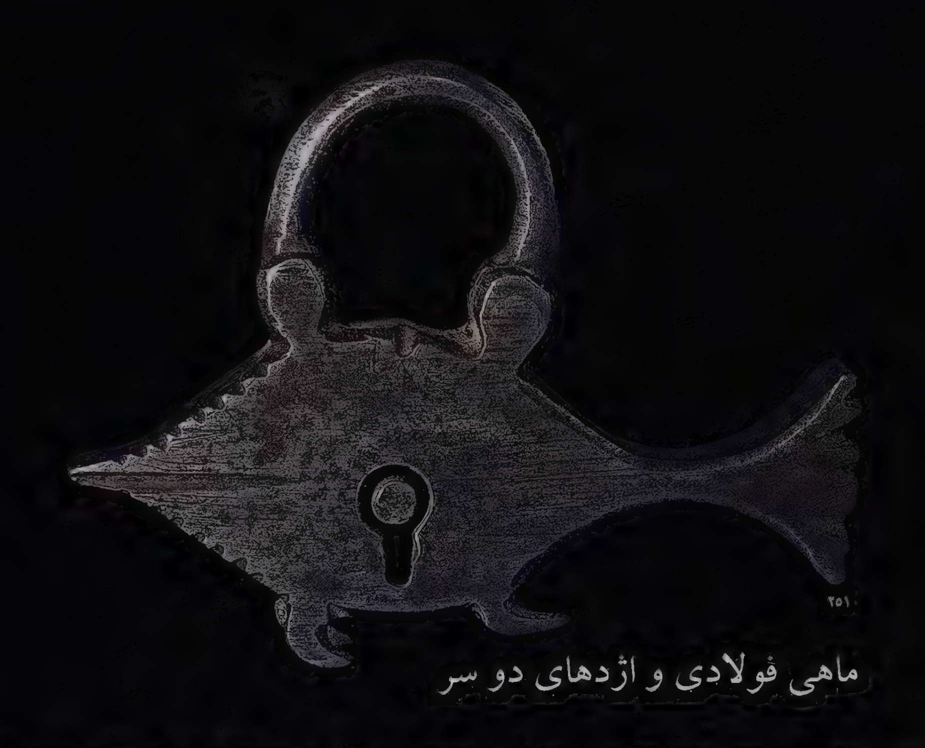
حیوان دیگری که مورد توجه قفل‌سازان فولاد کار بوده، شتر و یا بز است. موضوع این دسته از قفل‌های تصویری که گروه به نسبت جامعی را تشکیل می‌دهند، به وضوح روشن نیست، گاه شتر را تداعی می‌کنند و گاه بز را. هیکل همه آن‌ها درشت و پاهای آن‌ها کوتاه است. برخی دارای شاخی بلند و دندانه دار و گردنی کشیده‌اند و به بز می‌مانند (شماره ۲۴۱) و برخی گردنی خمیده و پوزه‌ای بلند و آویخته دارند و شتر را به یاد می‌آورند (شماره ۲۵۰).

۲۴۱- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹-۱۸ م،
طول: ۱/۵ ، ارتفاع: ۷ سانتی متر
۲۴۲- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده ، قرن ۱۹ـ ۱۸ م،
طول:۳/۷ ، ارتفاع : ۴/۵ سانتی‌متر
۲۴۵ - ۲۴۳- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ ۱۸ م، ارتفاع و طول از چپ به راست:
۸/۶×۲/۷ ، ۵×۶/۵ و ۵×۷ سانتی‌متر
۲۴۹ - ۲۴۶- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ ۱۸ م، ارتفاع و طول، بالا : ۶×۸/۶ ، پایین،
از چپ به راست: ۶×۷ ، ۶×۵/۶ و ۵/۶×۳/۵ سانتی‌متر
۲۵۰- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م،
طول: ۷/۵ ، ارتفاع: ۶/۴ سانتی‌متر


۲۴۲



٢٥٣
٢٥٥
٢٥٤
٢٥٦
٢٥٧
٢٥٨
٢٥٩
٢٦٠



۲۵۱

ماهی فولادی و اژدهای دو سر

ماهی نیز در قفل‌های فولادی از قلم نیفتاده و نمونه‌هایی از آن به دست قفل‌سازان ساخته شده است (شماره‌های ۲۵۱ و ۲۵۸). ابعاد و تناسبات این ماهی‌ها با ماهی‌های اوایل اسلامی (شماره‌های ۱۹۵ و ۱۹۶) و حتا ماهی‌های برنجی (شماره ۲۸۹) متغایر و از سادگی خاصی برخوردار است. و بالاخره باید از یک گروه کوچک قفل فولادی تصویری با موضوع اژدهای دو سر نام برد. (شماره های ۲۵۹ و ۲۶۰).

۲۵۱- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول: ۵/۵ ، ارتفاع : ۴/۲ سانتی‌متر

۲۵۲- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول: ۵/۳ ، ارتفاع : ۳/۷ سانتی‌متر

۲۵۳-۲۵۵- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م، ارتفاع و طول از چپ به راست: ۴×۵/۴ ، ۴×۵/۳ و ۳/۴×۴/۸ سانتی‌متر

۲۵۶-۲۵۸- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م، ارتفاع و طول از چپ به راست: ۴×۵/۶ ، ۴/۱×۶/۱ و ۳/۱ × ۴/۷ سانتی‌متر

۲۵۹- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول: ۶/۵ ، ارتفاع : ۴/۵ سانتی‌متر

۲۶۰- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م، طول: ۵ ، ارتفاع: ۴ سانتی‌متر



۲۵۴





شیر برنجی

قفل‌های شیر برنجی دوران صفوی و پس از آن را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. شیرهای بزرگ یال‌دار. تناسبات این شیرها بیش از بقیه شیرها است و با جزییات بیشتری ساخته شده‌اند. اجزای صورت و یال‌های آن‌ها با ظرافت قلمزنی شده و دهانشان باز است و پاها را به علامت خیز به جلو داده‌اند (شماره ۲۶۱). از این گروه تنها دو نمونه پیدا شده است که هر دو بزرگ هستند.

۲. شیرهای یال‌دار پاکوتاه. این شیرها همان حالت شیرهای پیشین را دارند، با این فرق که پاهای آن‌ها به مراتب کوتاهتر است به حدی که ممکن است سگ‌های پاکوتاه را به یاد بیاورند، حال آن‌که به نشانه یال‌های زیادی که دارند، (شماره‌های ۲۶۲ تا ۲۶۷) این شیرها همگی کوچک اند. یک شیر برنجی با ابعاد متوسط و ویژگی‌های شیرهای بزرگ و شیرهای پاکوتاه نیز پیدا شده است (شماره ۲۶۲). هم این شیر و هم شیرهای برنجی نظیر آن دنباله شیر شماره ۱۵۳ هستند که چند قرن پیش از این‌ها ساخته شده است.

۳. شیرهای برنجی ملهم از شیرهای سنگی. این شیرها شباهت زیادی به شیرهای سنگی مقابر فارس و بختیاری دارند. مقایسه برخی از شیرها با شیرهای سنگی خالی از لطف نیست (ن. ک. به عکس ۱۴۲ و قفل ۱۴۱). در میان این شیرها شماره ۲۶۹ از همه جالبتر است زیرا تنها شیری است که در حال حرکت است و پاها قرینه نیستند.

شیر شماره ٦٠٤ کوچکترین شیر برنجی است. این قفل در حقیقت در زمره قفل‌های طلسمی محسوب می‌شود، زیرا روی بدن آن نوشته‌ها و اعدادی دعاگونه دیده می‌شود.

علاوه بر نمونه‌های بالا، دو قفل عجیب هم پیدا شده است که با بقیه قفل‌ها فرق دارد. موضوع این قفل‌ها (شماره‌های ۲۷۰ تا ۲۷۱) یک آدم شیرسوار است که قرنی پس از دوران صفوی ساخته شده است. شیری که مردی بر آن سوار شده است شبیه شیرهای سنگی و از جمله شیر شماره ۱۴۱ است. حالت سوار نیز عجیب است. او بر پشت شیر ننشسته، بلکه بر گردن حیوان سوار است و یک دست را بالا برده است. بلندی این دست و حالت تیز شدن آن ممکن است تصور شمشیر باشد، به خصوص که بر پشت سوار سپری هم بسته شده است. اما در دست دیگر سوار شیئی متحرک و قفل گونه دیده می‌شود. عین همین قفل بر درپوشی که سوراخ کلید را پوشانده، کار گذاشته شده است. برای بازکردن این درپوش ابتدا باید مرغان دوسری را که در طرفین شیر پیچ شده‌اند از بدن شیر بیرون آورد، سپس درپوش را خارج کرده و ورود کلید را میسر ساخت.

٤. قفل‌های کله شیری. در گروهی از قفل‌های شیری برنجی به سرشیر اکتفا شده است (شماره های ۲۷۲ و ۲۷۳). این گونه قفل‌ها در کشورهای دیگر نیز ساخته شده، زیرا شیر در نزد بیشتر ملل نشان اطمینان است. به همین جهت شاید تصور شود که قفل‌هایی با موضوع کله شیر از قفل‌های غربی تقلید شده است به ویژه که نمونه‌های پیدا شده، متاخر اند. اما وجود کوبه‌هایی به شکل سرشیر از دوران سلجوقی (عکس ٥)، سکه‌های مسین معروف به فلوس با سر شیر از عهد صفوی و نکات مشترک آن‌ها با قفل‌های کله شیری، تصور تقلیدی بودن آن‌ها را از حقیقت دور می کند.

۲۶۱- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول: ۹، ارتفاع: ۶ سانتی‌متر
۲۶۲- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول: ۶/۵، ارتفاع: ۴ سانتی‌متر
۲۶۳- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹-۱۸م، طول: ۳/۳، ارتفاع: ۴/۵ سانتی‌متر

قفل‌های تصویری برنجی

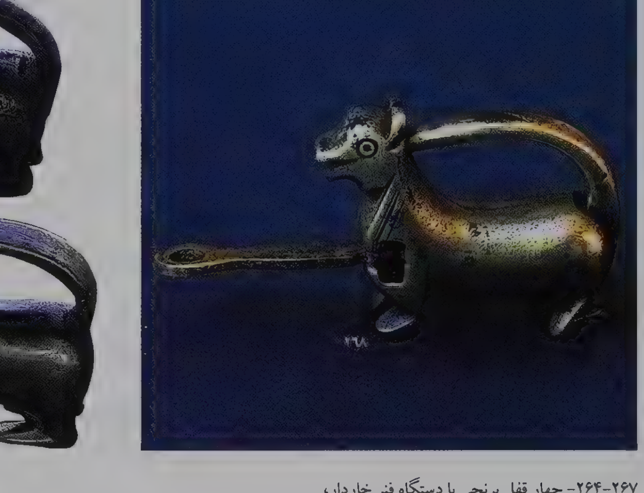
شمار بسیاری از قفل‌های تصویری از جنس برنج ریخته‌گی است. چنان که پیشتر آمد، این آلیاژ در زمان صفویه مورد توجه بسیاری از صنعتگران از جمله قفل‌سازان قرار گرفت. قفل‌های برنجی زیادی از دوران صفویه به بعد باقی مانده که برخی تصویری و برخی هندسی اند. بزرگترین گروه از قفل‌های تصویری برنجی قفل‌های شیری است که از دیرباز محبوب ایرانیان بوده است.





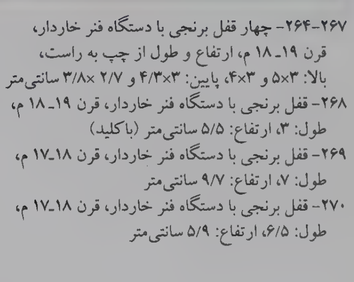












۲۶۷-۲۶۴- چهار قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۹ـ ۱۸ م، ارتفاع و طول از چپ به راست،
بالا: ۳×۵ و ۳×۴، پایین: ۳×۴/۳ و ۲/۷ ×۳/۸ سانتی‌متر

۲۶۸- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹ـ ۱۸ م،
طول: ۳، ارتفاع: ۵/۵ سانتی‌متر (با کلید)

۲۶۹- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول: ۷، ارتفاع: ۹/۷ سانتی‌متر

۲۷۰- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول: ۶/۵، ارتفاع: ۵/۹ سانتی‌متر



۲۷۱- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸-۱۷ م،
طول : ۵/۸، ارتفاع : ۵/۵ سانتی‌متر
۲۷۳-۲۷۲- دو قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ م، ارتفاع و طول هر دو: ۵/۷×۳/۶ سانتی‌متر



۲۷۸

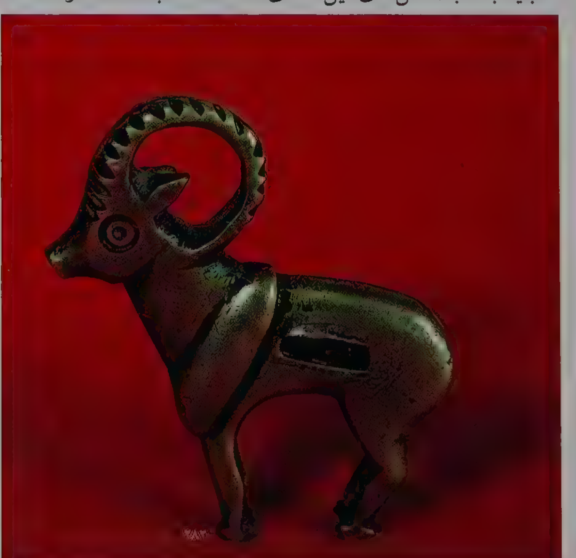
۲۸۰

۲۷۹

۲۸۱

بز و قوچ کوهی، فیل برنجی

چند قفل برنجی به شکل آهو و یا بزی که سرش را به عقب گردانده، پیدا شده است (شماره های ۲۷۸ تا ۲۸۱). این قفل‌ها، قفل شماره ۲۸۰ را که نمونه قدیم‌تر آن‌هاست به یاد می‌آورد. یک قوچ برنجی شبیه قوچ شماره ۱۷۰ نیز به دست آمده است که دست کم دویست سالی پس از آن قفل ساخته شده است (شماره ۲۸۲). اما همه ویژگی‌های آن را دارد. یک قفل برنجی هم به شکل فیل از دوره قاجار پیدا شده که باید به دنبال قفل‌های فیل هندی ساخته شده باشد (شماره ۲۸۳).





۲۸۳

۲۷۶

۲۷۴

۲۷۵

اسب برنجی

اسب‌های برنجی دوران صفوی و پس از آن همان حالت اسب‌های فولادی را دارند و اغلب به یک شکل و حالت‌اند. پاهای جلو را به پیش رانده و قلمزنی مختصری در بخش یال‌ها و افسارشان انجام گرفته است (شماره های ۲۷٤ تا ۲۷٦). قفل شماره ۱۰۲ شکل و حالت بقیه اسب‌ها را دارد. اما ساز و کار آن از نوع فنر خمیده با کلید چرخان است.



۲۷۷

۲۷۶-۲۷۴- سه قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۹ م، ارتفاع و طول، چپ: ۵×۴/۷ ، بالا راست : ۴/۵×۴/۵ ، پایین: ۵/۵×۵ سانتی‌متر

۲۷۷- قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م،
طول: ۵/۳ ، ارتفاع: ۴/۵ سانتی‌متر

۲۷۸- قفل برنجی بادستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ م،
طول : ۵/۳، ارتفاع: ٤/٥ سانتی‌متر (باکلید)

۲۸۱-۲۷۹- سه قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، ارتفاع و طول، بالا:٤/٧×٤/١ ،
چپ: ٥/٥×٤/٥ (با کلید)، راست: ٤/٢×٤/٥ سانتی‌متر

۲۸۲- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول: ٤/٥، ارتفاع: ٤ سانتی‌متر

۲۸۳- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹ م،
طول: ٤/١، ارتفاع: ٥/١ سانتی‌متر

۲۸۵-۲۸٤- دو قفل برنجی، سمت راست برنج و فولاد، با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸ م، ارتفاع و طول ، چپ: ۲/۵×۳/٤، راست: ٤×۲/٤ سانتی‌متر (با کلید)

۲۸٦- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹ م، طول: ۲/٤، ارتفاع: ٤ سانتی‌متر

۲۸۷- قفل برنج و فولاد با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول: ۲/۵، عرض: ۲/۵ ، عمق: ۳/٤ سانتی‌متر

۲۸۸- قفل برنج و فولاد با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول: ۷، عرض: ۸/۷ (با کلید)



۲۸۷



۲۸۸

پرنده برنجی



پرندگان برنجی دوران صفوی و پس از آن ساختمانی به‌طور کامل متفاوت با پرندگان فولادی این دوران و یا دوره‌های پیش از آن دارند. گروهی از این پرندگان با دم کوتاه، نوک بلند و پنجه‌های به‌هم چسبیده شبیه اردک هستند. اما نکته‌ای که آن‌ها را متفاوت از بقیه می کند، کمانه‌شان است که جدا از بدنه و در کنار پهلو کار گذاشته شده است (شماره های ۲۸٤ و ۲۸۵). نظیر این نوع کمانه تنها در قفل فولادي شماره ۲۳٦ دیده شده است.

یک قفل هم با هیات خروس (شاید هم مرغ) پیدا شده است (شماره ۲۸٦). کمانه این قفل که به منزله دم حیوان است و می‌توانسته مرغ یا خروس بودن آن را بهتر مشخص کند، گم شده است.

دو قفل برنجی به شکل عقاب دو سر در دست است که ساختمانی متفاوت با بقیه قفل‌ها دارند. بال گسترده این عقاب‌ها در جلو قرار گرفته و دستگاه و کمانه آن‌ها در پشت بال‌ها است (شماره‌های ۲۸۷ و ۲۸۸). این قفل‌ها علامت خاندان **رمانف**، آخرین سلاطین روسیه را به یاد می‌آورد.

۲۸۶



٢٩٦



٢٩٥ ٢٩٤



٢٩٩



٢٩٨ ٢٩٧



٣٠٣ ٣٠٢ ٣٠١ ٣٠٠



۲۹۰



۲۸۹

۲۹۱

ماهی برنجی

ماهی‌های برنجی دوران صفوی و پس از آن متفاوت با ماهی‌های فولادی این دوران هستند و به شکل ماهی نزدیکتر شده و از تزیینات بیشتری برخوردار اند (شماره های ۲۸۹ تا ۲۹۱). یک ماهی برنجی هم هست که آدمی را بلعیده اما پای این آدم از دهان ماهی بیرون است (شماره ۲۹۱). این قفل داستان حضرت **یونس** در شکم ماهی را به یاد می‌آورد.

قفل‌های برنجی تخت

شاخه‌ای از قفل‌های برنجی، بسیار کم حجم و تخت هستند. موضوع این قفل‌ها باید *منطقه البروج* باشد. در میان آن‌ها شیر (شماره‌های ۲۹۲، ۲۹٤ و ۲۹۵)، پرنده با سر آدمی (ققنوس)، (شماره ۲۹۷) و ماهی با سر شیر (شماره ۲۹٦) دیده می‌شود. از همه جالبتر مردی است که دست‌هایش را بالا برده و با تعادل ایستاده است که ممکن است علامت ترازو باشد (شماره ۲۹۸).

در میان این قفل‌ها چند قفل سر هست که حجیم‌تر است و مردی را با لپ‌های برجسته نشان می‌دهد و ممکن است نماد باد باشد (شماره های ۳۰۰ تا ۳۰۲). هم‌چنین قفلی شبیه خوشه انگور است که ممکن است پایان تابستان و آغاز پاییز را برساند (شماره ۳۰۳). اکثر این مضامین در تصاویر علوم نجومی ایران دیده شده است (عکس‌های ۲۹۳ و ۲۹۹). با این وجود، قفل‌هایی نظیر این قفل‌ها در منابع روسی نیز آمده است (ر. ک. به ص ۱۵۰).



۲۹۳



۲۹۲

۲۸۹– قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹ م،
طول: ۲/۷، ارتفاع: ۵/۷ سانتی‌متر

۲۹۰–۲۹۱– دو قفل، بالا: برنج و فولاد، پایین: برنج، با دستگاه فنر خاردار، ارتفاع و طول، بالا: ۳×٦، پایین: ۳×٦/٤ سانتی‌متر

۲۹۲– قفل برنجی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸–۱۷ م،
طول: ٤، ارتفاع: ٤/۵ سانتی‌متر

۲۹۳– سر شیر (برج اسد) از *منطقه‌البروج* به نقل از کتاب سید حسین نصر

۲۹٤–۲۹۵– دو قفل برنجی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸–۱۷م، ارتفاع و طول، چپ: ۵×۸/۳، راست: ۵/۲×۳/۳ سانتی‌متر

۲۹٦– قفل برنجی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸–۱۷ م،
عرض: ۳/۵، ارتفاع: ٦ سانتی‌متر

۲۹۷– قفل برنجی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸–۱۷ م،
عرض: ٤، ارتفاع: ۵/٤ سانتی‌متر

۲۹۸– قفل برنجی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸–۱۷ م،
عرض: ۳، ارتفاع: ۷/۲ سانتی‌متر

۲۹۹– قیقاووس

۳۰۰–۳۰۲– سه قفل برنجی، سمت راست برنج و فولاد، با دستگاه فاق کمانه، قرن ۱۸ م،طول و عرض از چپ به راست: ۲/٤×۳/۷، ۲×۳/۵ و ۲×۳/۳ سانتی‌متر

۳۰۳– قفل برنجی با دستگاه فاق کمانه، قرن ۱۸ م،
طول: ٤، عرض: ۲ سانتی‌متر

۳۱۲ ۳۱۱ ۳۱۰ ۳۰۹

۳۱۵ ۳۱۴ ۳۱۳

۳۰۴– قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷–۱۶ م،
طول: ۶، عرض: ۶ سانتی‌متر
۳۰۵– قفل برنجی با کمانه فولاد، دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۷ـ ۱۶ م، طول: ۳/۸، عرض: ۵/۸ سانتی‌متر
۳۰۶– قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۵/۵، عرض: ۳/۸ سانتی‌متر
نوشته روی قفل: «دولت زیاد»
۳۰۷– قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۴/۵، عرض: ۴/۱ سانتی‌متر
۳۰۸– قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۴، عرض: ۴ سانتی‌متر
۳۱۲-۳۰۹– چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ ۱۸ م،طول و عرض ازچپ به راست: ۲×۴،
۲/۴×۴، ۲/۴×۴/۲ و ۳/۵×۷/۸ سانتی‌متر
۳۱۳– قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸م،
طول: ۷/۸، عرض: ۳/۹ سانتی‌متر
۳۱۵-۳۱۴– دو قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ ۱۸ م،طول و عرض، چپ: ۳/۲×۶،
راست: ۲/۵×۶ سانتی‌متر
۳۱۶– قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول: ۵/۵، عرض: ۸/۲ سانتی‌متر
۳۱۹-۳۱۷– سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۸ـ۱۷ م،طول و عرض از چپ به راست: ۳× ۴/۸،
۲/۲×۴ و ۲/۶×۵/۶ سانتی‌متر
۳۲۲-۳۲۰– سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۸ـ۱۷ م،طول و عرض از چپ به راست: ۲/۵×۵،
۲/۸×۶ و ۲/۵×۴/۱ سانتی‌متر





۳۲۲ ۳۲۱ ۳۲۰ ۳۱۹ ۳۱۸ ۳۱۷ ۳۱۶



۳۰۶ ۳۰۵ ۳۰۴

قفل‌های هندسی صفویه و پس از آن

اصطلاح «قفل‌های هندسی» را در مقابل «قفل‌های تصویری» انتخاب کرده‌ام و این به دلیل شکل این قفل‌هاست که به الهام از حیوانات و پرندگان نیست بلکه ملهم از شکل‌های هندسی است. برخلاف محدودیت حیوانات و یا دست کم محدودیت آن دسته از حیوانات مانوس با قفل‌سازان، شکل‌های هندسی را حد و حسابی نیست. به خصوص اگر این شکل‌ها با هم ترکیب شوند و یا ملهم از اشیای روزانه و یا گیاهان باشند. اگر پایهٔ شکل‌های هندسی را دایره، مربع و مثلث بگیریم و با الهام از آن‌ها بخواهیم قفل بسازیم، ما نیز قفل‌هایی شبیه توپ، چمدان و امثال آن‌ها می‌سازیم که قفل‌سازان ساخته‌اند (شماره‌های ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۰۶). حال اگر این شکل‌ها را با هم ترکیب کنیم، ده‌ها شکل هندسی دیگر از آن‌ها بیرون می‌آوریم. این کار را نیز قفل‌سازان کرده‌اند. قفل‌سازان ایرانی حتا از این فراتر رفته و برای تنوع بیشتر کارشان از شکل‌های گیاهان و جانوران الهام گرفته‌اند و با تلفیق شکل گل‌ها و گیاهان قفل‌های خود را غنی‌تر کرده‌اند. در این دسته از قفل‌ها حتا از تصاویر حیوانات غافل نبوده‌اند و اگر قفل به طور کامل شبیه حیوان و پرنده ساخته نشده، قسمت‌هایی از آن به شکل حیوان درآمده است. به همین جهت بسیاری از قفل‌های این دسته نیمه تصویری اند. برای مثال در گروهی از آن‌ها شکل دم ماهی و قسمتی از بدن این جانور دیده می‌شود، اما قفل کاملا شبیه ماهی نیست (برای نمونه، شماره ۳۲۸ را ببینید). سر پرنده نیز در برخی از قفل‌ها دیده می‌شود (مانند شماره ۳۱۳).

نکته دیگری که در این دسته از قفل‌ها گفتنی است، الهام گرفتن قفل‌سازها از اشیا و وسایل زندگی روزانه است. در این زمینه آن‌ها از هر شکلی که امکان داشته به قفل درآید، استفاده کرده‌اند. در بین این اشکال، شکل گهواره، چمدان، کشکول، رمل و کلید که به شکل قفل درآمده، دیده می‌شود.

جنس و ساز و کار قفل‌های هندسی نیز متنوع‌تر از قفل‌های تصویری است و این به سبب گونه‌گونی شکل این قفل هاست به جهت همین گوناگونی زیاد، این قفل‌ها بر مبنای جنسیت دسته‌بندی نشده‌اند بلکه دسته‌بندی آن‌ها براساس شکل ظاهری انجام گرفته است که در زیر به آن‌ها می‌پردازم.



۳۰۸ ۳۰۷


٣٣٣
٣٣٢
٣٣١
٣٣٠
٣٢٩
٣٢٨


٣٣٥


٣٣٤


٣٣٦



قفل‌های شاه عباسی

صنعتگران و هنرمندان صنف‌های مختلف، برخی از نقش‌ها و نگاره‌ها را «شاه عباسی» می‌نامند. غرض از این اصطلاح، نسبت دادن برخی از نقش‌ها به **شاه عباس** اول است که بی‌شک هنر دوست‌ترین شاه صفوی بوده است. در بین قفل‌سازان نیز چنین اصطلاحی وجود دارد و دسته‌ای از قفل‌ها «شاه عباسی» خوانده می‌شود. بعضی از این قفل‌ها ممکن است پیش از زمان **شاه عباس** ساخته شده باشند و گروهی از آن‌ها با اطمینان متاخرترند و کار دوره‌های زند و قاجار اند. با این وجود وجه تسمیه «شاه عباسی» شامل همه آن‌ها می‌شود زیرا ویژگی‌های هنر صفوی در آن‌ها حفظ شده است.

زیباترین و جالب‌ترین این قفل‌ها، چند قفل برنجی است (شماره‌های ۳۰۴ تا ۳۰۸). نه تنها روی این قفل‌ها نقوش اسلیمی و خطایی دوران صفوی قلمزنی شده، بلکه بدنه خود آن‌ها نیز به شکل ترنج‌های آن زمان ساخته شده است.

گروه دیگر قفل‌های «شاه عباسی» فولادی‌اند. بدنه آن‌ها صاف و بی‌نقش است. اما به شکل ترنج و یا نیم ترنج ساخته شده‌اند. این ترنج‌ها شکل‌های مختلفی دارند. برخی ترنج نوک تیزند (شماره ۳۱۸)، و انتهای برخی دوشاخه شده و مبدل به سر دو مرغ شده است (شماره ۳۲۰)، در حالی که انتهای برخی چون دم ماهی است (شماره ۳۱۹).

گروهی از این قفل‌ها که متاخرتر هستند به بته‌جقه می‌مانند (شماره ۳۱۱). بدنه این قفل‌ها شبیه همان قفل دل است با این تفاوت که نوک آن‌ها برگشته و گاه به شکل سر یک مرغ درآمده‌اند. (شماره ۳۱۲).

در میان قفل‌های شاه عباسی یک قفل برنجی کوچک هست که به صورت یک ترنج کامل ساخته شده و بدنه قفل در بین دو سر ترنج قرار گرفته است (شماره ۳۱۵).

۳۲۶-۳۲۳- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ۱۸ م،طول و عرض از چپ به راست:
۲/۳×۴/۵، ۲×۴، ۱/۸×۴ و ۱/۷×۳/۳ سانتی‌متر.

۳۲۷- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول: ۶/۵، عرض: ۳ سانتی‌متر

۳۳۰-۳۲۸- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست:
۳ سانتی‌متر ۲/۶×۶/۳، ۲/۶×۶/۱ و ۲/۲×۵/۱ سانتی‌متر

۳۳۳-۳۳۱- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست:
۲/۳×۶/۱، ۲/۱×۵/۱ و ۲/۷×۷/۶ سانتی‌متر

۳۳۴- قفل برنجی با کمانه فولادی و تزیینات سربی دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ م، طول: ۴/۵، عرض: ۴
قطر: ۲/۷ سانتی‌متر

۳۳۵- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۵/۳، عرض: ۳، قطر: ۲/۸ سانتی‌متر

۳۳۶- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ م،
طول: ۴/۸، عرض: ۵ (با کلید)، عمق: ۵/۲ سانتی‌متر



٣٤٤





٣٤٥

٣٤٦

٣٤٧



٣٤٨





صفوی‌های اصفهان

در بین قفل‌های شاه عباسی گروه بزرگی هست که از هر لحاظ ویژگی‌های خود را دارد. این قفل‌ها کار اصفهان هستند و بیشتر آن‌ها در این شهر پیدا شده‌اند. مصرف این قفل‌ها بیشتر برای درب ضریح مقابر امام‌ها و امام‌زاده ها و مکان‌های متبرک دیگر و مساجد بوده‌اند (شماره ۳۴۵) و چون اغلب آن‌ها کار عهد صفویه‌اند، «صفوی» نامیدن آن‌ها اشکالی تولید نمی‌کند.

ساختمان این قفل‌ها از هر لحاظ مخصوص به خود است. همگی دارای یک بدنه مستطیل شکل هستند و کمانه‌ای بلند در بالای آن‌ها قرار گرفته است. این کمانه قفل را از دو پهلو در بر گرفته و چون هاله‌ای در بالای بدنه دیده می‌شود.

صفوی های اصفهان به چند دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از آن‌ها بدنه‌ای مستطیل شکل اند. در زیر بدنه این قفل‌ها سه پایه تعبیه شده که یکی از آن‌ها مانع دستیابی به سوراخ کلید است و تا باز نشود راهی برای دخول کلید وجود ندارد (شماره ۳۳۷).
روی بدنه برخی از این قفل‌ها اشعار و یا تزییناتی آمده است (شماره ۳۴۴). بدنه برخی دیگر باریکتر است و تنها یک پایه دارند (شماره ۳۴۸). جالبتر از همه گروهی است که شیارهایی بر روی بدنه و هم‌چنین پایه‌شان آمده است. این شیارها تزیینی نیستند و مادگی‌هایی برای جا انداختن کلید اند (شماره ۳۵۳). باید یادآور شوم که کلید این دسته از قفل‌ها نیز به نوبه خود جالب است و هر یک مجسمه‌ای زیبا به‌حساب می‌آید (شماره‌های ۳۴۰ تا ۳۴۳).

قفل‌های صفوی اصفهان در اندازه‌های مختلف ساخته شده‌اند. بیشتر آن‌ها متوسط، برخی خیلی بزرگ (شماره ۳۳۹) و تعدادی بسیار کوچک‌اند (شماره ۳۵۵). جنس بیشتر آن‌ها فولاد است اما گه‌گاه قفل برنجی از این نوع دیده شده است (شماره ۳۵۶).

۳۳۷- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۱۲، عرض: ۶/۵ سانتی‌متر
۳۳۸- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۱۶/۷، عرض: ۹ سانتی‌متر
۳۳۹- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۳۱، عرض: ۱۴ سانتی‌متر
۳۴۳ـ۳۴۰- چهار کلید فولادی، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول از چپ به راست: ۹، ۱۳/۳، ۷/۲ و ۱۳/۵ سانتی‌متر
۳۴۴- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۹/۵، عرض: ۵/۵ سانتی‌متر
نوشته: «گشاده باد بدولت همیشه این درگاه»
(طرف دیگر) «به حق اشهدان لااله الا الله»
۳۴۵- درب ورودی حرم حضرت علی (ع)، کربلا،
اوایل قرن ۲۰ م، عکس از آرشیو یحیی ذکاء
۳۴۶- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ـ۱۶ م،
طول: ۱۰/۵، عرض: ۶ سانتی‌متر
۳۴۷- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸ـ۱۷ م،
طول: ۱۵، عرض: ۸ سانتی‌متر، نوشته: «نصرمن الله و فتح قریب و بشرالمومنین یا محمد یاعلی خیراً»
۳۴۸- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ م،
طول: ۱۱/۵، عرض: ۷ سانتی‌متر







۳۴۹-۳۵۰- دو قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول و عرض، چپ: ۳/۷×۲/۴، راست: ۴/۶×۲/۳، کلید: ۴/۶×۲/۶ سانتی‌متر

۳۵۱- قفل برنجی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸ م، طول: ۵/۲، عرض: ۳/۳ سانتی‌متر
نوشته: «عاقبت خیرباد»

۳۵۲-۳۵۴- سه قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول و عرض، از بالا به پایین: ۱۶/۵×۸/۷ (با کلید)، ۱۰/۳×۷/، ۱۵×۹/۸ سانتی‌متر

۳۵۵- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷م، طول: ۳/۲، عرض: ۲/۴ سانتی‌متر (بدون کلید)

۳۵۶- قفل برنجی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول: ۵/۲، عرض: ۳/۴ سانتی‌متر،
نوشته: «عاقبت خیرباد»

۳۵۷- قفل برنجی با کلید فولادی ، دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ م، طول: ۱۲/۵، عرض: ۱۲ سانتی‌متر (با کلید)
نوشته: «بر تک دانه از هر قفل می‌روید کلید این جا» (طرف دیگر) «درفیض است منشین نامید گشایش در این جا»

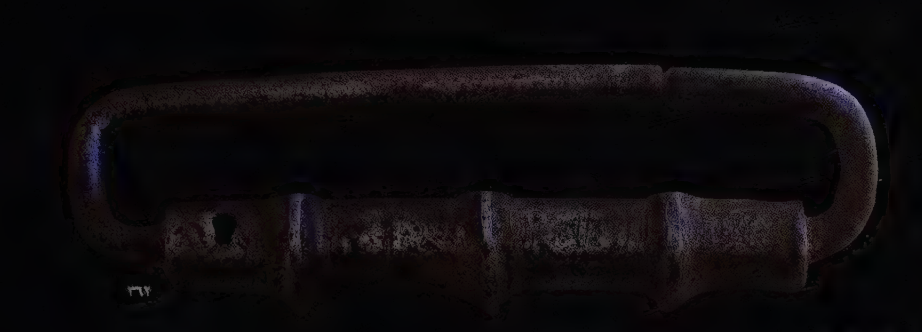
۳۵۸- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول: ۷/۷، عرض: ۴/۸ سانتی‌متر

۳۵۹-۳۶۰- دو قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۷ م، طول و عرض، چپ: ۲۱×۱۱، راست: ۱۱/۵×۸/۵ سانتی‌متر

۳۶۱- قفل فولاد و برنج، با چند دستگاه فنرخاردار و فنر مارپیچ و خار مانع، قرن ۱۸-۱۷ م، طول و عرض: ۱۱/۵×۸ سانتی متر


٣٥٠
٣٤٩
٣٥٢
٣٥٣
٣٥١
٣٥٤
٣٥٥


٣٦٤
٣٦٧
٣٦٥
٣٧٠
٣٦٨
٣٦٦
٣٦٩



قفل‌های لوله‌ای

بدنه قفل‌های لوله‌ای که بدنه آن‌ها شبیه یک تکه لوله است، این‌ها ریشه دارترین و گسترده‌ترین قفل‌های ایران هستند. قدیمی‌ترین نمونه آن‌ها (قفل شماره ٧٣) مربوط به زمان ساسانیان است. نمونه‌های بعدی شماره‌های ٧٤ و ٧٥ است که در ادوار اولیه اسلام ساخته شده، و بالاخره شماره‌های ٣٦٢ و ٣٦٤ کار دوران صفویه هستند. انتخاب شکل لوله برای این قفل‌ها به منظور به وجود آوردن محفظه‌ای دراز برای جا گذاشتن دستگاه فنرخاردار و دخول کلید بلند فشاری است. اما این شکل بعدها برای دستگاه‌های دیگر نیز به کار رفت و بالاخره با آمدن لوله‌های صنعتی این گونه قفل‌ها بیش از انواع دیگر تولید شد.

قفل‌های لوله‌ای انواع مختلفی دارند. ساده ترین آن‌ها یک لوله ساده فولادی است (شماره ٣٦٨). قفل‌سازانی که به شکل لوله ساده قانع نبوده‌اند، تغییراتی روی لوله ایجاد کرده‌اند. از جمله این تغییرات، تزیینات به‌وسیله حلقه‌هایی است که بر روی لوله قرار گرفته است. اگرچه حلقه اول و آخر نقشی را در پایه کمانه دارند اما حلقه‌های وسطی تزیینی‌اند (شماره ٣٦٣). کلید قفل شماره ٣٦٤ شبیه صورت آدمی ساخته شده است و با قفل آن هیات مردی شانه پهن را نشان می‌دهد. قفل شماره ٣٧٧ یک لوله کمر باریک است که بر کمر آن حلقه‌ای ضخیم بسته شده است.

در برخی از قفل‌های لوله‌ای تزییناتی روی بدنه انجام نگرفته اما در عوض شکل‌هایی به آن اضافه شده است. از جمله قفل ٣٦٥ که در انتهای آن دو چکمه آمده است و هیات مردی را که دست بر کمر زده است، نشان می‌دهد.



٣٦٢- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ١٥-١٤ م،
طول: ١٥/٨، عرض: ٤/٧ سانتی‌متر

٣٦٣- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ١٦- ١٥ م،
طول: ٤٠، عرض: ١٥ سانتی‌متر

٣٦٤- قفل فولادی با دستگاه فنرخاردار، قرن ١٦- ١٥ م،
طول: ٢٨ (با کلید)، عرض: ٨ سانتی‌متر

٣٦٦-٣٦٥- دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٩ م، طول و عرض، بالا: ٨×١٦،
پایین: ٥×١١ سانتی‌متر

٣٦٩-٣٦٧- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٩ م، طول و عرض، از بالا به پایین: ٣/٣×٥/٥،
٢×٥/١، ٣/٤×٦ سانتی‌متر

٣٧٠- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٩ م،
طول: ١٤، عرض: ٧/٧ سانتی‌متر



٣٧٦

٣٨٠

٣٨١

٣٨٢

٣٧٧

٣٧٨

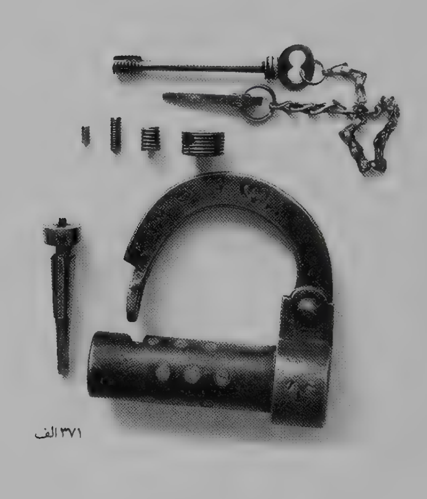
٣٧٩

٣٨٣

٣٨٤

٣٨٥

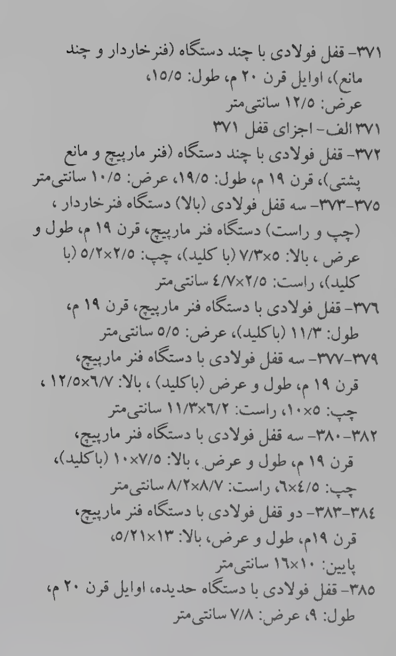
۳۷۱



۳۷۱ الف

۳۷۲

۳۷۵ ۳۷٤ ۳۷۳



۳۷۱- قفل فولادی با چند دستگاه (فنرخاردار و چند مانع)، اوایل قرن ۲۰ م، طول: ۱۵/۵، عرض: ۱۲/۵ سانتی‌متر

۳۷۱ الف- اجزای قفل ۳۷۱

۳۷۲- قفل فولادی با چند دستگاه (فنر مارپیچ و مانع پشتی)، قرن ۱۹ م، طول: ۱۹/۵، عرض: ۱۰/۵ سانتی‌متر

۳۷۵-۳۷۳- سه قفل فولادی (بالا) دستگاه فنرخاردار، (چپ و راست) دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض، بالا: ۷/۳×۵ (با کلید)، چپ: ۵/۲×۲/۵ (با کلید)، راست: ٤/۷×۲/۵ سانتی‌متر

۳۷٦- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول: ۱۱/۳ (باکلید)، عرض: ۵/۵ سانتی‌متر

۳۷۹-۳۷۷- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (باکلید) ، بالا: ۱۲/۵×٦/۷ ، چپ: ۱۰×۵، راست: ۱۱/۳×٦/۲ سانتی‌متر

۳۸۲-۳۸۰- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض، بالا: ۱۰×۷/۵ (باکلید)، چپ: ٦×٤/۵، راست: ۸/۲×۸/۷ سانتی‌متر

۳۸٤-۳۸۳- دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹م، طول و عرض، بالا: ۱۳×۵/۲۱، پایین: ۱۰×۱٦ سانتی‌متر

۳۸۵- قفل فولادی با دستگاه حدیده، اوایل قرن ۲۰ م، طول: ۹، عرض: ۷/۸ سانتی‌متر


٣٨٩
٣٨٨
٣٩٢
٣٩١
٣٩٠
٣٩٤
٣٩٣
٣٩٥



۳۸٦

لوله‌ای‌های چالشتر

در صفحه ۹ چند کلمه‌ای درباره روستای چالشتر صحبت کردم. این روستا زمانی مرکز قفل‌سازان زیادی بود و تا سی سال پیش هم برخی از آن‌ها در این رشته فعال بودند. قفل‌های چالشتری اگر چه در زمره قفل‌های لوله‌ای به شمار می‌روند، اما ویژگی‌های خاص خود را دارند. بدنه قفل‌های چالشتری را لوله‌های فولادی تشکیل می‌دهد. برخی از آن‌ها از لوله تفنگ و برخی از لوله‌های صنعتی ساخته شده‌اند. در ساخت این قفل‌ها ظرافت و دقت عمل زیادی به کار رفته است. بدنه آن‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شود. قسمت وسط با شیارهای راه راهی تزیین یافته و کمانه بر روی این قسمت کار گذاشته شده و طرفین آن‌ها به‌طور کامل صیقلی و شیدار شده است. در برخی از قفل‌های چالشتر، در زیر قفل و در امتداد قسمت شیاردار، تاجی خوش تراش کار گذاشته شده است (شماره های ۳۹۳ تا ۳۹۵). یکی از زیباترین این قفل‌ها شماره ۳۸٦ است که روی آن تماماً زرکوب شده و نوشته‌هایی آمده است (ر. ک. به زیرنویس مربوط به آن). نظیر این قفل در موزه آستان قدس رضوی وجود دارد.

۳۸٦- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، اواخر قرن ۱۹ م، طول: ۲۹، عرض: ۲۵/۵ سانتی‌متر، نوشته: «فرمایش جناب شهنشاه نژاد آن که ... جام جهانش...» «الله محمد فاطمه حسن حسین» و «لا اله الا الله»

۳۸۷- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، اوایل قرن ۲۰ م، طول: ۱۷، عرض (با کلید): ۹/۵ سانتی‌متر

۳۸۸- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، اواخر قرن ۱۹ م، طول: ۳۵/۵، عرض (با کلید): ۲۰ سانتی‌متر، نوشته مهر شده: «عمل حسین»

۳۸۹-۳۹۲- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، اواخر قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید)، بالا: ۸×۵/۸ از چپ به راست: ۵/۳×٤/٤، ۲/۸×٤/٦ و ۵/۱×۵/۳ سانتی‌متر

۳۹۳-۳۹۵- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، اوایل قرن ۲۰ م، طول و عرض از چپ به راست (با کلید): ٤۱۰×۳/٤، ۳/۱×۲/۸ و ۳/۷×۳/٦ سانتی‌متر



۳۸۷


٤٠١
٣٩٩
٤٠٣
٤٠٢
٤٠٠



۳۹۶

۳۹۷

لوله‌ای‌های اردبیل

این قفل‌ها از جالب‌ترین قفل‌های ایران‌اند. هیاتی انتزاعی و نامتقارن دارند و هر یک از آن‌ها هیولایی را تداعی می‌کنند (شماره‌ها ۳۹۸ تا ۴۰۳) و این همه به علت لوله‌های اضافی است که در زیر و روی آن‌ها کار گذاشته شده است. در داخل هر یک از لوله‌ها یک دستگاه هست که تا کنار نرود امکان باز و بسته کردن قفل میسر نمی‌شود. این قفل‌ها همه دارای چند ساز و کار و چند کلید هستند. (ر.ک. به ص ۴۰)

۳۹۷-۳۹۶- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹ م، طول و عرض، بالا: ۱۳/۵×۸، پایین: ۱۵/۵×۷/۵ سانتی‌متر (با کلید)

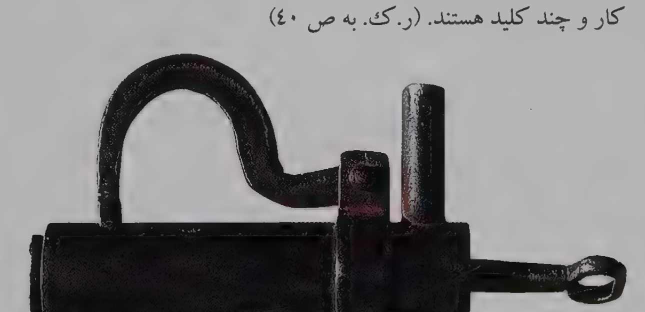
۳۹۸- قفل فولادی با دو دستگاه فنر خاردار و فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول: ۲۹، عرض: ۱۳/۵ سانتی‌متر (باکلید)

۳۹۹- قفل فولادی با سه دستگاه یکی فنر خاردار، دوتا فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (باکلید): ۲۷×۲۲/۵ سانتی‌متر

۴۰۰- قفل فولادی با سه دستگاه یکی فنر خاردار، دوتا فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید): ۱۷×۲۳ سانتی‌متر

۴۰۱- قفل فولادی با دو دستگاه فنر خاردار و فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید): ۲۱×۲۷ سانتی‌متر

۴۰۳-۴۰۲- دو قفل فولادی با دو دستگاه فنر خاردار و فنرمارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (باکلید)، چپ: ۲۱×۱۷، راست: ۱۸/۵×۱۲/۵ سانتی‌متر

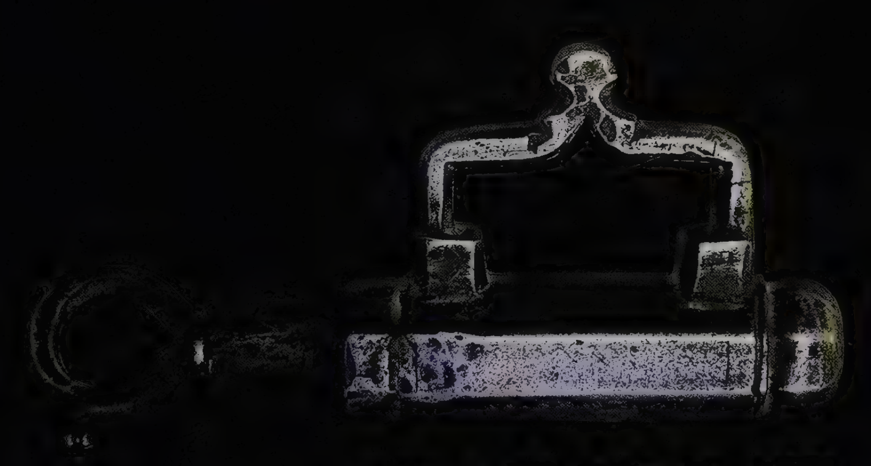


۳۹۸









۴۰۴

لوله‌ای های هشت، شش و چهار بر

این قفل‌ها گرچه به ظاهر لوله‌ای نیستند، اما بدنه آن‌ها چون لوله‌ای دراز است که به سطوح منظمی تقسیم شده است. بسیاری از آن‌ها هشت برند (شماره ۴۰۴). در انتهای برخی از آن‌ها مانند قفل شماره ۳۶۵ به چکمه و یا پرنده ختم می‌شود (شماره‌های ۴۱۴ و ۴۱۵) ؛ و بعضی از قفل‌های این دسته شش بر دارند (شماره ۴۰۸).
ساده ترین و شاید شکیل‌ترین آن‌ها وقتی است که به چهار بر خلاصه می‌شوند (شماره های ۴۰۹ تا ۴۱۳). در انتهای قفل شماره ۴۱۴ مرغی نشسته و در طرف دیگر سر مرغ در حلقه کمانه در این قفل، قابل توجه است.

۴۰۴– قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول : ۱۰، عرض : ۵ سانتی‌متر (با کلید)

۴۰۷-۴۰۵– سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید) ؛ بالا : ۹/۳×۱۷ ، چپ : ۵/۵×۹/۳ ، راست : ۵/۵×۱۲ سانتی‌متر

۴۰۸– قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول: ۱۹، عرض : ۸ سانتی‌متر (با کلید)

۴۱۰-۴۰۹– دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید)، بالا : ۵/۲×۱۰ و ۴/۵×۶ سانتی‌متر

۴۱۳-۴۱۱– سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید) ؛ راست : ۶×۱۲/۳ ، چپ : ۵×۱۰/۸، پایین : ۲/۳×۵ سانتی‌متر

۴۱۵-۴۱۴– دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید) ، بالا : ۴/۷×۹/۷ ، پایین : ۳/۸×۸ سانتی‌متر

۴۱۸-۴۱۶– سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض (با کلید)، بالا : ۷×۱۰/۵ ، چپ : ۳/۱×۴/۸ ، راست : ۲/۸×۴ سانتی‌متر



۴۰۵









۴۰۷ ۴۰۶





قفل‌های استوانه‌ای، نیمه استوانه ای ـ دیگ و قابلمه

بدنه دسته بزرگی از قفل‌ها شبیه یک نیمه استوانه است. فرق این قفل‌ها با قفل‌های لوله‌ای در طول و تناسبات بدنه آن‌هاست. قفل‌های لوله‌ای بلند و کشیده هستند. حال آن که این‌ها کوتاه و خپل‌اند و سرتاسر طول بدنه آن‌ها را کمانه و جا کمانه شکل می‌دهد.

گروهی از آن‌ها بدنه‌ای صاف و ساده دارند (شماره ٤١٩) و دسته دیگر با شیارهایی به چند قسمت تقسیم شده اند (شماره ٤٣٠). کوچک‌ترین قفل این کتاب در این گروه است (شماره ٤٣٨).

بر روی بدنه گروه دیگری از این قفل‌ها حلقه‌های حفاظ مانندی کار گذاشته شده است. در یک دسته از آن‌ها، دو حلقه پهن و درشت در طرفین بدنه آمده است (شماره ٤٤٨). در گروه دیگری سرتاسر بدنه حلقه‌های درشتی با فاصله مساوی قرار گرفته، به حدی که بدنه به شکل «پر و خالی» درآمده است (شماره ٤٤٥). دسته‌ای از این قفل‌ها و قفل‌های پیشین با داشتن کمانه کلفت و جاکمانه‌ای درشت، ساختاری محکم و استوار پیدا کرده‌اند.

بدنه گروهی از قفل‌های استوانه‌ای حالت یک استوانه کوتاه را دارند (شماره ٤٥١) و انتهای برخی پهن‌تر از بالای آن‌ها است و شکل دیگ را به یاد می‌آورند (شماره ٤٥٧). برخی از آن‌ها ساده‌اند (شماره ٤٤٩). بدنه برخی دیگر شیار دارد (شماره ٤٥٣)، و برخی هم شش بر و یا هشت برهستند (شماره ٤٥٥).

٤٢٠-٤١٩- دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٩ م، طول و عرض (با کلید)، راست: ١٠×١١/٤، چپ: ٥/٥×٧ سانتی‌متر

٤٢٤-٤٢١- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست (با کلید): ٨×١، ١/٩×٢/٣، ١/٧×٣ و ١/٤×٢/٦ سانتی‌متر

٤٢٥- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٨ م، طول: ٩/٥، عرض: ٦/٣ سانتی‌متر (با کلید)

٤٢٦- کلید فولادی، قرن ١٨ - ١٧ م، طول ١٢ سانتی‌متر

٤٢٧- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٨ م، طول: ١٧/٥، عرض: ١٣ سانتی‌متر (با کلید)

٤٢٨- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٩ ـ ١٨ م، طول: ١٥، عرض: ١٠ سانتی‌متر (با کلید)

٤٣٢-٤٢٩- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض، بالا چپ: ٨×٩، بالا راست: ١٧/٥×١٣/٥، پایین چپ: ٥/٥×٩، پایین راست: ٤×٦/٥ سانتی‌متر

٤٣٦-٤٣٣- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض (با کلید)، بالا: ٦/٦×١٠/٨، چپ به راست: ٣/٥×٥/٢، ٣×٣/٦، ٢/٧×٣/٣ سانتی‌متر

٤٣٩-٤٣٧- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٧ م، طول و عرض (با کلید)، چپ: ٤×٣/٣ داخل پوست پسته، چپ: ٩×١، راست: ١×١/٣ سانتی‌متر




٤٥٦
٤٥٥
٤٥٨
٤٥٧
٤٦١
٤٦٠
٤٥٩



٤٤٠- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ۱۸ م،
طول: ۱۷، عرض: ۱٤ سانتی‌متر (با کلید)

٤٤٥-٤٤١- پنج قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست،
بالا: (با کلید) ۱٤×۱۳/٥، پایین: ۱۲/٥×۸/٤، ۸×۸/۳ و
۷/٥×۹/٥ سانتی‌متر

٤٤۸-٤٤٦- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست (با کلید)،
بالا: ۹/٥×۷/٥، پایین: ٥×۱۰/٥ و ۱۲/۷×٦/٥ سانتی‌متر

٤٥۱-٤٤۹- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و ارتفاع از چپ به راست، بالا:
٦/٥×۳/٦، ٦/۳×٤/۳، پایین: ۲/٥×۲/۳ سانتی‌متر (با کلید)

٤٥٤-٤٥۲- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و ارتفاع از چپ به راست:
٤×۳/۳، ۳/٤×٥/۲، ٤/٥×۳/۸ سانتی‌متر (با کلید)

٤٥٥- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ۱۸ م،
طول: ٦، ارتفاع: ٥ سانتی‌متر (با کلید)

٤٥٦- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸ م،
طول: ۲/۸، ارتفاع: ۳/۷ سانتی‌متر

٤٥۷ و ٤٥۷ الف- قفل فولادی با دستگاه کام و زبانه،
قرن ۱۸ م، طول: ۱۰/٥، ارتفاع: ۲۰/٥ سانتی‌متر (با کلید)

٤٥۸- قفل روسی برگرفته از قفل‌های قابلمه‌ای ایران،
۱۸۱۰ میلادی، ۱٦/٥×۸ سانتی‌متر

٤٦۲-٤٥۹- چهار قفل فولادی و برنجی با دستگاه کام
و زبانه، قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و ارتفاع از چپ به راست
(فولاد)، ٤/٥×٥/٥، (برنج) ۲/٥×۳، (فولاد) ۳×۳/٦،
(فولاد) ٥/٥×۷/۲ سانتی‌متر



۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴

دایره، نیم‌دایره، چهارگوشه، مستطیل / چمدانی، مثلث و کره

بدنه گروه بزرگی از قفل‌ها به شکل‌های هندسی و شکل‌های بنیادی چون دایره، چهارگوشه، مثلث و کره ساخته شده است. قفل‌هایی که به شکل دایره ساخته شده‌اند، گاه از جنس برنج (شماره ۴۷۱) و گاه فولاد اند (شماره ۴۷۳). از جالب‌ترین قفل‌های فولادی این دسته، شماره ٤٧٤ است که با دو کلید کار می‌کند. قفل قابل توجه دیگر در این دسته، دو لنگه در ورودی یک خانه را با کوبه‌های آن نشان می‌دهد که در وسط دایره‌ای کار گذاشته شده است (شماره ٤٨٧). برای دستیابی به سوراخ کلید این قفل، اول باید درها را گشود. شاخه‌ای از قفل‌ها به شکل نیم دایره هستند. در بین این قفل‌ها شماره ٤٨٦ از همه جالب‌تر است. اجزای این قفل از جمله دستگاه آن هنگام باز شدن بیرون می‌آید. از خانواده دایره، انواع بیضی و نیم بیضی نیز مورد استفاده قفل‌سازان قرار گرفته است (شماره‌ها ٤٨٠ و ٤٨٢). قفل‌های چهار گوش و یا مستطیل شکل نیز زیاد هستند. برخی از آن‌ها متمایل به چهارگوش (شماره ٤٩٤) و برخی متمایل به مستطیل (شماره ٤٩٢) و برخی همین شکل‌ها را دارند، اما گوشه‌های آن‌ها به‌داخل پخ شده است (شماره ٤٩٦). در میان این قفل‌ها دسته‌ای هست که در پایین آن‌ها تاجی کار گذاشته شده است (شماره ٥٠٥). شاخه‌ای هم از این قفل‌ها ملهم از چمدان هستند و تناسبات چمدان را دارند (شماره‌های ٥٠٨ و ٥٠٩).

مثلث شکل مطلوبی برای قفل نیست، با این وجود از قلم نیفتاده است (شماره ٥١١). اما جالب‌ترین قفل‌های این دسته، قفل‌های کروی و یا «توپی» هستند. این قفل‌ها با ظرافت خاصی ساخته شده‌اند. سطح آن‌ها صاف و صیقلی است و فاقد هر گونه تزیین‌اند (شماره‌های ٥١٨ تا ٥٢٣). برخی از این دسته به شکل نیم کره ساخته شده‌اند (شماره ٥٢٥).

۴۸۲



۴۸۳



۴۸۱



۴۸۰



۴۷۹



۴۷۶ ۴۷۷

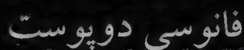


۴۷۵



۴۷۸





٤٦٣- قفل فولاد و برنج با دستگاه چرخان و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول: ۵/۵، عرض: ۳/۷ سانتی‌متر (با کلید)

٤٦٥-٤٦٤- دو قفل فولاد و برنج با دستگاه چرخان و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ ـ۱۷م، طول و عرض از چپ به راست: ۵/۸×۳/۳ و ۵/۸×۲/۵ سانتی‌متر

٤٦٧-٤٦٦- دو قفل فولاد و برنج با دستگاه چرخان و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست: ۵/۵×۲/۳ و ۵/۵×۲/٤ سانتی‌متر

٤٦٨- قفل برنجی با دستگاه چرخان و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ م، طول و عرض: ۸/۵×۳/۸ سانتی‌متر

٤٧٠-٤٦٩- دو قفل برنجی با دستگاه چرخان و فنر مارپیچ، قرن ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست: ۵/۳×۲/۸ و ۵/٦×۲/۵ سانتی‌متر

٤٧٢-٤٧١- دو قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست: ٦/۵×٤/۱ و ٤/۲×۲/٦ سانتی‌متر

٤٧٣- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض: ۹/۵×۵ سانتی‌متر

٤٧٤- قفل فولادی با دو دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض: ۷/۵×۷/۵ سانتی‌متر (با کلید)

٤٧٨-٤٧٥- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست، بالا: ۷/۱×٤/۲ و ۸/٤×۵ و ۷/۳×٤/۵ (پایین) ۵/۲×٤/۲ سانتی‌متر

٤٨١-٤٧٩- سه قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست: ۲/۷×۱/۷ ، ۳/٦×۲/٦ و ۳/۸×۲/۸ سانتی‌متر

٤٨٣-٤٨۲- دو قفل فولاد و برنج (بالا) دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹م، طول و عرض: ۳/۲×۱/۷ سانتی‌متر (پایین) دستگاه فنر خمیده با کلید سرخود، قرن ۱۹ـ ۱۸م ، طول و عرض: ۲/۸×۲ سانتی‌متر

فانوسی دوپوست

دسته دیگری از قفل‌ها دوپوست اند و همان کارکرد قفل‌های قابلمه‌ای دوپوست را دارند، با این تفاوت که به شکل فانوس ساخته شده‌اند. این قفل‌ها ترکیبی از برنج و فولاد هستند (شماره ٤٦٣). در یکی از آن‌ها برای پایین کشیدن پوسته برنجی، باید پیچیی را که در زیر قفل است، چرخاند (شماره ٤٦٥).

پستانکی دوپوست

گروه کوچکی از قفل‌ها شباهتی به پستانک دارند. این‌ها نیز دو پوست هستند، اما به‌طور کلی از برنج ساخته شده‌اند (شماره‌های ٤٦٨ و ٤٧٠).






٤٩٠
٤٨٩
٤٨٨
٤٨٧
٤٩٦
٤٩٥
٤٩٢
٤٩١
٥٠٠
٤٩٩
٤٩٨
٤٩٧
٤٩٤
٤٩٣



٤٨٤- قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م،
طول و عرض: ٧/٢×٤/٧ سانتی‌متر

٤٨٥-٤٨٦- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار،
قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست: ٦×٧/٥
و ١٠×٧/٥ سانتی‌متر

٤٨٦ الف: باز شده همان قفل

٤٨٧- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ـ۱۸ م،
طول و عرض: ٥/٨×٤/٣ سانتی‌متر

٤٨٨-٤٨٩- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ـ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست: ٦×٣
و ٦/٨×٤ سانتی‌متر

٤٩٠- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹-۱۸ م،
٧/٨×٤/٥ سانتی‌متر

٤٩١-٤٩٤- چهار قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست
بالا: ٦×٧، ٧/٨×٤/٥ ، پایین: ٢/٦×٤/٩، ٦/٢×٣/٢
سانتی‌متر

٤٩٥-٥٠٠- شش قفل فولادی شماره‌های ٤٩٥ ، ٤٩٦ و
٤٩٩ با دستگاه فنر مارپیچ ، شماره‌های ٤٩٧ و ٤٩٨ و
٥٠٠ با دستگاه فنر خمیده ، قرن ۱۹ م، طول و عرض از
چپ به راست (با کلید)، بالا: ٥×٢/٧، ٧×٧/٣ و
٦/٥×٣/٥، پایین (با کلید): ٥/٦×٦/٣، ٤/٢×٣/٧ و
٥/٣×٢/٥ سانتی‌متر



۵۰۳-۵۰۱- سه قفل برنجی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست: ۳/۷×۶، ۳/۵×۵/۵ و ۳/۳×۴/۳ سانتی‌متر

۵۰۵-۵۰۴- دو قفل برنجی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ م، طول و عرض، چپ: ۸/۵×۸ (با کلید) راست: ۴/۵×۸ سانتی‌متر، با نوشته: «رحم کن»

۵۰۶- قفل فولاد و برنج با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸ م، طول و عرض: ۶/۳×۵/۲ سانتی‌متر

۵۰۷- قفل برنجی با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸-۱۷ م، طول و عرض: ۱۳/۵×۶/۵ سانتی‌متر

۵۱۰-۵۰۸- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸-۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست: ۵/۷×۵ و ۶/۷×۵/۸ پایین: ۶/۲×۳/۸ سانتی‌متر

۵۱۲-۵۱۱- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست: ۷×۴/۲ و ۶/۶×۴/۵ سانتی‌متر

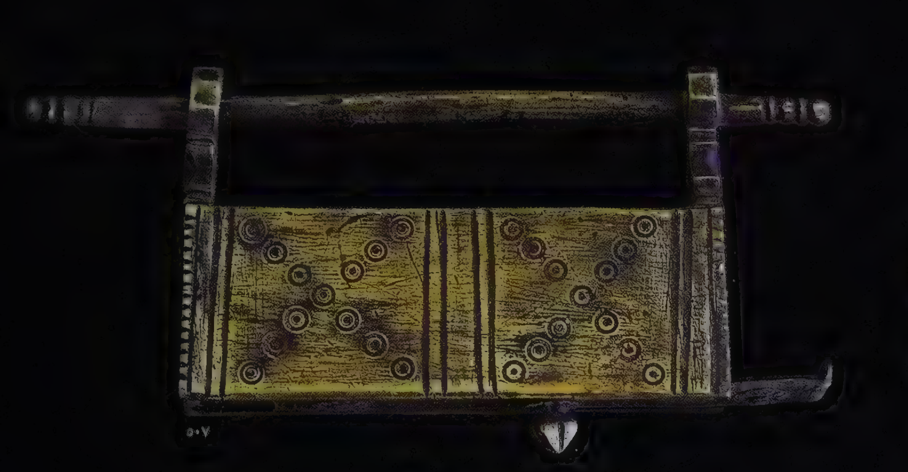
۵۱۵-۵۱۳- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست: ۸/۷×۴، ۶×۴، ۸/۵×۴/۵ سانتی‌متر

۵۱۷-۵۱۶- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹-۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست ۵/۳×۴/۷ و ۵/۳×۸ سانتی‌متر

۵۲۰-۵۱۸- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹-۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست ۵/۲×۲/۷، ۶/۵×۳/۵ و ۵/۵×۳/۳ سانتی‌متر

۵۲۶-۵۲۱- شش قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹-۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست، بالا: ۳/۴×۱/۷، ۴×۱/۸ و ۴/۷×۲/۴، پایین: ۳/۳×۱/۸، ۴/۵×۲/۱ و ۳/۶×۲ سانتی‌متر



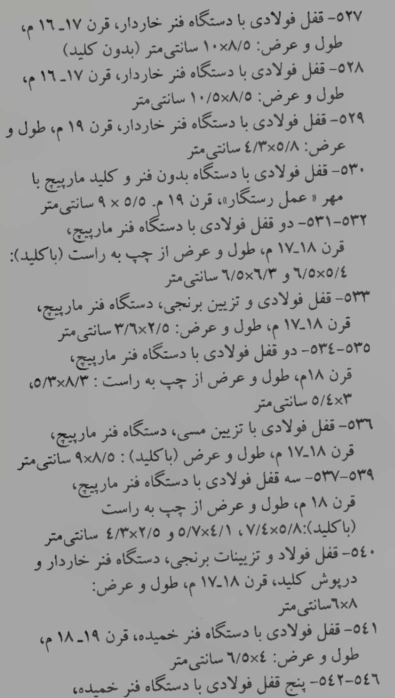












٥٢٧- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ١٧ـ ١٦ م،
طول و عرض: ١٠×٨/٥ سانتی‌متر (بدون کلید)
٥٢٨- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ١٧ـ ١٦ م،
طول و عرض: ١٠/٥×٨/٥ سانتی‌متر
٥٢٩- قفل فولادی با دستگاه فنر خاردار، قرن ١٩ م، طول و
عرض: ٤/٣×٥/٨ سانتی‌متر
٥٣٠- قفل فولادی با دستگاه بدون فنر و کلید مارپیچ با
مهر «عمل رستگار»، قرن ١٩ م. ٥/٥ × ٩ سانتی‌متر
٥٣٢-٥٣١- دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست (باکلید):
٦/٥×٥/٤ و ٦/٥×٦/٣ سانتی‌متر
٥٣٣- قفل فولادی و تزیین برنجی، دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض: ٣/٦×٢/٥ سانتی‌متر
٥٣٥-٥٣٤- دو قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٨م، طول و عرض از چپ به راست : ٥/٣×٨/٣،
٥/٤×٣ سانتی‌متر
٥٣٦- قفل فولادی با تزیین مسی، دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض (باکلید) : ٩×٨/٥ سانتی‌متر
٥٣٩-٥٣٧- سه قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ،
قرن ١٨ م، طول و عرض از چپ به راست
(باکلید):٧/٤×٥/٨ ، ٥/٧×٤/١ و ٤/٣×٢/٥ سانتی‌متر
٥٤٠- قفل فولاد و تزیینات برنجی، دستگاه فنر خاردار و
درپوش کلید، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض:
٨×٦سانتی‌متر
٥٤١- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ١٩ـ ١٨ م،
طول و عرض: ٦/٥×٤ سانتی‌متر
٥٤٦-٥٤٢- پنج قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٩ـ١٨ م، طول و عرض از چپ به راست بالا:
٦/١×٤/٧ ، ٧/٣×٤/٣ و ٦×٤، پایین : ٦/٢×٤/٥ ، ٦×٤/٤
سانتی‌متر



٥٤٤
٥٤٣
٥٤٢
٥٤٦
٥٤٥
٥٤١
٥٤٠



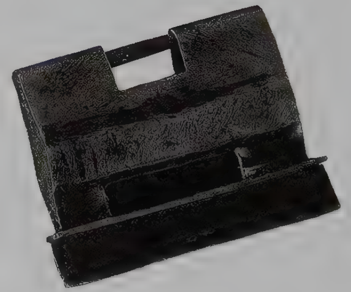
۵۲۷



۵۲۸

بیشتر قفل‌های این دسته حالت بناگونه دارند. قفل‌های شماره ۵۲۷ و ۵۲۸ از این جمله‌اند و بیش از هر بنایی به ساختمان گهواره می‌مانند. دسته‌ای از قفل‌ها به شکل صندوق و یا گاوصندوق محکمی ساخته شده‌اند. در میان این قفل‌ها، قفل شماره ۵۴۰ قابل توجه است که ساختمانی محکم و اساسی دارد و روی آن برنج کوب شده است. ساختمان یک گروه دیگر از قفل‌های صندوقی طوری است که دستیابی به سوراخ کلید را مشکل و پیچیده می کند و باید مدت زمانی برای پیدا کردن درپوش و کنار زدن آن صرف کرد (شماره‌های ۵۴۱ و ۵۴۲).

دسته‌ای دیگر به کیف دستی می‌مانند. بدنه آن‌ها مکعب مستطیل است و کمانه به‌نسبت بزرگی دارند (شماره ۵۳۱). روی برخی از این قفل‌ها یک ورقه برنجی مزین به نقش شیر نصب شده است. مقایسه این شیرها با فلوس‌های صفوی خالی از لطف نیست (شماره ۵۳۳).





۵۲۹





۵۳۰



۵۳۱



۵۳۲





۵۳۳



۵٤۷- کشکول، اواخر قرن ۱۳هـ، طول: ۲٤ سانتی متر
۵٤۸- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۷ م، طول و عرض: ٦/۸×٤/۳ سانتی‌متر
۵۵۱-۵٤۹- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض، بالا: ۸×۳/۸، پایین چپ: ٤/٦×٤/۸، راست: ٤/۲×۳/٦ سانتی‌متر
۵۵۳-۵۵۲- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست: ۷/٦×۵/۳، ٦×۵/۵ سانتی‌متر
۵۵٤-۵٤٦- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض از چپ به راست، بالا: ٤/۵×٤، ۷/۵×٤، ۳/۳×۳/٤ سانتی‌متری‌متر
۵۵۷- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸ م، طول و عرض: ٦×٤/۳ سانتی‌متر
۵٦۰-۵۵۸- یک قفل برنجی و دو فولادی با دستگاه فاق فنر، قرن ۱۸ م، طول و عرض قفل برنجی بالا: ٤/۳×۳/۱، پایین چپ: ٤/٤×۳/۵، پایین راست: ٤/۷×۳/۸ سانتی‌متر



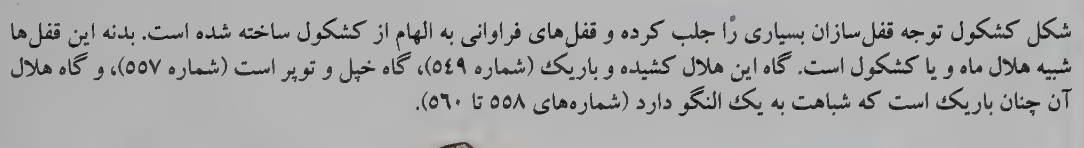
۵۴۸

کشکول

شکل کشکول توجه قفل‌سازان بسیاری رًا جلب کرده و قفل‌های فراوانی به الهام از کشکول ساخته شده است. بدنه این قفل‌ها شبیه هلال ماه و یا کشکول است. گاه این هلال کشیده و باریک (شماره ۵۴۹)، گاه خپل و توپر است (شماره ۵۵۷)، و گاه هلال آن چنان باریک است که شباهت به یک النگو دارد (شماره‌های ۵۵۸ تا ۵۶۰).



۵۴۷



۵۴۹



۵۵۰



۵۵۱



٥٦١- قفل فولادی با تزیین برنجی، دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٧ م، طول و عرض: ٨/٧×٤/٥ سانتی‌متر
٥٦٢- کلید فولادی مربوط به قفل‌های «نافی»، قرن ١٩ م.
٨/٥×٦/٣ سانتی متر
٥٦٣- قفل فولادی با دو دستگاه فنر خمیده و حفاظ کلید،
قرن ١٧ـ ١٦ م، طول و عرض: ١٨/٥×٨ سانتی‌متر
٥٦٤ و ٥٦٤ الف- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده
و حفاظ کلید، قرن ١٧ـ ١٦ م، طول و عرض: ٧/٨×١٤
سانتی‌متر، ٥٦٤ الف: باز شده ٥٦٤
٥٦٧-٥٦٥- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست :
٨/٥×٥/٣ ، ١٠×٥/٦ ، ٦/٧×٣/٤ سانتی‌متر
٥٧٠-٥٦٨- سه قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست: ٧×٤ ،
٤/٥×٢/٧ و ٣×٥/٨ سانتی‌متر
٥٧٢-٥٧١- دو قفل فولادی (شماره ٤٨٨ با نگین های
فیروزه)، دستگاه فنر خمیده، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و
عرض از چپ به راست : ٣/٢×١/٨ ، ٣/٩×١/٨ سانتی‌متر
٥٧٤-٥٧٣- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ١٩ـ
١٨ م، طول و عرض: ٣/٤×٦/٨ و ٧/٣×٤ سانتی‌متر
٥٧٥- قفل فولادی با ٤ دستگاه، دو دستگاه فنر خمیده و
دو دستگاه فنر مارپیچ ، قرن ١٧م، طول و عرض: ٨×١٣
سانتی‌متر





۵۶۲

۵۶۱

قفل دل

گروه قفل‌های «دل شکل» یکی از بزرگترین گروه‌هاست. بدنه این قفل‌ها به شکل قلب است و در بالای آن دو زایده بزرگ شبیه دو گوش کار گذاشته شده است کهّ عمل «کمانه گیر» را انجام می‌دهد. کمانه این دسته از قفل‌ها به نسبت کوچک است. بیشتر قفل‌های دل ساده‌اند و به قفل شماره ۵۶۳ می‌مانند. در میان این گروه قفل شماره ۵۶۱ که روی آن با صفحه برنجی مشبکی تزیین یافته است و شماره ۵۷۱ که سطح آن با دانه‌های فیروزه پر شده، استثنایی است.

یکی از زیباترین قفل‌های این دسته شماره ۵۶۳ است که باید کار یک استاد باشد. مهارت و دقتی که در ساختمان این قفل، فنربندی، درپوش و کلید آن به کار رفته، تحسین بر انگیز است. در پایین قفل گیره لولاداری است که تا با فشار به عقب کشیده نشود، در پوش روی بدنه کنار نمی‌رود و جای کلید نمایان نمی‌شود. زمانی که این درپوش بسته است، هیچ نشانه‌ای از سوراخ کلید پیدا نیست، زیرا چنان جزم قفل ساخته شده که با درپوش قرینه خود که در پشت قفل ثابت شده، فرقی ندارد.

برخی از قفل‌های چند کلیده نیز در این گروه هستند. گفته می‌شود که این قفل‌ها که هر کدام سه دستگاه و سه کلید دارند در گاوصندوق شرکا به کار می‌رفته‌اند (شماره ۵۷۵).



۵۶۳



۵۶۴ الف



۵۶۴

٥٧٩

٥٧٨

٥٨٢

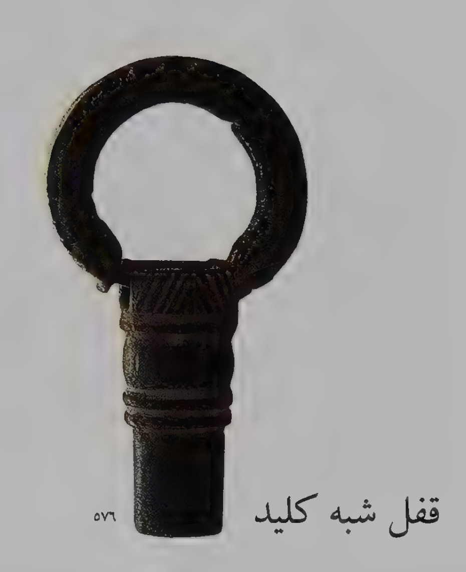
٥٨١

٥٨٠



٥٨٣

٥٨٤


۵۷۶

قفل شبه کلید

بدنه دسته‌ای از قفل‌ها به شکل کلید ساخته شده است. بیشتر این قفل‌ها کار دو قرن اخیر اند، اما وجود یک قفل قدیمی مفرغی کلید شکل (شماره ۵۷۶) نشان می‌دهد که این شکل از دیرباز مورد توجه قفل‌سازان بوده است. تعیین قدمت این قفل کار آسانی نیست، ممکن است در عهد صفویه و یا پیش از آن ساخته شده باشد. کلید و دستگاه این قفل مفقود شده است، اما وجود قفلی شبیه به آن چگونگی دستگاه فنر مارپیچ و کلید گردان آن را مشخص می‌سازد (شماره ۵۸۲). با در اختیار داشتن قفل مفرغی شماره ۵۷۶ و قفل فولادی شماره ۵۸٤ و قفل‌های پس از آن، سیرتحولی این قفل‌ها مشخص می‌شود. بدنه اولین قفل‌ها اگرچه خود شبیه کلید است، اما کلید به نسبت بزرگی نیز برای آن‌ها ساخته می‌شده است. اما در قفل‌های پس از آن کوشش بیشتری برای شباهت بدنه به کلید و کوچک کردن کلید دیده می‌شود. خود این‌ها به دو شاخه تقسیم می‌شوند. شاخه‌ای از آن‌ها حتا زایده کلیدهای معمولی را دارند (شماره ۵۷۹) و تعدادی دیگر فاقد این زائده‌اند، اما در عوض، ساز و کار پیچیده‌تری دارند. روی بدنه این قفل‌ها به جای حلقه قفل‌های پیشین دو حلقه قرار گرفته است و هر دو حلقه از داخل پیچ شده‌اند، با این تفاوت که معکوس یکدیگر هستند. به این ترتیب که تا حلقه زیری به طرف راست و پایین پیچیده نشود، جا برای حلقه بالایی که در حقیقت «درپوش سوراخ کلید» است، باز نمی‌شود (شماره ۵۸۱). کلید هر دو دسته بسیار کوچک و دستگاه آن‌ها از نوع فنر کمانه‌ای است.

از این قفل‌ها در اروپا به ویژه در روسیه نیز تولید شده است و همین امر تشخیص ایرانی و یا خارجی بودن آن‌ها را مشکل کرده است. اما با دردست داشتن قفل مفرغی شماره ۵۷۶، می‌توان پذیرفت که مبدا این قفل‌ها ایران بوده است. (ر. ک. به: ص ۱۵۰).

۵۷۶- قفل مفرغی با دستگاه فاق فنر، قرن ۱٦ـ ۱۵ م، طول و عرض: ۸/۵×٤/۸ سانتی‌متر
۵۷۷- قفل فولادی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض: ۷/۲×۳/۸ سانتی‌متر
۵۷۹- ۵۷۸- دو قفل فولادی (سمت راست فولاد و برنج)، دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست: ۷/۵×۳/۵ و ٦/۷×۳/۵ سانتی‌متر
طول و عرض (باکلید)، چپ: ۹×۳/۵، راست: ۷×۳/۵ سانتی‌متر
۵۸۰ - قفل فولادی، دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۹ -۱۸، طول و عرض ٦×۹
۵۸۱- قفل فولادی با دستگاه فنر کمانه، قرن ۱۸ـ۱۷ م، طول و عرض: ٦×۳/۵ سانتی‌متر
۵۸۲- قفل برنجی با دستگاه فنرمارپیچ، قرن ۱۸م، طول و عرض (باکلید): ۱۱/۳×٤/٤ سانتی‌متر
۵۸٤- ۵۸۳- دوقفل فولادی (سمت راست فولاد و برنج) سمت چپ دستگاه فنرمارپیچ، سمت راست فنر کمانه، طول و عرض (باکلید)، چپ: ۹×۳/۵، راست: ۷×۳/۵ سانتی‌متر


۵۷۷


۵۸۹


۵۹۰


۵۹۱


۵۹۲


۵۹۷


۵۹۳


۵۹٤


۵۹٦


۵۹۸


۵۹۹

۵۸۷- ۵۸۵- سه قفل برنج و فولاد با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض (باکلید) بالا: ٦/۲×۵/۲، پایین: ۳/۳×۷، (۵۸۷): ۳×٦/۵ سانتی‌متر

۵۸۸- تاس رمل، برنج، اواسط قرن ۱۸ م، طول: ۱۲/۷ سانتی متر

۵۹٦-۵۸۹- هشت قفل فولاد و برنج با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹ـ ۱۸ م، طول و عرض از چپ به راست (باکلید) بالا: ٦/۸×۵/٤ ، ٦/۵×۳/۷، ردیف دوم: ۹/۳×۵/۵ ، ۵/۵×۳/۸، ردیف سوم: ۳/۷×۳/۳ ، ٤/۸×۳/۸ ردیف چهارم: ۵/۵×۳/۸، ٦/۷×۳/٦ سانتی‌متر

۵۹۷- سرمه‌دان سنگی، مشهد، قرن ۱۹-۱٦م، ارتفاع: ۵/۸ سانتی متر

۵۹۹-۵۹۸- دو قفل برنجی (بالا فولاد و برنج) با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹ م، طول و عرض، چپ : ۳/۸×۲/۸ ، راست: ٦/۵×۳/۵ سانتی‌متر



۵۸۵

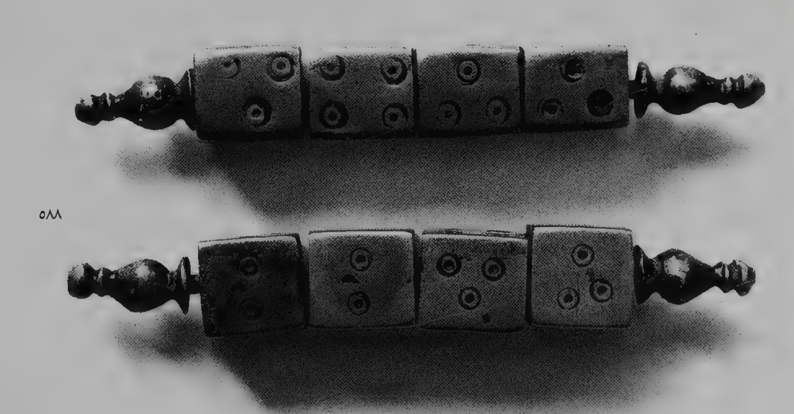
۵۸۶



۵۸۷

قفل شبه رمل و سرمه دان

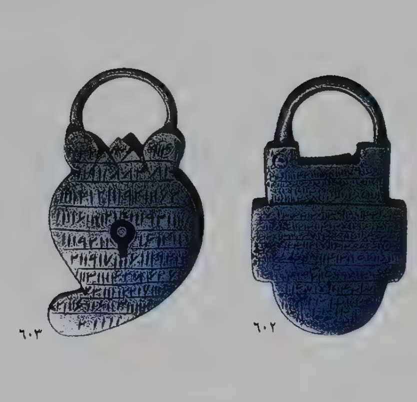
گروه کوچکی از قفل‌ها شباهتی به رمل دارند و روی آن‌ها به شیوه رمل طالع بینان با دوایر مخلخل و درهم تزیین شده است[۳۴] (قفل ۵۸۵، عکس ۵۸۸). گروه دیگری از این قفل‌ها همین تزیینات را دارند، با این تفاوت که برش‌هایی در سطح آن‌ها پدید آمده است. این دسته سرمه‌دان‌های سنگی را به یاد می‌آورند[۳۵] (قفل ۵۹۰، عکس ۵۹۷) و برخی شبیه گلدان پایه‌دار هستند، یعنی انتهای آن‌ها باریکتر از سرشان است. (قفل ۵۹۳). چند قفل ساده و لوله‌ای و یا چند ضلعی هم در بین این قفل‌ها دیده می‌شود (شماره ۵۹۹). قفل‌های این گروه همگی از برنج، و کمانه برخی از آن‌ها از فولاد است.



۵۸۸


٦١٠
٦٠٩
٦٠٨
٦٠٧
٦٠٦
٦٠٥
٦١٥
٦١٤
٦١٣
٦١٢
٦١١
٦١٩
٦١٨
٦١٧
٦١٦
٦٢٥
٦٢٤
٦٢٣
٦٢٢
٦٢١
٦٢٠





٦٠٣ ٦٠٢ ٦٠١ ٦٠٠

قفل طلسم و دعا

در صفحه ١٥ درباره قفل‌های طلسم و دعا و کارکرد آن‌ها سخن گفتم و در این جا تنها یادآور می‌شوم که این قفل‌ها به هدف حفاظت ساخته نشده‌اند بلکه جنبه عقیدتی دارند و برای برآوردن نیازهای درونی مردمی عقیده‌مند به‌کار می‌رفته‌اند.
قفل‌های طلسمی شکل ساختمان خاصی ندارند و ممکن است به هر شکل و یا از هر جنسی باشند. گروه بزرگی از آن‌ها از جنس نقره اند. بر روی برخی از این قفل‌ها آیه «و ان یکاد» حک شده است و از این رو به «ون یکادی» معروف‌اند. برخی از آن‌ها فنر دارند و کمانه‌شان بیرون می‌آید (شماره ٤٧ و قفل ٦١٦). در برخی دیگر، کمانه به بدنه لحیم شده است و فنربندی و دستگاهی در کار نیست (شماره ٦١٧).
جالب‌ترین قفل‌های طلسمی، قفل‌های فولادی‌اند که روی آن‌ها با حروف و اعداد نوشته شده است (شماره‌های ٦٠٨ و ٦١٥).



٦٠٤

٦٠١-٦٠٠- دو قفل برنجی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٩ـ ١٨ م، طول و عرض از چپ به راست:
٦/٦×٢/٥ و ٣/٧×٢/٥ سانتی‌متر

٦٠٣-٦٠٢- دو قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده،
قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست: ٤/٥×٢/٦
و ٤/٦×٢/٦ سانتی‌متر

٦٠٤- برنج و فولاد، دستگاه فنر مارپیچ، قرن ١٩ـ ١٨ م،
طول و عرض (باکلید): ٤/٣×١/٨ سانتی‌متر

٦٠٧-٦٠٥- سه قفل، فولاد، دستگاه فنر سنجاقی، قرن ١٩ـ
١٨م، طول و عرض(باکلید)، از چپ به راست :
٣×١/٨، ٤×٢ و ٣/٣×١/٧

٦٠٨- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ١٩ـ ١٨ م،
طول و عرض: ٢/٢×١/٣ سانتی‌متر

٦١٠-٦٠٩- دو قفل فولادی با دستگاه فنر سنجاقی،
قرن ١٩ـ ١٨ م، طول و عرض از چپ به راست : ٣×١/٨
و ٤/٤×٢/٦ سانتی‌متر

٦١٥-٦١١- پنج قفل فولادی (دستگاه فنر خمیده
بجز شماره ٦١٥ که دستگاه فنر سنجاقی است)، قرن ١٩ـ
١٨ م، طول و عرض از چپ به راست: ٢/٦×١،
٦/٣×١/٩، ٤/٤×٢/٧ ، ٤/٥×٢/٧ و ٤/٤×٢/٦، سانتی‌متر

٦٢٥-٦١٦- ده قفل فولادی با دستگاه فنر سنجاقی،
قرن ١٩م، طول و عرض از چپ به راست،
بالا: ٤/٥×٣، ٦×٣/٣ ، ٥/٢×٣، ٣/٩×٢/٥ ،
پایین: ٣/٥×١/٩ ، ٣/٢×١/٥ ، ٣/٧×٢ ، ٢/٨×١/٦ ، ٣/٥×٢
و ٣/٦×١/٨ سانتی‌متر



۶۲۷



۶۲۸

۶۲۶- قفل برنجی با دستگاه رمز افقی، قرن ۱۷ـ ۱۶ م،
طول و عرض: ۱۳×۳/۵ سانتی‌متر
۶۲۶ الف: طرح همان قفل
۶۲۷- قفل فولاد و برنج با دستگاه رمز افقی، قرن ۱۷ م،
طول و عرض: ۱۲×٤ سانتی‌متر
۶۲۸- قفل فولادی با دستگاه رمز افقی، قرن ۱۹ـ ۱۸ م،
طول و عرض: ۲/۷×۳/۵ سانتی‌متر
۶۳۰-۶۲۹- دو قفل (سمت چپ) فولاد و برنج (راست)
فولاد با دستگاه رمز افقی، قرن ۱۹ م، طول و عرض از
چپ به راست: ٤/۷×۵ و ٤/۸×۵ سانتی‌متر
۶۳۲-۶۳۱- دو قفل فولادی با دستگاه رمز افقی،
قرن ۱۹ م، طول و عرض از چپ به راست: ۳/۸×٤/۵ و
۳/۸×٤/۳ سانتی‌متر



۶۲۹



۶۳۰



۶۳۱



۶۳۲



۶۲۶

قفل رمز

در صفحه ۳۸ به قفل رمز و چگونگی کارکرد آن اشاره کردم. اگرچه در بیشتر منابع، اختراع قفل رمز به چینی‌ها نسبت داده شده است اما با ظواهر موجود بعید بست این گونه قفل به دست ایرانیان اختراع شده باشد، زیرا یک نمونه پیشرفته آن از قرن ۱۲ میلادی به امضای **شرف الدین اصفهانی** در دست است. این قفل درون یک گاوصندوق کار گذاشته شده است. قدیمی‌ترین قفل رمز آویز در عهد تیموری ساخته شده و تاریخ ۸۸۹ هجری روی آن حک شده است.[۳۶] هم‌چنین اشارات برخی از نوشته‌ها نشانگر آن است که قفل رمز از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است. در *عجایب‌المخلوقات* (نگارش ۶۸۰ هـ) سخن از قفلی است که آن را کلید نبود و با نام شخص یا یکی از بروج باز می‌شد.[۳۷] مولف این کتاب هم‌چنین اشاره به صندوقی دارد که از صورت زن و اشکال دیگری ساخته شده بود و به هنگام باز شدن آوازی از آن بر می‌خواست.[۳۸]

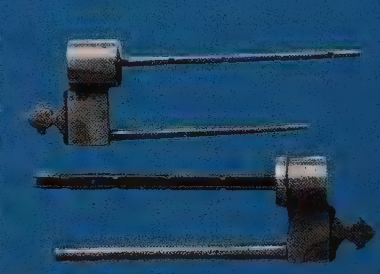
مخترع قفل رمز هر که بوده، از قرار معلوم اعتقادی به کلید نداشته است؛ زیرا تقلید کلید آن هم در قفل‌های گذشته کار مشکلی بوده است. کلید عیب دیگری هم داشته است (و هنوز هم دارد) و آن گم شدن آن است. به سبب همین نقیصه‌ها و نیاز به قفلی که بدون کلید کار کند، قفل رمز اختراع شد. کارکرد قفل رمز از طریق حلقه‌هایی است که روی آن تعبیه شده است. روی این حلقه‌ها کلمات و یا اعدادی نوشته شده که با ردیف کردن آن‌ها موانعی که سر راه کمانه است به کنار می‌رود و کمانه از قفل خارج می‌شود (ص ۳۸، شماره ۶۳). نوشته‌های روی قفل‌های رمز ایران اغلب کلمات قصار حکیمانه است. گاهی نیز از حروف و یا اعداد ابجد که از ترکیب آن‌ها اسماء خداوند و یا امامان حاصل می‌شود، مدد گرفته شده است.

قفل‌های رمز را باید به دو دسته تقسیم کرد: افقی و عمودی. در قفل‌های افقی حلقه‌های رمز به ترتیب افقی است. دو نمونه از بهترین قفل‌های این دسته قفل‌های شماره ۶۲۶ و ۶۲۷ است که از زمان صفویه به جا مانده‌اند. قفل ۶۲۶ تمام برنج و شماره ۶۲۷ تمام فولاد است و روی «کمانه گیر»های هر دو طرف آن نقش شیر حک شده است. از دوره‌های بعدی، قفل‌های شماره ۶۳۴ و ۶۳۵ قابل ذکر است.

در قفل‌های رمز عمودی، حلقه‌های رمز به شکل عمودی روی هم سوار شده‌اند و عملکرد آن‌ها شبیه رمز قفل‌های افقی است (شماره ۶۳۷).

قفل‌های رمزی یکی دو قرن اخیر اغلب ترکیب برنج و فولاد اند. بدنه و حلقه‌ها از جنس برنج و کمانه از فولاد است.

قفل رمز شماره ۶۴۰ دستگاهی به کل متفاوت با دیگر قفل‌های رمزی دارد. بدنه این قفل شبیه قفل‌های چهار گوش است اما روی آن چهار دایره شماره‌دار گردان کار گذاشته شده است. (ن. ک. به: طرح ۶۵)





۶۲۵ الف

فلزات گرانبها

وجود تعداد قابل توجهی قفل نقره و چند قفل طلا، مرا بر آن داشت تا بخش ویژه‌ای به این قفل‌ها اختصاص دهم. این دسته از قفل‌ها تقریبا به همه شکل و گونه‌ای ساخته شده‌اند. در بین آن‌ها هم قفل تصویری و هم غیر تصویری وجود دارد. اگرچه اغلب آن‌ها به دلیل گرانی و کمیابی نقره در اندازه کوچک ساخته شده‌اند، اما در بین آن‌ها چند قفل بزرگ هم وجود دارد که ممکن است در امامزاده‌ها به کار می‌رفته و یا قفل درب گنج‌خانه‌های سلطنتی و اعیانی بوده‌اند. در موزه آستانه مقدسه قم یک درب با روکش طلا وجود دارد که هنوز قفل آن رویش است. این قفل از طلا و میناست و در عهد فتحعلیشاه ساخته شده است (شماره ٦٦٢ و ٦٦٢ الف).

قفل طلا به مراتب کمیاب‌تر از قفل نقره است. بسیاری از قفل‌های طلایی که دیده‌ام کوچک و مصرف زینتی داشته‌اند، به حدی که جایی در این کتاب ندارند. اما یک قفل طلا در موزه آستان قدس رضوی (ع) هست که جا دارد چند کلمه‌ای درباره آن بنویسم. این قفل (عکس ٦٤٢) که روی آن نام سفارش دهنده و نام سازنده حک شده، به نیت نصب روی ضریح **حضرت رضا** (ع) ساخته شده است. زیرا در شعری که بر آن است، سخن از «بوسه بر قفل» آمده که بر قفل‌های ضریح امری رایج است (ص ١٥ و ١٦). آخرین مصرع شعر روی قفل، ماده تاریخ آن است.

با محاسبه حروف ابجد، این تاریخ ١٣٣٧ شمسی و یا ١٠٦٤ هجری خوانده می‌شود. نه تاریخ اول و نه دوم هیچ کدام با سبک کار قفل نمی‌خواند. اولی زیاد جدید ودومی خیلی دور می‌نماید. با در نظر گرفتن سبک کار این قفل، اواخر دوره صفوی (اواخر قرن یازده و اوایل قرن دوازدهم هجری) عقلانی‌تر به نظر می‌رسد.

قفل طلای دیگری که قابل ذکر است، شماره ٦٦٣ است. این قفل همه چیزش مشخص است زیرا به سفارش نویسنده و به دست آخرین قفل‌ساز چالشتر استاد **تقی نیکزاد** ساخته شده است.

٦٣٣- قفل فولادی با دستگاه رمز افقی، قرن ١٩م. طول و عرض ٥/٢×٥/٦ سانتی‌متر

٦٣٥-٦٣٤- دو قفل فولاد و برنج با دستگاه رمز افقی، قرن ١٩ م. طول و عرض ٤/٢×٦/٨ و ٧×٧/٥ سانتی‌متر

٦٣٦- قفل فولاد و برنج با دستگاه رمز افقی، اواسط قرن ٢٠ م. طول و عرض ٤/٧×٦/٣ سانتی‌متر، با مهر (ابراهیم کرند)

٦٣٩-٦٣٧- سه قفل فولاد و برنج با دستگاه رمز عمودی، قرن ١٩-١٨ م. طول و عرض از چپ به راست: ٧×٢، ٧×٢/٥ و ٧×٢/٣ سانتی‌متر

٦٤٠- قفل فولادی با دستگاه رمز و کمانه منفک، قرن ٢٠ م. طول و عرض ٩/٧×٦/٥ سانتی‌متر

٦٤١- قفل نقره با دستگاه فنر خاردار، قرن ١٨-١٦ م. طول و عرض (با کلید) ٢١×٩/٥ سانتی‌متر



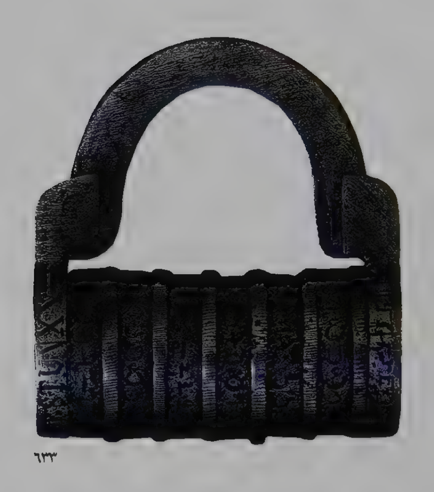
٦٤١



٦٣٥



٦٣٤



٦٣٣



٦٣٦



٦٣٩

٦٣٨



٦٣٧



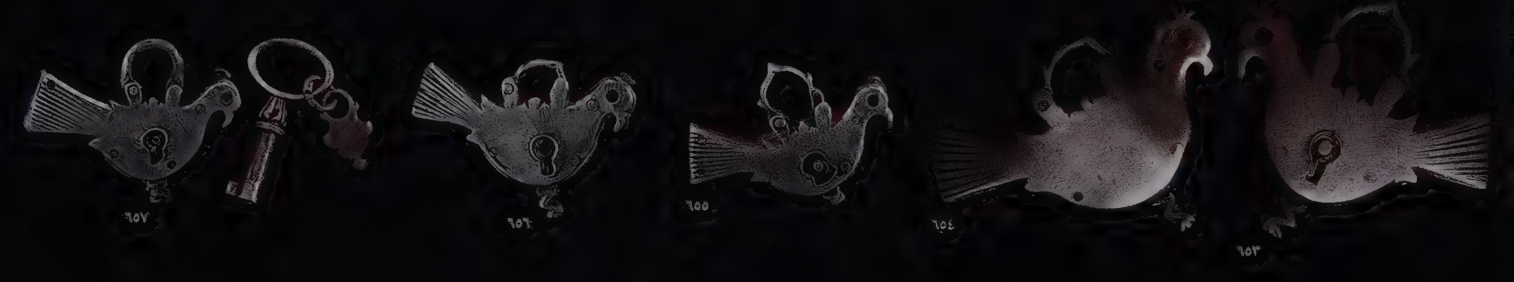
٦٤٠



٦٤٩
٦٤٨
٦٤٧
٦٤٦
٦٤٥
٦٤٤



٦٥٢
٦٥١
٦٥٠



٦٥٧
٦٥٦
٦٥٥
٦٥٤
٦٥٣



٦٥٨

۶۴۲

دو قفل بزرگ نقره نیز هست که هر دو دارای اهمیت بسیار است. بر روی این قفل‌ها نوشته‌ای نیست تا بشود آن‌ها را به امکنه مذهبی ربط داد اما دور از انتظار نیست اگر فرض کنیم چنان مصارفی نیز داشته‌اند. شماره ٦٤٢ ساختمانی بسیار زیبا و استثنایی دارد. اگرچه بر روی این قفل هیچ تزیینی نیامده اما تاج زیر آن به گونه ترنجی است که در بدنه ممزوج شده است. تعیین عمر این قفل کار آسانی نیست اما بیش از هر عهد دیگری زمان صفویه را به یاد می‌آورد.
قفل دوم نیز یک قفل بزرگ و در نوع خود استثنایی است (شماره ٦٤١). تاج گیاه گونه و مشبکی که در زیر این قفل کار گذاشته شده به سبک هنر قرن دوازدهم (اواخر دوره صفوی و اوایل دوره‌های زند و قاجار) کار شده است و بی‌شباهت به تاج و کمانه قفل طلای **امام رضا** (ع) نیست. اما از آن جا که این قسمت به زیر قفل لحیم شده است و سبک کار آن نیز ارتباطی با خود قفل ندارد، ممکن است جدیدتر از خود قفل باشد و خود قفل شاید قدیم‌تر و دست کم کار اواسط دوره صفویه باشد، به ویژه که آثار قلم‌زنی باقی مانده بر آن نیز به این فرض کمک می‌کند. آن‌چه مسلم است این که از این قفل کار زیادی کشیده شده است، زیرا آثار سایش عمیق روی «کمانه گیر» های آن و میله کمانه‌اش دیده می‌شود.
قفل شماره ٦٦١ از جمله قفل‌های لوله‌ای است که با نقره ساخته شده و در ته آن نام سازنده قفل **مشهد حسن گرجی** و تاریخ ساخت ١٣١٨ حک شده است. قفل بزرگ دیگر کار *چالشتر* است (شماره ٦٥٩). همه ویژگی‌های قفل‌های *چالشتر* در این قفل دیده می‌شود (ر. ک. به «قفل‌های *چالشتری*» ص ١١٤).
چند قفل نقره دیگر با طرح شاه عباسی (شماره‌های ٦٤٤ تا ٦٤٦)، کشکولی (شماره ٦٤٧)، لوله‌ای (شماره ٦٦١) و شکل‌های دیگر هست که کارشان تحسین برانگیز است. روی یکی از این قفل‌ها قلمزنی ظریفی انجام گرفته است (شماره ٦٥٢). قفل‌های تصویری نقره نیز ساخته شده که بیشتر آن‌ها پرنده (کبوتر) هستند (شماره ٦٥٤). یک اسب نقره نیز وجود دارد که روی زین آن سنگ‌های رنگی نشانده شده است و کنارِ زین امضای قفل‌ساز **حبیب الله** دیده می‌شود (شماره ٦٥٨).

٦٤٢- قفل طلا، متعلق به موزه امام رضا(ع)، کار جوادالحسینی، ١٠٦٤هـ، طول: ٩، عرض: ١٤/٥ سانتی متر
٦٤٣- قفل نقره با دستگاه کام و زبانه، قرن ١١٦ـ١٥ م، طول و عرض: ٩×١٤ سانتی‌متر
٦٤٥-٦٤٤- دو قفل نقره با دستگاه فنر خمیده، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست: ٣×٥ و ٢/٥×٤/٣سانتی‌متر
٦٤٩-٦٤٦- چهار قفل نقره، دستگاه فنرخمیده، (بجز ٦٤٩ که دستگاه فنر مارپیچ می باشد)، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست: ١/٥×٣/٥، ٢/٢×٤ ، ٣×٣/٧ و ٢/٢×٤ سانتی‌متر
٦٥٢-٦٥٠- سه قفل نقره با دستگاه فنر خمیده، قرن ١٨ـ١٧ م، طول و عرض از چپ به راست : ١/٨×٤ ، ١/٧×٤ و ٢×٤/٤ سانتی‌متر
٦٥٤-٦٥٣-دوقفل نقره بادستگاه فنرخمیده،قرن١٨م، طول و عرض: ٣/٩×٤/٥ و ٣/٤×٤/٥سانتی‌متر
٦٥٧-٦٥٥-سه‌قفل نقره بادستگاه فنرخمیده،قرن١٨م، طول و عرض از چپ به راست: ٣/٦×٤/٣، ٤/٦×٣/٣ و ٤/٤×٣/٣ سانتی‌متر
٦٥٨- قفل نقره با نگین‌های فیروزه، دستگاه فنر خاردار، قرن ١٩م، طول و عرض: ٦/٥×٦ سانتی‌متر، نوشته: «عمل حبیب الله»



۶۶۵

۶۶٤

قفل‌های متفرقه

بجز گروه‌هایی که از آن‌ها سخن رفت، تعداد دیگری قفل هست که شکل آن‌ها متفاوت با بقیه قفل‌هاست. از جمله قفلی است به شکل صلیب (شماره ۶۶٤). قفل دیگر حالتی بین لوله و زنگوله را دارد (شماره ۶۶۵) و ممکن است به الهام از زنگوله ساخته شده باشد. شماره ۶۶۶ نیز از قفل‌های عجیب است. بدنه این قفل با این که لوله‌ای است، اما با شیارهای سرتاسری شباهتی به خیار چنبر پیدا کرده است. این قفل دارای دو کلید و دو دستگاه است که روی جعبه‌ای در بدنه قفل کار گذاشته شده است. اما از همه عجیب‌تر شماره ۶۶۷ است که به الهام از هالتر و یا دمبل ورزشکاران و یا دسته هاون‌های چوبی ساخته شده است. بدنه این قفل به دو قسمت مساوی تقسیم شده و کمانه در میان این دو قرار گرفته است. دستگاه این قفل نیز با دستگاه بقیه قفل‌ها فرق دارد (ص۳۶).

۶۵۹- قفل نقره با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹م، طول و عرض (با کلید) : ۷/۳×۱۰ سانتی‌متر

۶۶۰-۶۶۱- دو قفل نقره با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹م، طول و عرض (با کلید)، بالا : ۲/۵×٤/۵، پایین ۵/۵×۱۲ سانتی‌متر (با کلید)

۶۶۲ و ۶۶۲ الف - درب حرم با روکش ورق طلا و مینا قفل طلا و مینا مربوط به دوره فتحعلیشاه، موزه آستانه مقدسه قم

۶۶۳-قفل طلا با دستگاه فنر مارپیچ، کار استاد رضا نیکزاد، سال ۱۳۷۶، طول و عرض: ۱۳×۱۵/۵ سانتی‌متر

۶۶٤- قفل فولادی با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۸م، طول و عرض: ٤/۶×۷/۸ سانتی‌متر

۶۶۵- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸م، طول و عرض: ۷×۹/۳ سانتی‌متر

۶۶۶- قفل فولادی با دو دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸م، طول و عرض: ۷/۳×۱٤ سانتی‌متر

۶۶۷- قفل فولادی با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۸م، طول و عرض: ٤/۵×۱۲/۵ سانتی‌متر

۶۶۶



۶۶۷



٦٦٠

٦٦١



٦٥٩



٦٦٣



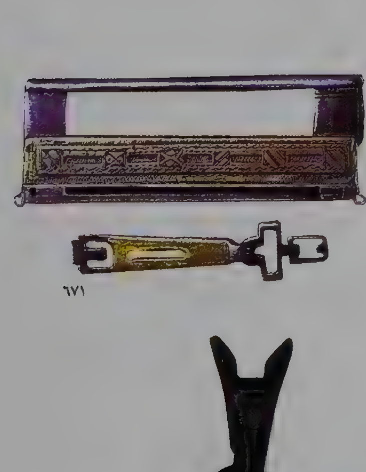
٦٦٢



٦٦٢الف


٦٦٩


٦٧٠

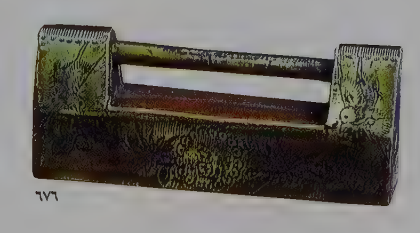

٦٧١


٦٧٢


٦٧٣


٦٧٤


٦٧٥


٦٧٦


٦٧٧


٦٧٨

تاثیر قفل‌سازی ایران بر قفل‌سازی کشورهای دیگر و عکس آن

در صفحه ۷٦ درباره قفل‌های اروپایی و اثراتی که در قفل‌سازی ایران در یکی دو قرن اخیر داشته‌اند، سخن گفتم. نشانه‌هایی هم در دست است که معلوم می‌دارد قفل‌های ایرانی نیز اثراتی بر قفل‌سازی غربی گذاشته‌اند.
با وجود آشنایی اروپاییان با قفل آویز، بیشترین توجه آنان پس از مسیحیت به قفل ثابت یا رودری بوده است. اگرچه از قرون وسطی به بعد قفل آویز نیز تولید چشمگیری در این کشورها پیدا کرد، اما جای قفل ثابت را نگرفت. ساز و کار قفل‌های اروپایی تا فرا رسیدن انقلاب صنعتی تنوع زیادی نداشت. بیشترین توجه صرف بخش خارجی قفل به ویژه نوع ثابت آن می‌شد و در ساخت کلید این قفل‌ها از هیچ دقت و ظرافتی دریغ نمی‌شد. آلمانی‌ها در این رشته از بقیه پیشی گرفته بودند. در قرون وسطی شهر نورنبرگ بزرگترین مرکز قفل‌سازی اروپا بود و قفل‌های نورنبرگی، برتری چشمگیری به قفل‌های دیگر داشتند.
با این همه، اروپاییان تا قرن شانزدهم میلادی با قفل بی‌کلید و یا قفل رمز بیگانه بودند. در این قرن آلمانی‌ها با اصول آن آشنا شدند و یک قرن پس از آن ساختن قفل رمز در انگلستان باب شد. در همه جا چین معرف قفل رمز به اروپا دانسته شده است، حال آن‌که بعید نیست غربیان این قفل را از ایرانیان آموخته باشند. زیرا قرن‌ها پیش از آن، این قفل در ایران ساخته می‌شد و ممکن است پس از آغاز مراودات ایران و غرب یعنی پس از قرن شانزدهم به اروپا رفته باشد.
علاوه بر قفل رمز ، دسته‌ای از قفل‌های اروپایی شباهت زیادی به قفل‌های فولادی ایران دارند. اثبات این امر که کدام از کدام تاثیر گرفته است، کار آسانی نیست.
قفل‌های ایرانی بیش از هر جای دیگر بر کار قفل‌سازان روسی اثر گذاشته‌اند، این تاثیرات به ویژه در گروهی از قفل‌های روسی که شکل اسب و پلنگ را دارند، مشهود است. اگر نوشته‌های روسی روی این قفل‌ها نبود تشخیص آن‌ها از قفل‌های ایرانی امر بسیار مشکلی بود. بسیاری از قفل‌های غیر تصویری روسی نیز ملهم از قفل‌های ایرانی اند. این قضاوت براساس قفل‌های قدیم‌تر که ایرانی‌اند استوار شده است. از جمله این قفل‌ها باید از قفل‌های شبیه کلید یاد کرد که قدیمی‌ترین آن‌ها ایرانی است (شماره ۵۷٦). قفل‌های برنجی *منطقةالبروج* نیز در هر دو کشور تولید شده و به‌احتمال از ایران به آن سوی مرزها رفته است. زیرا نوع ایرانی آن‌ها قدیم‌تر از نوع روسی‌شان است. به علاوه قفل‌سازان روسی نیز مانند دیگر قفل‌سازان اروپایی نام خود و یا کارگاهشان را اغلب بر قفل حک می‌کرده‌اند، حال آن‌که قفل‌سازان ایرانی این رسم را نداشته‌اند.
از لحاظ ساز و کار نیز، قفل‌سازی غرب تا قرن هیجدهم میلادی تحول چندانی نداشت و هم‌چنان استوار بر اصل به عقب راندن فنر سنجاقک از طریق کلیدهای مختلف بود. البته کلید و دندانه‌های آن به انواع و اقسام ممکن ساخته می‌شد و کوشش‌هایی برای پنهان کردن سوراخ کلید انجام می‌گرفت. با انقلاب صنعتی اروپا تغییراتی بنیادی در ساز و کار قفل پدید آمد و صنعت قفل‌سازی ماشینی، صنف قفل‌سازان دستی را از میدان به در کرد.
جای تعجب است که همین اندک سرنخ‌هایی که از تاثیرات قفل‌های ایرانی و اروپایی بر یکدیگر باقی مانده، در مورد قفل‌های دیگر کشورهای آسیایی به‌طور کل وجود ندارد. روابط گسترده ایران با کشورهای آسیایی به ویژه هند، چین، عثمانی و دیگر کشورهای مسلمان بدون شک اثراتی هم بر قفل‌سازی در بین آن‌ها داشته است. بسیاری از کشورهای آسیایی به ویژه هند و چین در قفل‌سازی پیشرفته بوده‌اند و مانند ایران ریشه‌های تاریخی در این صنعت داشته‌اند. به احتمال زیاد تجار طرفین علاوه بر کالاهای مختلف قفل‌هایی را نیز را آن کشورها به ایران و از ایران به دیگر کشورها می‌برده‌اند.
متاسفانه در هیچ منبعی اشاره به تجارت قفل بین ایران در دیگر کشورها نیست. حال آن‌که نگاهی به قفل‌های بیرون از مرز ایران و مقایسه آن‌ها با قفل‌های داخلی وجود چنین مبادلاتی را رد نمی‌کند.
در سفرهایی که طی نیم قرن گذشته به کشورهای مختلف داشته‌ام، این تاثیرات را به چشم دیده ام و در حد توانایی نمونه‌هایی را خریده‌ام که در این کتاب موجود است. چند نمونه از قفل‌های چین، هند و یا معدود قفل‌های آلمانی، روسی و آفریقایی به هیچ وجه تصویر قفل‌سازی این کشورها نیست. این نمونه‌ها ـ که جملگی قدیمی و مربوط به قرون گذشته اند ـ تنها برای روشن کردن ذهن خوانندگان و در اختیار گذاشتن سر نخی برای تعمیم دانش این رشته بوده است.


٦٦٨

٦٦٨- قفل چینی، مفرغ، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۷م، ۷/۵ × ۱۱/۵ سانتی متر
٦٦٩- قفل چینی، مفرغ، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹م، ٤ × ۱۳/۵ سانتی متر
٦۷۰- قفل چینی، برنج، با دستگاه فنرخاردار، قرن ۱۹م، ۸/۳×۳/۵ سانتی متر
٦۷۱- قفل تایلندی، برنج، با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹م، ۹×۱۸ سانتی متر
٦۷۲- قفل تبتی، آهن، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸-۱۷م، ۸/۵ × ٤٦ سانتی متر(با کلید)
٦۷۳- قفل هندی، مفرغ، با دستگاه فنر خمیده، قرن ۱۹م، ٤/۵×۹ سانتی متر
٦۷٤- قفل مراکشی، فولاد، مس و برنج، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹م، ۵/۲×۱۳ سانتی متر
٦۷۵- قفل ترکیه، مفرغ نقره کوب، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۸م، ۵/۵ × ۸/۵ سانتی متر
٦۷٦- قفل آلمانی، آهن، با دستگاه فنر خاردار، قرن ۱۹- ۱۸م، ۱۷ × ۱۰ سانتی متر
٦۷۷- قفل آفریقا (ساحل عاج)، چوب و آهن، اوایل قرن ۲۰م، ۳۵/۵ × ۳۸/۵ سانتی متر
٦۷۸- قفل روسی، فولاد، با دستگاه فنر مارپیچ، قرن ۱۹م، ۱۳ × ۲۱/۵ سانتی متر

گسترش تجارت ایران و کشورهای دیگر دنیا پس از جنگ جهانی دوم یکباره صنف قفل‌ساز را به زانو درآورد و آن‌ها را از میدان رقابت با قفل‌های دو کلیده فرنگی به در کرد. این قفل‌ها به هر کجا که می‌رسید نان قفل‌سازان را می‌برید. قفل‌سازان روستایی کمتر از قفل‌سازان شهری در معرض خطر بودند زیرا سال‌های بیشتری لازم بود تا باد صنایع غربی به روستاها برسد که بالاخره رسید و سال‌های آخر عمر آن‌ها را به تلخی کشاند.
با از میان رفتن قفل‌سازان، حاصل عمر آن‌ها یکسره از میان نرفت. آثاری که از این صنف به جا مانده، بخش مهمی از صنایع گذشته ما را تشکیل می‌دهد و تداوم و تسلسلی که در این رشته وجود داشته در کمتر رشته دیگری به چشم می‌خورد. تقریبا از همه دوره‌های تاریخ ایران نشانه‌هایی از قفل و قفل‌سازی باقی مانده است و همین امر کار تحقیق در این رشته را آسانتر می‌کند.
هرچه دامنه صنعت و تکنولوژی گسترده‌تر شود، تلاش برای پیدا کردن ریشه‌های آن نیز فزونی می‌یابد. امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های غرب رشته‌هایی برای بررسی صنایع و تکنولوژی اولیه (Early Technology) وجود دارد و هر روزه تحقیقات گسترده‌تری برای پیدا کردن اولین آغاز گران صنایع و علوم انجام می‌شود.
اگر قفل اولین دستگاه و یا ماشین خودکار ساخت بشر نباشد، یکی از اولین‌ها محسوب می‌شود. اختراع فنر نیز از اختراعات مهم بشر است که از آن در به کار انداختن اولین خودکارها، از جمله قفل استفاده شده است. در منابع غربی اختراع بسیاری از قفل‌ها، دستگاه‌ها و فنرها به غربی‌ها ازجمله یونانیان و رومیان نسبت داده شده است، حال آن‌که به گواهی نمونه‌های موجود در این کتاب، ایرانیان نیز همزمان با آن‌ها شاید هم زودتراز این صنایع مطلع بوده‌اند. برای اثبات این گفته باید تحقیقات گسترده‌تری انجام گیرد و توجه موسسات پژوهشی به این رشته فزونی یابد تا حق مطلب بیش از آن‌چه در این کتاب آمده است، ادا شود.


پایان کار

۱. رک. به:

Parviz Tanavoli and John T. Wertine, *Locks From Iran: Pre-Islamic to Towentith Centurey*, Washington DC 1976

۲. رک به: کتاب *سمینار تکنولوژی اولیه* دانشگاه تکزاس.

Denise Schmandth- Besserat ed. *Early Technologies*, Malibu 1979

۳. رک به:

Paola Torre ed. *Lucchetti Orientali*, Rome 1989

۴. **یاقوت حموی**، *معجم‌البلدان*، ج. ٤، ص. ۵۱۲–۵۱۱.
۵. **سام میرزا صفوی**، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، تهران (فاقد تاریخ چاپ)، ص. ۳٦۵.
٦. **ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی**، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران ۱۳٦۱، ج. ۲، ص. ٦–۵۳۵.
۷. **ابن خردادبه**، *مسالک و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران ۱۳۷۱، ص. ۵–۱۵٤
۸ **حسن پیرنیا و عباس اقبال**، *تاریخ ایران*، تهران (فاقد تاریخ چاپ)، ج. ۲، ص. ۲٦.
۹. برای اطلاعات بیشتر در مورد کلیدهای کعبه رک به:

Janine Sourdel-Thomine, *Clefs et Serrures de la Ka'be*, Paris 1971

۱۰. **محمد کاظم مروی**، *عالم‌آرای نادری*، ص. ۸۲٦
۱۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به : **پرویز تناولی**، *طلسم*، *گرافیک سنتی ایران*، تهران ۱۳۸۵، ص. ۸۳
۱۲. **صادق هدایت**، *نیرنگستان*، تهران ۱۳٤۲، ص. ۳٤.
۱۳. همان ماخذ، ص. ۱۵۱.
۱٤. **هانری ماسه**، *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، ص. ۸–۸۷
۱۵. برای اطلاعات بیشتر رک به : **تناولی**، *طلسم*، ص. ۹–۷۸.
۱٦. **سرپرسی سایکس**، *شکوه عالم تشیع*، ترجمه مصطفی موسوی (زنجانی) تهران ۱۳۷۳، ص. ۲٤۹.
۱۷. "زنجیر بســط" که هنوز هم در بالای درب ورودی بســیاری از مســاجد قدیمی باقی مانده، به منظور تعیین مرز مســجد با دنیای خارج است. کسانی که تامین جانی نداشتند، به آن طرف زنجیر در داخل مسجد پناه می‌بردند و مادام که آن‌جا بودند، از تجاوز و خطر مصون می‌ماندند.
۱۸. عمل گره زدن به مقصد باز شــدن بخت دوشــیزگان و ازدواج نیز هست. به‌گفته فره‌وشی گره زدن ســبزه در روز سیزدهم فروردین نیز به همین معناست. ر. ک. به: **بهرام فره‌وشی**، جهان‌فروری، تهران ۱۳۵۳ ص. ۲ـ ۷۱.
۱۹. درباره قدیمی‌ترین کلید وکلون ر.ک. به:

Joseph Bramah et.al, *Encyclopaedia Britanica.*

۲۰. همان ماخذ
۲۱. گیرشمن به نقل از **هانس ای. وولف**، *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم زاده، تهران ۱۳۷۲، ص. ٦۰.
۲۲. همان ماخذ، ص. ۲–٦۱
۲۳. برای مقایسه این قفل با برخی از ساخته‌های زمان ساسانیان ر.ک. به:

Arthur Upham Pope, *A Survey of Persian Art*, Tehran 1957 . vol VII, pp . 204-205

۲٤. نمونه‌هایی به جا مانده با موضوع «دو شیر رو به‌رو یا پشت به پشت» از دوره‌های پیش از اسلام و مقایسه آن با کمانه قفل شماره۸٤ درخور توجه است. ر.ک. به:

7000 Ans d'Art en Iran: exh.catalogue, Paris 1961. Pl. XCVIII. cat 867

۲۵. برای اطلاعات بیشتر درباره این صنایع ر. ک. به: **پرویز تناولی**، *جل‌های عشایر ایران: آرایش اسب*، تهران ۱۳۷۷، ص. ۲۷ به بعد.
۲٦. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. به:

Parviz Tanavoli, *Lion Rugs, Lion in the Art and Culture of Iran Basel*, 1985

۲۷. همان ماخذ، ص. ۵–۳۳.
۲۸. **ژان شاردن**، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران ۱۳۳٦، ج. ٤، ص. ۳۲٦.
۲۹. **هانری رنه دالمانی**، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی و همایون، تهران ۱۳۳۵ ص. ۳۷۵.
۳۰. **جُرج کرزن**، *ایران و قضیه ایران*، تهران ۱۳٦۷، ج. ۱، ص. ۲۲٤.
۳۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک به:

James Allan & Brian Gilmaur, *Persian Steel: The Tanavoli Collection*, Oxford 2000, pp . 113-122

دُن گارسیافیگویروا ســفیر اسپانیا ضمن برشمردن هدایایی که برای شاه عباس اول آورده بود به پنج قطعه پنجاه کیلویی فولاد اشاره می کند. ر.ک. به: *سفرنامه دُن گارسیافیگویروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران ۱۳٦۳، ص. ۲٦۲.
۳۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر. ک. به:

Tanavoli, *Lion Rugs*, pp. 24-26

۳۳. برای نمونه‌ای از شیرهای سنگی باقلاده ر. ک. به: **پرویز تناولی**، *قالیچه‌های شیری فارس*، تهران ۱۳۵۷، ص. ۲٤ و ۲۵.
۳٤. برای نمونه ر. ک. به: **پرویز تناولی**، *طلسم*، ص. ۳–۵۲.
۳۵. رک به: **پرویز تناولی**، *سرمه دان*، تهران ۱۳۸٦.
۳٦. ر. ک به:

Geza Fehervari, *Islamic Metaluock of the Eight to the Fiftheen Century, in the Keir Collection*, London 1976, plate 50

۳۷. **زکریا محمد بن محمود المکمونی القزوینی**، *عجایب المخلوقات* به تصحیح نصرالله صبوحی، تهران ۱۳٦۱، ص. ۳۷٤.
۳۸. همان ماخذ، ص. ۳۳۸.


یادداشت‌ها


انتشارات بی‌نگاه از پرویز تناولی منتشر کرده است
آتلیه کبود {کتاب خاطرات} ۱۳۸۴
طلسم، گرافیک سنتی ایران (چاپ دوم ۱۳۸۶)
سرمه‌دان ۱۳۸۶
در دست انتشار
سنگ قبر
سنگ ترازو
نمکدان


bon
gah
Locks from Iran
Pre-Islamic to Twentieth Century
PARVIZ TANAVOLI
© 2007 bon-gah Publication, Tehran
www.bon-gah.com
P.O.Box:15875/8576
all rights riserved to parviz tanavoli







نمایشگاه فوق العاده از قفل های ایران در موزه تاریخ طبیعی وابسته به موسسه اسمتیسونیان تشکیل شده است. فوق العاده از آن جهت که نه تنها برای اولین بار نمایشگاهی از قفل های ایران بلکه برای اول بار از کشورهای اسلامی و آسیایی و بدون شک از منطقه ای بسیار وسیع تشکیل می‌شود. این مجموعه متعلق به پرویز تناولی است که برای واشنگتنی ها غریبه نیست. سال گذشته مجموعه قالیچه های شیری او در این جا به نمایش درآمد و هنوز هم این مجموعه در موزه های آمریکا در حال نمایش است. تناولی استاد مجسمه سازی دانشگاه تهران و پیشگام مجموعه داری در ایران است. وی علاوه بر جمع آوری، به ثبت آن دسته از صنایعی که در حال زوال است، پرداخته است.

واشنگتن پست، ٦فوریه ۱۹۷۷

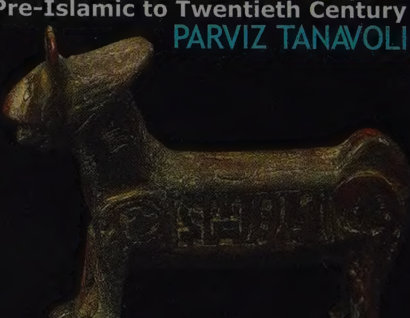


نمایشگاه {قفل های ایران} انباشته است از فیگورها و آبستره های پر تحرک و در پختگی و مهارت در حد فرش ها، شیشه ها و سرامیک های ایرانی اوایل اسلام اند و با عالی ترین فرم های مجسمه سازی برابری دارند.

نیویورک تایمز، ۳۱ دسامبر ۱۹۷۶



Locks from Iran
Pre-Islamic to Twentieth Century
PARVIZ TANAVOLI



هنرهای از یاد رفته -۳
ISBN: 978-964-91678-1-7
9 789649 167817
bon gah